

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان و نام پدیدآور:	راه عدالت/ نویسندگان علی بهادری جهرمی...[و دیگران]؛ کاری از سازمان بسیج حقوقدانان.
مشخصات نشر:	تهران: پژواک عدالت، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری:	۱۷۰ ص.
شابک:	۸۵۰۰۰ ریال: ۱-۹۷۵۴۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیبیا
یادداشت:	نویسندگان علی بهادری جهرمی، محمدمهدی سیفی، علی فتاحی زفرقندی، کمال کدخدامرادی.
یادداشت:	کتابنامه: ص. ۱۶۳.
موضوع:	خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره عدالت.
موضوع:	اسلام و عدالت
موضوع:	تمدن اسلامی
شناسه افزوده:	بهادری جهرمی، علی، ۱۳۶۴ -
شناسه افزوده:	سازمان بسیج حقوقدانان
رده بندی کنگره:	۱۳۹۶ ز/۱۲/۲۳۰ BP
رده بندی دیویی:	۲۹۷/۴۸۳۴
شماره کتابشناسی ملی:	۴۶۹۳۴۳۸

راه عدالت

نویسندگان: علی بهادری جهرمی، محمدمهدی سیفی، علی فتاحی
زفرقندی، کمال کدخدامرادی

کاری از سازمان بسیج حقوقدانان تهران بزرگ

ناشر: پژواک عدالت

ویراستار: مجتبی سراقی

صفحه آرا: حمیده قاسمی

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

انتشارات پژواک عدالت

نشانی: تهران - خیابان شهید بهشتی (ره)، خیابان اندیشه،

پلاک ۱۳، واحد ۱ - تلفن: ۰۲۱ ۸۸۴۰۰۳۶۵

Web site: p-edalat.ir

Email: info@p-edalat.ir

https://t.me/pejvak_edalat

راه عدالت

• نویسندگان •

علی بهادری جهرمی، محمد مهدی سیفی،
علی فتاحی زفرقندی، کمال کدخدامرادی

کاری از سازمان بسیج حقوقدانان تهران بزرگ

لزوم

شناسایی

هدف

(حقوق دانان

و تحقق تمدن

نوین اسلامی)

■ فصل اول: تمدن نوین اسلامی، هدف نهایی و آرمان اصیل ۲۱

■ گفتار اول: عصر ظهور دوره‌ی تشکیل کامل تمدن اسلامی ۲۱

■ گفتار دوم: انقلاب اسلامی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی ۲۲

■ فصل دوم: ابعاد تمدن نوین اسلامی ۲۲

■ گفتار اول: پیشرفت‌های جمهوری اسلامی، معیار بعد

سخت‌افزاری تمدن اسلامی ۲۳

گفتار دوم: سبک زندگی اسلامی، معیار بعد نرم‌افزاری تمدن

اسلامی ۲۳

■ فصل سوم: شاخصه‌ی تمدن نوین اسلامی، پیشرفت در

همه‌ی ابعاد مادی و معنوی ۲۴

■ فصل چهارم: مراحل تحقق تمدن نوین اسلامی ۲۵

■ گفتار اول: انقلاب اسلامی ۲۵

■ گفتار دوم: تأسیس نظام اسلامی ۲۶

■ گفتار سوم: دولت اسلامی ۲۷

■ گفتار چهارم: جامعه اسلامی ۲۹

■ گفتار پنجم: تمدن نوین اسلامی ۳۰

■ فصل پنجم: لوازم تحقق تمدن نوین اسلامی ۳۰

■ گفتار اول: تولید فکر دینی ۳۰

اول: نگاه اجتهادی و عالمانه به حوزه‌های گوناگون علم، فرهنگ و

تمدن ۳۲

- دوم: لزوم تبیین، تدوین و تحقق فرهنگ زندگی اسلامی ۳۲
- سوم: ایمان به مکتب و ایدئولوژی اسلامی ۳۳
- چهارم: عدم تقلیدگرایی از غرب ۳۳
- گفتار دوم: تربیت و پرورش انسان‌های مؤمن ۳۴

■ فصل ششم: نقش حقوق‌دانان در تحقق تمدن نوین اسلامی ۳۵

۳۷

بخش دوم

- فصل اول: لزوم خودسازی و تهذیب نفس ۳۷
- اول: لزوم حفظ رابطه‌ی با خدا ۳۸
- دوم: محاسبه‌ی نفس تکلیف هر فرد ۳۹
- سوم: رعایت تقوا در عرصه‌های فردی و اجتماعی ۳۹
- چهارم: کار برای خدا ۴۰
- پنجم: ارتباط مستمر با دعا ۴۱
- ششم: توکل و اعتماد به خداوند متعال ۴۱
- هفتم: دوری از غفلت و غرور ۴۲
- فصل دوم: توسعه‌ی فرهنگ کار ۴۲
- اول: ادا نمودن حق کار ۴۴
- دوم: وجدان کاری ۴۴
- سوم: اتقان کاری ۴۵
- چهارم: تمرکز بر یک مسئولیت (مردی و کاری) ۴۵
- فصل سوم: حضور در صحنه و مسئولیت‌پذیری ۴۶
- اول: لزوم ترویج احساس مسئولیت در میان آحاد مردم و نخبگان ۴۶
- دوم: مسئولیت‌پذیری یکی از شاخص‌های ارزش و اهمیت انسان ۴۷
- سوم: بایسته‌ها و الزامات مسئولیت‌پذیری ۴۷

لزوم کسب
مقدمات
ضروری
حرکت در
مسیر اهداف

چهارم: لزوم ترک غرور و کبر در صورت پذیرش مسئولیت ۴۸

■ فصل چهارم: دشمن‌شناسی ۴۸

۵۱

بخش سوم

■ فصل اول: لزوم بازنگری در علوم انسانی با رویکرد

اسلامی ۵۲

■ گفتار اول: آسیب‌شناسی نظام علوم انسانی موجود ۵۲

بند اول: مبنای غیر توحیدی علوم انسانی غربی و تفاوت در

جهان‌بینی ۵۲

بند دوم: غیر بومی بودن علوم انسانی موجود و عدم تناسب آن با

وضعیت ملی ۵۴

بند سوم: مقصود از تحول در علوم انسانی، حذف و بی توجهی به

تولیدات غربی نیست ۵۵

■ گفتار دوم: بایسته‌های تحول و تولید علوم انسانی ۵۷

بند اول: لزوم نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی ۵۷

بند دوم: لزوم فحص مواد و مفاهیم اساسی علوم انسانی مبتنی بر

مبانی اسلامی ۵۸

بند سوم: علم حقوق عرصه مهم نظریه‌سازی در علوم انسانی -

اسلامی ۵۹

■ فصل دوم: طراحی حقوق اسلامی مبتنی بر فقه حکومتی

۶۱

■ گفتار اول: آسیب‌شناسی وضعیت کنونی فقه در حوزه‌های

علمیه ۶۲

بند اول: بی توجهی نسبت به پرداختن به فقه حکومتی در حوزه

علمیه ۶۲

لزوم

طراحی

ساختارها،

فرآیندها

و نهادهای

مورد نیاز

(حقوق‌دانان

و طراحی

نظام حقوق

اسلامی)

۶۳	بند دوم: بی‌توجهی تاریخی به دین و فقه به مثابه‌ی قالب حکومت‌داری
۶۴	■ گفتار دوم: الزامات و بایسته‌های تحقق فقه حکومتی
۶۴	بند اول: لزوم استنباط فقهی براساس فقه اداره نظام اسلامی
۶۵	بند دوم: لزوم نظام سازی مستمر مبتنی بر فقه حکومتی
۶۶	بند سوم: تدوین مقررات اسلامی مبتنی بر تحقیق و تنقیح مباحث فقهی
۶۷	■ فصل سوم: نمونه‌هایی از مفهوم‌سازی مفاهیم بنیادین در طراحی حقوق اسلامی (عدالت - آزادی)
۶۹	■ گفتار اول: عدالت
۶۹	بند اول: مفهوم عدالت
۷۰	بند دوم: حق، شاخصه‌ی تفاوت بنیادین عدالت در اسلام و غرب
۷۰	بند سوم: تفاوت مفهومی عدالت و قسط
۷۲	■ گفتار دوم: چگونگی تحقق عدالت
۷۲	بند اول: الزامات نظری الگوی عدالت جمهوری اسلامی
۷۲	الف: استخراج مبانی نظری عدالت در اسلام
۷۴	ب: عدالت‌پژوهی به‌عنوان رشته تعریف شده علمی در حوزه و دانشگاه
۷۴	بند دوم: الزام گفتمانی الگوی عدالت جمهوری اسلامی
۷۵	بند سوم: الزامات عملیاتی الگوی عدالت جمهوری اسلامی
۷۷	■ گفتار دوم: آزادی
۷۷	بند اول: تفاوت بنیادین نظریه‌ی آزادی در اسلام و غرب
۷۸	بند دوم: ماهیت آزادی در اسلام
۷۸	الف: آزادی و حق
۷۹	ب: آزادی و تکلیف

- بند سوم: محدودیت آزادی در اسلام ۷۹
- بند چهارم: نسبت حق و آزادی از چهار منظر ۷۹
- الف: آزادی به مثابه‌ی حق ۸۰
- ب: آزادی به مثابه‌ی توانایی مطالبه ۸۱
- ج: آزادی به مثابه‌ی تکلیف ۸۱
- د: آزادی به مثابه‌ی ارزش ۸۲
- بند پنجم: راهکارهای تحقق آزادی اسلامی ۸۲
- الف: مسئله‌ی نخست؛ اثبات بومی بودن آزادی در اندیشه‌ی اسلامی و غرب‌زدایی از آن ۸۲
- ب: تولید منظومه‌ی فکری آزادی ۸۳

۸۷

بخش چهارم

لزوم ارتقاء بهره‌وری حقوقی نهادها

- فصل اول: لزوم توسعه و ترویج فرهنگ قانون‌گرایی... ۸۷
- گفتار اول: قانون به مثابه‌ی نرم افزار اداره‌ی کشور ۸۸
- گفتار دوم: لزوم التزام به قانون راه‌کار کارآمدی حقوقی نهادها ۸۹
- بند اول: دیکتاتوری، نقطه‌ی مقابل قانون‌گرایی ۸۹
- بند دوم: لزوم ترویج فرهنگ قانون‌گرایی ۹۰
- بند سوم: لزوم قانون‌گرایی مردم و مسئولین ۹۰
- بند چهارم: قانون‌گرایی؛ شاخصه‌ی دولت اسلامی ۹۱
- گفتار سوم: لزوم قانون‌گرایی نهادی در نظام جمهوری اسلامی ایران ۹۲
- بند اول: قانون‌گرایی و قوه‌ی مقننه ۹۲
- بند دوم: قانون‌گرایی و قوه‌ی قضاییه ۹۳
- الف: قانون؛ شاخص عدالت قوه‌ی قضاییه ۹۳
- ب: قانون‌گرایی؛ اساس قوه‌ی قضاییه ۹۴
- ج: قانون‌گرایی و قوه‌ی مجریه ۹۴

■ فصل دوم: لزوم مبارزه با فساد در نهادها ۹۵

■ گفتار اول: فقدان فساد نشانه و شاخص حکومت اسلامی ۹۶

■ گفتار دوم: آثار فساد در جامعه ۹۷

■ گفتار سوم: مبارزه با فساد نیازمند به جهاد همگانی ۹۷

■ فصل سوم: لزوم نظارت بر عملکردها ۹۹

■ گفتار اول: مبنای نظارت بر عملکردها ۹۹

■ گفتار دوم: گستره‌ی نظارت در جمهوری اسلامی ایران ۱۰۰

■ گفتار سوم: لزوم تعیین شاخص‌ها و معیارهای نظارت ۱۰۰

۱۰۱

بخش پنجم

■ فصل اول: مبانی نظری ایجاد تغییر در ساختارهای حقوقی ۱۰۲

■ گفتار اول: ثبات و تحول در نظام اسلامی ۱۰۳

■ گفتار دوم: تغییر در سیاست‌های نظام مبتنی بر اصول اسلامی ۱۰۴

■ گفتار سوم: تغییر در ساختار و نهادها مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی ۱۰۵

اول: سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نمونه‌ای از تحول ۱۰۶

دوم: امکان تغییر یا تثبیت نظام ریاستی نمونه‌ای از تحول ۱۰۶

■ فصل دوم: ارتقاء کارآمدی قوه‌ی قضاییه ۱۰۷

■ گفتار اول: اهمیت جایگاه قوه‌ی قضاییه ۱۰۸

■ گفتار دوم: هدف قوه‌ی قضاییه ۱۰۹

بند اول: هدف برتر قوه‌ی قضاییه ایجاد نهادی کارآمد و سالم ۱۰۹

بند دوم: اقتدار و اعتماد سازی ارکان تحقق اهداف قوه‌ی قضاییه ۱۱۰

لزوم ارتقاء
کارآمدی
نهادهای
حقوقی

■ گفتار سوم: ارتقاء جایگاه قوه قضاییه آرمان جمهوری اسلامی

۱۱۱

■ گفتار چهارم: مبانی نظری ارتقاء قوه قضاییه (الزامات فکری

۱۱۲

و ارزشی)

■ گفتار پنجم: بایسته‌ها و خط‌مشی‌های راهبردی ارتقاء دستگاه

۱۱۴

قضایی

بند اول: سازماندهی قضای اسلامی بر اساس الگوی تصحیح فرد و

۱۱۴

ساختار

بند دوم: برابری شمول قوانین قضایی، لازمه‌ی اصلاح دستگاه قضایی ۱۱۵

بند سوم: لزوم ارائه‌ی برنامه‌ی جامع (جهت ارتقاء دستگاه قضایی) ۱۱۵

۱۱۷

الف: با شتاب بودن حرکت

۱۱۸

ب: استمرار در کار؛ لازمه‌ی ثمربخشی

۱۱۸

ج: لزوم تلاش دائمی و بی‌فقه در راه دستیابی به اهداف

■ گفتار ششم: بایسته‌های اجرایی تحقق نظام قضایی مطلوب ۱۱۹

۱۱۹

بند اول: اتقان احکام قضایی

۱۲۰

بند دوم: استمرار در رایانه‌ای کردن پرونده‌ها و معلومات

۱۲۰

بند سوم: لزوم حل مشکلات زندان‌ها

۱۲۱

بند چهارم: لزوم دقت در مجازات زندان‌ها

۱۲۲

بند پنجم: کادر سازی برای مناصب مدیریتی

۱۲۲

بند ششم: حضور مسئولان پاک و خوش سابقه در دستگاه قضایی

۱۲۳

بند هفتم: استفاده از ظرفیت‌های وزرات دادگستری

۱۲۳

بند هشتم: طراحی ساختاری پویا برای نهاد قضایی

■ فصل سوم: ارتقاء کارآمدی قوهی مقننه ۱۲۵

- گفتار اول: قانون شأن ولایی و مؤثر در فرهنگ و تربیت اسلامی ۱۲۵
- بند اول: حفظ نظام اسلامی با قانون‌گذاری صحیح ۱۲۶
- بند دوم: دفاع از هویت نظام اسلامی ۱۲۷
- گفتار دوم: الزامات قوهی مقننه در حکومت اسلامی ۱۲۸
- بند اول: محوریت مبانی دینی ۱۲۸
- بند دوم: محوریت مردم‌سالاری دینی ۱۲۹
- گفتار سوم: الزامات نظری قانون‌گذاری کارآمد و حکیمانه ۱۳۰
- بند اول: لزوم تنظیم و تدوین قوانین مبتنی بر شریعت اسلام ۱۳۰
- بند دوم: شناخت موضوعات و مصالح کشور ۱۳۱
- بند سوم: لزوم توجه به قانون اساسی در تدوین قوانین عادی ۱۳۲
- گفتار چهارم: الزامات اجرایی قانون‌گذاری مطلوب ۱۳۴
- بند اول: لزوم توجه نظریات کارشناسانه در امر قانون‌گذاری ۱۳۴
- بند دوم: عطف توجه کلان و کل‌نگر به مسائل کشور در قانون‌گذاری ۱۳۵
- بند سوم: ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای ۱۳۵
- بند چهارم: لزوم آرمان‌گرایی و واقع‌بینی در امر قانون‌گذاری ۱۳۶
- بند پنجم: لزوم قانون‌گذاری در جهت استحکام بنیان‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد ۱۳۶
- بند ششم: عطف توجه به کمیسیون‌ها در امر قانون‌گذاری ۱۳۷
- بند هفتم: اهتمام جدی بر لوایح و طرح‌ها به منزله‌ی مقدمه‌ی تصویب قانون ۱۳۸

■ فصل چهارم: ارتقاء کارآمدی شورای نگهبان ۱۳۹

- ۱۴۰ ■ گفتار اول: جایگاه نهاد شورای نگهبان
- ۱۴۱ بند اول: شورای نگهبان حساس‌ترین دستگاه قانونی
- ۱۴۱ بند دوم: شورای نگهبان مانع انحراف حرکت نظام
- بند سوم: شورای نگهبان، گلوگاه و مرکز حیاتی اداره و جهت‌گیری کشور
- ۱۴۱
- ۱۴۲ بند چهارم: شورای نگهبان حافظ اسلام و قانون اساسی
- ۱۴۳ ■ گفتار دوم: اصول حاکم بر عملکرد شورای نگهبان
- ۱۴۳ بند اول: لزوم ارتقاء جایگاه شورای نگهبان
- ۱۴۴ بند دوم: لزوم اطلاع‌رسانی به مردم و سایر مسئولین
- بند سوم: ایجاد شوراهای مشورتی جهت ارتقای کیفیت انجام وظایف
- ۱۴۴
- ۱۴۵ بند چهارم: انتشار نظرات و استدلالات شورا
- گفتار سوم: نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی
- ۱۴۶
- ۱۴۶ بند اول: تأمین صحت نظام توسط شورای نگهبان
- ۱۴۷ بند سوم: نظارت بر مصوبات از نظر انطباق با شرع
- ۱۴۷ الف: جزء احکام شرع بودن احکام ثانویه
- ۱۴۷ ب: استثناء بودن نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۱۴۸ بند چهارم: نظارت بر مصوبات از نظر انطباق با قانون اساسی
- ۱۴۸ بند پنجم: ارائه‌ی نظرات تفسیری و مشورتی
- ۱۴۹ ■ گفتار چهارم: نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

■ فصل اول: رویکرد جمهوری اسلامی ایران به موضوعات
بین المللی ۱۵۲

- گفتار اول: تسلیم نشدن در مقابل تهدیدها، مبنا و قوام
جوهری جمهوری اسلامی ایران ۱۵۳
- گفتار دوم: اصل زیربنایی نه شرقی، نه غربی، مبنا و پایه نظام
اسلامی ۱۵۳
- گفتار سوم: مخالفت با نظام سلطه به مثابه حرکت الگوساز
انقلاب اسلامی ۱۵۴
- گفتار چهارم: استکبارستیزی جزء کارهای اساسی و مبانی
انقلاب ۱۵۴

■ فصل دوم: وظایف حقوق دانان در قبال مسئولیت بین المللی
جمهوری اسلامی ایران ۱۵۴

- گفتار اول: بازتولید معارف والای اسلامی در سطح بین المللی ۱۵۵
- گفتار دوم: برجسته سازی هویت اسلامی در دنیا ۱۵۵
- گفتار سوم: دعوت بشریت به اسلام ۱۵۵
- گفتار چهارم: ترویج الگوی نوین مردم سالاری دینی ۱۵۶
- گفتار پنجم: موضع گیری صریح و ایستادگی در مقابل
جنایتکاران و ظالمان بین المللی ۱۵۶
- گفتار ششم: لزوم ایستادگی فعال در مقابل سلطه طلبی و
زیاده خواهی استکبار ۱۵۶

■ فصل سوم: حقوق دانان و مسئولیت در حوزه حقوق بشر ۱۵۷

- گفتار اول: رویکرد اسلام و جمهوری اسلامی نسبت به حقوق بشر ۱۵۷
- بند اول: اسلام پرچم دار و پاسدار حقوق بشر ۱۵۸
- بند دوم: تحقق واقعی حقوق بشر فقط در سایه‌ی اسلام ۱۵۸
- بند سوم: اصل تکریم انسان از اصول حاکم بر حقوق بشر اسلامی ۱۵۹
- بند چهارم: تحقق حقوق بشر وظیفه‌ی حکومت اسلامی ۱۵۹
- بند پنجم: موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال حقوق بشر ۱۶۰
- گفتار دوم: وظایف حقوق دانان در عرصه‌ی حقوق بشر ۱۶۱
- بند اول: بازگویی نگاه اسلام به حقوق بشر ۱۶۱
- بند دوم: عدم موضع گیری انفعالی در قبال جنجال‌های حقوق بشری ۱۶۱
- بند سوم: عطف توجه عمیق به حقوق بشر با معیارهای اسلامی ۱۶۲
- بند چهارم: تحلیل رفتارهای حقوق بشری غرب در چارچوب رویارویی مبنایی غرب با اسلام ۱۶۳
- بند پنجم: وجود روحیه‌ی تهاجم در مقابله‌ی با زورگویان بین‌المللی ۱۶۳
- بند ششم: تقویت جمهوری اسلامی به مثابه‌ی الگوی جهان اسلام ۱۶۳

نتیجه گیری ۱۶۵

فهرست منابع ۱۶۷

مقدمه

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی در ایران به سال ۱۳۵۷ که بر اعتقاد راسخ مردم به آموزه‌های حیات‌بخش اسلام ناب محمدی بنیان گردیده بود و تشکیل نظام سیاسی مبتنی بر حاکمیت الله و تعالیم شریعت اسلام را در پی داشت؛ فصل نوینی در اندیشه‌ی حقوق و سیاسی معاصر رقم زد. انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی و ایجاد دولت اسلامی تنها نخستین اقدامات در جهت دستیابی به هدف مطلوب و محقق نمودن آرمان متعالی انسان‌های مسلمان در عرصه‌ی زندگی اجتماعی و به تعبیر دقیق‌تر تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب می‌گردد که جلوه‌ی بارز و نمونه‌ی اعلای آن در دوره‌ی ظهور حضرت بقیه‌الله الاعظم به منصفه‌ی ظهور خواهد رسید.

دستیابی به این هدف متعالی نیازمند فراهم نمودن مقدمات لازم در زمینه‌های گوناگون فردی و اجتماعی است به نحوی که همه‌ی افراد جامعه با هر جنسیت و از هر قوم و قبیله‌ای و در هر جایگاه و سطح اجتماعی باید خود را برای دستیابی به آرمان مطلوب و ایجاد زمینه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی آماده و مهیا نمایند. به بیان دقیق‌تر تمدن نوین اسلامی تنها زمانی برپا خواهد شد که تک‌تک افراد جامعه تکالیف و وظایف خود را به نحو دقیق شناخته و بر اساس آن عمل نمایند.

در این بین جامعه‌ی حقوقی کشور به‌عنوان مجموعه‌ای که وظیفه‌ی ترسیم و حراست از بایدها و نبایدهای زندگی فردی و اجتماعی، به‌منظور تحقق عدالت و سامان‌بخشی به جریان زندگی انسان‌ها را بر عهده دارد، دارای جایگاه تأثیرگذار و نقش به‌سزایی هستند. بر همین اساس پژوهش حاضر به دنبال ترسیم وظایف حقوق‌دانان در پیشبرد اهداف دولت اسلامی به سمت تمدن نوین اسلامی است و در حقیقت در مقام پاسخ‌گویی به این سؤال بنیادین است که هر حقوق‌دان در هر جایگاه و مقام حقوقی همانند عضویت در مجلس شورای اسلامی، عضویت در قوه‌ی قضاییه، عضویت در شورای نگهبان، سمت استادی در دانشگاه، وکالت، سردفتری و ... در مقام انجام وظایف خویش، باید چه بایسته‌هایی را مدنظر قرار

دهند و سبک زندگی خود را متناسب با آن تعریف نمایند که موجب افزایش سرعت حرکت به سمت اهداف متعالی طراحی شده برای حکومت اسلامی باشند؟

به نظر می‌رسد بهترین و سریع‌ترین مسیر برای دستیابی به هدف متعالی ذکر شده استخراج تکالیف حقوق‌دانان از منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای است، چرا که با نگاهی به جایگاه ولی‌فقیه در اندیشه‌ی اسلامی می‌توان به‌وضوح دریافت که مقام رهبری علاوه بر مدیریت کلان ارزشی در حکومت اسلامی وظیفه‌ی راهبری امت اسلامی به‌سوی سهل‌الوصول‌ترین مسیرها برای دستیابی به اهداف را نیز بر عهده دارد.

با در نظر گرفتن این دو مهم هدف اصلی از این پژوهش ترسیم تکالیف و رسالت‌های حقوق‌دانان و نهادهای حقوقی در منظومه‌ی فکری مقام معظم رهبری است. بر همین اساس در این اثر که به روش تفسیر داده گردآوری شده است مجموعه‌ای از منویات و بیانات مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» از سال ۶۸ تاکنون براساس موضوع- مخاطب مورد انتخاب واقع شده و پس از استخراج، جمع‌آوری و دسته‌بندی مورد بازخوانی، تقریر و تحلیل قرار گرفته است. لازم به ذکر است که مبنای تقسیم‌بندی نیز متخذ از بیانات معظم‌له می‌باشد؛ بدین گونه که مباحث بر اساس فهرست استخراج شده از بیانات ایشان تدوین شده است. به عبارت دیگر آنچه در این پژوهش مورد توجه است، بازخوانی دیدگاه مقام معظم رهبری «مدظله‌العالی» در رابطه با جایگاه و نقش حقوق‌دانان و نهادهای حقوقی است که ضمن ایجاد منبعی موثق برای استفاده دست‌اندرکاران امر، برای جامعه‌ی علمی و دانشگاهی حقوقی نیز مثمر ثمر خواهد بود. علاوه بر این به نظر می‌رسد که با بررسی دیدگاه‌ها و نظرات معظم‌له در عین این که می‌توان از اندیشه‌ی ایشان آگاهی پیدا کرد، بتوان عملکرد حقوق‌دانان و نهادهای حقوقی را با رهنمودهای امام امت اسلامی سنجید و میزان حرکت آن‌ها را در جهت سیر به سمت اهداف مطلوب آزمود.

در این کتاب، در بخش اول تحت عنوان «لزوم شناسایی هدف» به ترسیم هدف

نهایی از حرکت انقلاب اسلامی و الزامات و بایسته‌های آن پرداخته می‌شود و سعی می‌شود جایگاه و نقش حقوق‌دانان در این مسیر روشن گردد. در بخش دوم تحت عنوان «لزوم کسب مقدمات ضروری حرکت در مسیر دستیابی به اهداف» تکالیف و بایسته‌های عمومی مورد نیاز برای دستیابی به اهداف از جمله خودسازی و تهذیب نفس، مسئولیت‌پذیری و حضور در صحنه، دشمن‌شناسی و مواردی از این دست مورد مطالعه قرار گرفته است. در بخش سوم تحت عنوان «لزوم طراحی ساختارها، فرایندها و نهادهای مورد نیاز» به لزوم نظریه‌پردازی در حقوق اسلامی به عنوان اولین قدم در راستای طراحی مسیر و نقشه راه حرکت حقوق‌دانان پرداخته شده و با عنایت به ابتناء حقوق اسلامی بر مفاهیم بنیادینی همچون مفهوم «عدالت» و «آزادی»، دو نمونه از مفهوم‌شناسی در راستای نظریه‌پردازی حقوقی از سوی مقام معظم رهبری ارائه شده است. در بخش چهارم کتاب نیز تحت عنوان «لزوم ارتقاء بهره‌وری حقوقی نهادها» به لزوم تلاش حقوق‌دانان در جهت کارآمدسازی حقوقی سازمان‌ها و نهادها و نقش حقوق‌دانان در ارتقاء عملکرد حقوقی آن‌ها اشاره شده است. پس از آن به طور ویژه در بخش پنجم نهادهای حقوقی خاص و مهم کشور مدنظر قرار گرفته و تحت عنوان «لزوم ارتقاء کارآمدی نهادهای حقوقی» به موضوع کارآمدسازی هرچه بیش‌تر و ارتقاء عملکرد نهادهایی که کارویژه اصلی آن‌ها ماهیت حقوقی دارد، و بایسته‌ها و ابعاد آن از منظر مقام معظم رهبری پرداخته شده و تکلیف حقوق‌دانان در این راستا مدنظر قرار گرفته است. در بخش ششم کتاب نیز مسئولیت‌های حقوق‌دانان در عرصه‌ی بین‌الملل مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

امید است که این اثر بتواند در شناساندن هرچه بهتر جایگاه، تکالیف و رسالت‌های حقوق‌دانان و نهادهای حقوقی و ایجاد تحول مثبت در عملکرد آنان نقش مثبتی ایفا کند. در این راستا از دیدگاه و نقطه نظرات مخاطبان ارجمند درباره‌ی این اثر و پیشنهادهای سازنده درباره‌ی موضوعات مذکور به گرمی استقبال خواهد شد.

علی بهادری جهرمی، بهار ۱۳۹۶

بخش اول: لزوم شناسایی هدف (حقوق دانان و تحقق تمدن

نوین اسلامی)

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، اندیشه‌ای نو در عرصه‌ی حقوقی بروز و ظهور یافت که بر مبنای کارآمدی دین در عرصه‌های فردی، اجتماعی و حکومتی استوار است. به واسطه‌ی استقرار نظام جمهوری اسلامی بر پایه‌ی مکتب «اسلام ناب محمدی» رویکرد مدیریت کلان اجتماعی تغییر کرده و اقامه‌ی حق و عدل در جامعه و شکل‌گیری «تمدن نوین اسلامی» در دستور کار قرار گرفته است. بحث از تمدن اسلامی یکی از نکات برجسته انقلاب اسلامی به شمار می‌آید به گونه‌ای که به‌عنوان هدف انقلاب اسلامی از این مهم یاد می‌شود. مسئله تمدن اسلامی نمایانگر آن است که این جریان تنها در پی ایجاد حکومت اسلامی در مرزهای ملی خود نیست، بلکه داعیه‌ی تحقق یک تمدن با همه‌ی لوازم تمدنی در عصر جدید را دارد. البته در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی و در جهت تحقق جامعه الهی، لازم است که نظامات، ساختارها و نهادها در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به ویژه حقوقی به گونه‌ای سامان‌دهی گردد که بتواند این اهداف و آرمان‌ها را محقق سازد. بنابراین برای رسیدن به این اهداف بزرگ باید طرحی نو در انداخته شود و مبتنی بر نظام معرفتی اسلامی، نظامات و نهادهای اجتماعی از جمله نظام حقوقی

متحول گردد.

در این میان با توجه به جایگاه علم حقوق به عنوان علم تنظیم‌گر روابط اجتماعی و با التفات به جایگاه «قانون» و نقش آن در نظم‌دهی به جوامع، حقوق‌دانان رسالتی مضاعف بر دوش داشته و باید نسبت به موقعیت، رسالت و جایگاه خود در ایجاد این تمدن اشراف و دقت نظر داشته باشند تا بتوانند با ایجاد یک حرکت هماهنگ و پیشرو، ایجاد تمدن نوین اسلامی در دنیای امروز را تضمین نمایند. اولین گام در این مسیر شناخت صحیح هدف و ابعاد گوناگون آن، لوازم تحقق آن، شاخصه‌های آن در نظام اجتماعی، مراحل تحقق هدف و شناسایی نقش‌آفرینان تأثیرگذار در این زمینه است.

بر این اساس در بخش حاضر لزوم تحقق تمدن نوین اسلامی، ابعاد، لوازم و فرآیند پنج‌گانه‌ی تحقق تمدن نوین اسلامی در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری مورد مطالعه قرار گرفته و نقش‌ها و تکالیفی که حقوق‌دانان در این زمینه برعهده دارند، بررسی می‌گردد.

■ فصل اول: تمدن نوین اسلامی، هدف نهایی و آرمان اصیل

نظام اسلامی، نظامی است که یک خط حرکت تکاملی معقول و منطقی برای خود تصویر کرده که منتهای این حرکت ایجاد تمدن درخشان اسلامی است. بر اساس این تفکر تحقق تمدن نوین اسلامی به عنوان هدف نهایی و آرمانی اصیل که برآمده از شریعت اسلامی است تلقی می‌گردد.

«خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در یک جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است.»^۱

■ گفتار اول: عصر ظهور دوره‌ی تشکیل کامل تمدن اسلامی

تشکیل تمدن حقیقی و کامل اسلامی در دوران ظهور اتفاق می‌افتد به گونه‌ای که عصر ظهور، عصر آغاز حرکت انسان‌ها در صراط مستقیم الهی است.

«البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه الله ارواحناده است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیه الله، آخر دنیا است! من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیه الله، اول دنیا است؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیش‌تر؛ با فراهم بودن همه‌ی امکانات برای این حرکت.»^۲

۱. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه‌ی علمیه‌ی قم در مدرسه‌ی فیضیه، ۱۴/۰۷/۱۳۷۹.
۲. همان.

■ گفتار دوم: انقلاب اسلامی زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی

انقلاب اسلامی مردم ایران به واسطه‌ی ظرفیت و قدرتی که دارد، می‌تواند ظرف تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب گردد و تمدن ممتاز، برجسته، متعالی و باشکوه اسلامی را در مقابل چشم همه‌ی دنیا بنا سازد.

«انقلاب اسلامی تواناست. آن قدرتی و ظرفیتی و انرژی متراکمی که در انقلاب اسلامی وجود دارد، این توانائی را دارد که همه‌ی این موانع را از سر راه بردارد و آن تمدن ممتاز برجسته‌ی متعالی باشکوه اسلامی را جلوی چشم همه‌ی دنیا برقرار کند؛ و این در زمان شما خواهد بود، ان شاء الله به دست شما خواهد بود، با همت شما خواهد بود.»^۱

■ فصل دوم: ابعاد تمدن نوین اسلامی

در مقام تبیین ابعاد تمدن نوین اسلامی باید آن را به دو بخش ابزاری و محتوایی تفکیک نمود. بعد ابزاری و وسیله‌ای تمدن اسلامی ارزش‌هایی همانند تولید و نشر علم، اختراعات، رشد اقتصادی، اقتدار سیاسی و نظامی و ... است که به‌عنوان پیشرفت در جامعه مطرح می‌گردد و بخش اصلی، حقیقی و نرم‌افزاری تمدن اسلامی، ناظر به سبک زندگی اسلامی است.

«این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.»^۲

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۲. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

■ گفتار اول: پیشرفت‌های جمهوری اسلامی، معیار بعد سخت‌افزاری تمدن اسلامی

«آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به‌عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. کارهای زیاد و خوبی شده است؛ هم در زمینه‌ی سیاست، هم در زمینه‌ی مسائل علمی، هم در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، هم در زمینه‌ی اختراعات و از این قبیل، الی ماشاءالله در سرتاسر کشور انجام گرفته است.»^۱

■ گفتار دوم: سبک زندگی اسلامی، معیار بعد نرم‌افزاری تمدن اسلامی

«اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسان‌های که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی

انسان است. تمدن نوین اسلامی در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. خب، می‌شود این بخش را به منزله‌ی بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخشهای سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه‌ی پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمیتواند ما را رستگار کند؛ اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم.^۱

■ فصل سوم: شاخصه‌ی تمدن نوین اسلامی، پیشرفت در همه‌ی ابعاد مادی و معنوی

تفکر تمدن نوین اسلامی دارای شاخصه‌هایی است که شاکله‌ی این تمدن را می‌سازد و معیاری برای رسیدن به نقطه‌ی مطلوب محسوب می‌گردد. شاخصه‌هایی که در تشکیل حکومت مردمی، قوانین برگرفته از قرآن، استقرار عدالت، گسترش اخلاق انسانی به واسطه‌ی اجتهاد و پاسخگویی به مقتضیات و نیازهای روز آمد بشر متبلور می‌شود:

«این هدف نهایی نمیتواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه‌ی ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه‌ی اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه‌ی ظرفیتهای مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای

نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، میتوان و باید مشاهده کرد.^۱

■ فصل چهارم: مراحل تحقق تمدن نوین اسلامی

فرآیند تحقق تمدن نوین اسلامی در یک زنجیره‌ی منطقی، مرتبط و به هم وابسته‌ی پنج‌گانه قابل طرح و بررسی است. بر این اساس حلقه‌ی اول این فرآیند تشکیل انقلاب اسلامی بود که تحقق یافت. حلقه‌ی دوم تشکیل نظام اسلامی است که این مرحله نیز سپری شده است. در مرحله‌ی بعد تشکیل دولت اسلامی، سپس تشکیل جامعه‌ی اسلامی و حلقه‌ی آخر تشکیل امت اسلامی است.

«یک زنجیره‌ی منطقی وجود دارد؛ حلقه‌ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه‌ی اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره‌ی مستمری است که به هم مرتبط است. [البته] فرآیند تحقق هدفهای اسلامی، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به‌طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می‌شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است.»^۲

■ گفتار اول: انقلاب اسلامی

از دیدگاه مقام معظم رهبری منظور از انقلاب اسلامی، جنبش انقلابی است که نظام فاسد و مرتجع را سرنگون کرده و زمینه‌های ایجاد نظامی

۱. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۲۹.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

جدید مبتنی بر مبانی اسلامی را مهیا می‌سازد:

«قدم اول که پُرهیجانتر و پُرسروصداتر از همه است، ایجاد انقلاب اسلامی است. کار آسانی نبود؛ لیکن این آسان‌ترین است. منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه‌ی اول است - حرکت انقلابی است؛ والا به یک معنا انقلاب شامل همه‌ی این مراحل می‌شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون میکند و زمینه را برای ایجاد نظام جدید آماده میکند.»^۱

■ گفتار دوم: تأسیس نظام اسلامی

حلقه‌ی بعد از تشکیل انقلاب اسلامی، تحقق نظام اسلامی است. منظور از نظام اسلامی نظامی است که مبتنی بر هندسه‌ی الهی شکل گرفته و در قالب نظام جمهوری اسلامی و مردم‌سالاری دینی متبلور شده است.

«حلقه‌ی بعد، نظام اسلامی است. منظور من در اینجا از نظام اسلامی، یعنی آن هویت کلی که تعریف مشخصی دارد، که کشور، ملت و صاحبان انقلاب - که مردم هستند - آن را انتخاب می‌کنند. در مورد ما، مردم ما انتخاب کردند: جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی نظامی که در آن، مردم‌سالاری از اسلام گرفته شده است و با ارزشهای اسلامی همراه است.»^۲

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.

۲. بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.

■ گفتار سوم: دولت اسلامی

حلقه‌ی بعد از نظام اسلامی، تشکیل دولت اسلامی است. دولت به مجموعه دستگاه‌های مدیریتی که به اداره‌ی یک کشور می‌پردازد اطلاق می‌شود:

«منظور از دولت اسلامی این است که بر اساس آنچه که در دوره‌ی تعیین نظام اسلامی به وجود آمد، یک قانون اساسی درست شد؛ نهادها و بنیان‌های اداره‌ی کشور و مدیریت کشور معین شد. این مجموعه‌ی نهادهای مدیریتی، دولت اسلامی است. در اینجا منظور از دولت، فقط قوه‌ی مجریه نیست؛ یعنی مجموع دستگاه‌های مدیریتی کشور که اداره‌ی یک کشور را برعهده دارند؛ نظامات گوناگون اداره‌کننده‌ی کشور.»^۱

در این خصوص باید توجه داشت که ابتناء دولت اسلامی بر مبانی اسلامی باید در ساختارها و نهادها معین گردد که این مهم وظیفه‌ی خطیری را بردوش حقوق‌دانان اسلامی قرار می‌دهد تا ساختارها و نهادهای اعمال قدرت را بر پایه‌ی مبانی اسلامی طراحی کنند:

«اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ و الاً قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه‌ی ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست. قبل از انقلاب، در جایی دولتی تشکیل شد که ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتم جمهوری اسلامی امریکایی فلان جا! آن دولت با نام جمهوری اسلامی هم بود. بنابراین اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد.»^۲

بر این اساس در مرحله‌ی دولت‌سازی بیش از هر کس مسئولان نظام

۱. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.

اسلامی در قبال آن مسئول می‌باشند و بر همین مبنا اقدامات آن‌ها در تطبیق شرایط خود با شرایط مطلوب و مذکور در آموزه‌های اسلامی به‌عنوان لازمی تشکیل دولت اسلامی محسوب می‌شود.

«بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می‌رسد؛ یا به تعبیر روشن‌تر، تشکیل منش و روش دولت‌مردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله‌ی اول فراهم نیست؛ به تدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولت‌مردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقص‌اند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند.»^۱

لذا مسئولان نظام اسلامی به‌عنوان مهم‌ترین مخاطبان حکم لزوم تشکیل دولت اسلامی می‌بایست باید‌ها و نبایدهای تشکیل دولت مطلوب اسلامی را شناخته و بر اساس آن عمل نمایند. اما این موضوع تکلیف سایر اقشار جامعه به ویژه حقوق‌دانان را که این روش‌ها و خط‌مشی‌ها و همچنین الگوها و روش‌های انتخاب و روی کار آمدن و نظارت بر عملکرد نهادها و مقامات مختلف را طراحی یا نظارت می‌نمایند، از بین نمی‌برد. این تکلیف، تکلیفی مستمر و دائمی است که از گذشته شروع شده و مستمراً باید در جهت تکمیل و اجرای آن عمل نمود:

«از همان اوان کار، تلاش برای تشکیل دولت اسلامی شروع شد. بعضی‌ها می‌گویند شما بعد از ۲۷ سال می‌خواهید دولت اسلامی تشکیل دهید؟ نه، تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم. بعضی

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.

از ماها وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دلبسته‌ی به رفتارهای طاغوتی شدیم.»^۱

■ گفتار چهارم: جامعه اسلامی

مرحله‌ی بعد از تشکیل دولت اسلامی، تحقق جامعه اسلامی است. مراد از جامعه‌ی اسلامی، جامعه‌ای است که در آن مبانی، مؤلفه‌ها، آرمان‌ها و اهداف اسلامی به شکل انضمامی در تمامی ساختارها و نهادهای جامعه عینیت پیدا کند که تحقق این مرحله به عنوان هدف میانی در نظر گرفته می‌شود:

«بخش بعد از آن، جامعه‌ی اسلامی است؛ که این، آن بخش بسیار مهم و اساسی است. بعد از آنکه دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه‌ی اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه‌ی اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق پیدا کند. جامعه‌ی عادل، برخوردار از عدالت، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره‌ی کشور، در آینده‌ی خود، در پیشرفت خود دارای نقش‌اند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنائی ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفتهای همه‌جانبه - پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی - و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم؛ این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم.»^۲

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

■ گفتار پنجم: تمدن نوین اسلامی

مرحله آخر فرآیند تمدن‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی و ایجاد امت اسلامی است. زمینه‌ساز تحقق امت اسلامی نیز وجود جامعه اسلامی است که در آن انسان و جامعه در ابعاد فردی و اجتماعی به حاکمیت عبودیت الهی پرداخته و به نهایت کمال انسانی خود یعنی ربوبیت نائل گردد:

«خب، وقتی یک چنین جامعه‌ای به وجود آمد، زمینه برای ایجاد امت اسلامی، یعنی گسترش این جامعه هم به وجود خواهد آمد؛ که حالا آن مقوله‌ی دیگری و بحث دیگری است. این چیزی که به‌عنوان هدف ذکر شد، یک امر بسیار والا است.»^۱

■ فصل پنجم: لوازم تحقق تمدن نوین اسلامی

دست‌یابی به هدف تمدن نوین اسلامی نیازمند تحقق لوازم آن برای همه‌ی اقشار جامعه به ویژه حقوق‌دانان است. مهم‌ترین لوازم تحقق تمدن نوین اسلامی ذیل دو عنوان تولید فکر دینی و تربیت و پرورش انسان قابل مطالعه است؛ لوازمی که از استلزامات و بایسته‌های تحقق چنین تمدنی محسوب می‌گردد.

«برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان.»^۲

■ گفتار اول: تولید فکر دینی

اولین گام در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی تولید فکر دینی است. در این صورت است که می‌توان ادعا داشت تمدنی نوین و مبتنی بر مبانی اسلامی طراحی شده که قابلیت پیاده‌سازی داشته باشد. تولید و کشف چنین

۱. همان.

۲. بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه‌ی قم در مدرسه‌ی فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.

فکر و اندیشه‌ای باید از منابع اسلامی یعنی کتاب و سنت صورت گرفته و دارای ویژگی‌هایی هم‌چون تداوم، تناسب با اقتضائات زمانه و ابتناء بر معارف اسلامی باشد که نتیجه‌ی آن ایجاد تمدنی کارآمد است.

«فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادّعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت و یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیّر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و کشف آن - که از کتاب و سنت همه‌ی این‌ها استفاده می‌شود - کاری است که همگان باید بکنند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام گیرد. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است. در همه‌ی زمان‌ها این امکان برای متفکران آگاه، قرآن‌شناسان، حدیث‌شناسان، آشنایان با شیوه‌ی استنباط از قرآن و حدیث، آشنایان با معارف اسلامی و مطالبی که در قرآن و در حدیث اسلامی و در سنت اسلامی هست، وجود دارد که اگر به نیاز زمانه آشنا باشند، سؤال زمانه را بدانند، درخواست بشریّت را بدانند، می‌توانند سخن روز را از معارف اسلامی بیرون بیاورند. حرف نو همیشه وجود دارد؛ تولید فکر، تولید اندیشه‌ی راهنما و راه‌گشا برای بشریّت. شرط دوم، پرورش انسان است.»^۱

تولید فکر دینی به‌عنوان یکی از لوازم تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند لوازمی است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.

اول: نگاه اجتهادی و عالمانه به حوزه‌های گوناگون علم، فرهنگ و تمدن

وجود نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های مختلف فکری، فرهنگی و تمدنی و به‌طور عام علوم انسانی که در بر گیرنده‌ی مصادیقی چون علوم رسانه‌ای، مباحث روابط بین‌الملل و علم حقوق می‌شود ضرورت تولید علم و اندیشه دینی است:

«نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است.»^۱

دوم: لزوم تبیین، تدوین و تحقق فرهنگ زندگی اسلامی

لازمه‌ی دیگر تحقق تولید فکر دینی در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی، مقوله‌ی فرهنگ زندگی است. این مقوله دارای مبانی و بن‌مایه‌های اسلامی هم‌چون خردورزی، اخلاق و حقوق است که نیازمند تبیین، تدوین و تحقق آن به شکل مطلوب اسلامی می‌باشد. در این راستا یکی از تکالیفی که بر حقوق‌دانان ملزم می‌گردد این است که به تدوین و تحقق حقوق اسلامی به‌عنوان یکی از بن‌مایه‌های فرهنگ مطلوب اسلامی اقدام نمایند.

«یک مقوله‌ای در اینجا مطرح می‌شود و سر بر می‌آورد، به‌عنوان مقوله‌ی فرهنگ زندگی. باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. البته اسلام بُن‌مایه‌های یک چنین فرهنگی را برای ما معین کرده است. بُن‌مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ این‌ها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به‌طور جدی نپردازیم، پیشرفت

۱. بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.

اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت.^۱

سوم: ایمان به مکتب و ایدئولوژی اسلامی

از لوازم دیگری که در باب تولید فکر دینی و تمدن‌سازی نوین اسلامی مورد نیاز می‌باشد ایمان به مکتب و ایدئولوژی است چرا که هیچ تفکری بدون ایدئولوژی دوام نخواهد آورد:

«هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند. پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی این‌ها خواهد شد.»^۲

چهارم: عدم تقلیدگرایی از غرب

یکی دیگر از لوازم تولید فکر اسلامی آن است که در تمام ابعاد سبک زندگی و از جمله بعد حقوقی آن، تقلید از تمدن و فرهنگ مخرب و هویت‌زدای غرب را کنار گذاشته و به مبانی اسلامی رجوع گردد.

«ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به‌شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ تقلید از آن کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت‌ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زورگویی و تحمیل، تمدن غربی است. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه‌ی اول این است که از تقلید غربی

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۲. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

پرهیز شود. باید همه احساس کنند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش آن‌هاست؛ و یکی از حدود و ثغور این کار، مواجهه‌ی با تمدن غرب است، به صورتی که تقلید از آن انجام نگیرد.^۱

■ گفتار دوم: تربیت و پرورش انسان‌های مؤمن

همان‌گونه که بیان شد، دومین بخش از لوازم اساسی تحقق تمدن نوین اسلامی پرورش انسان‌هایی است که اهداف طراحی شده برای این تمدن را در عرصه‌های فردی و اجتماعی به منصفی ظهور برسانند. از همین رو تربیت افراد بر مبنای آموزه‌های اسلامی در راستای آرمان اصیل تمدن‌سازی امری ضروری به نظر می‌رسد. در این میان حقوق‌دانان به‌عنوان بخشی از جامعه که وظیفه‌ی آن‌ها تعیین و تضمین اجرای قواعد و مقرراتی به‌منظور ساماندهی زندگی اجتماعی متناسب با آموزه‌های شریعت اسلام است، در کنار کسب تخصص‌های علمی لازم، باید ابتدا رابطه خود را با خدا تقویت کنند و ویژگی‌های اخلاقی و شخصی خود را ارتقاء بخشند تا در راه انجام تکالیف بعدی خود توانمند و ثابت قدم بوده و از مسیر حق نیز منحرف نگردند.

«عزیزان من! کسانی که پایشان لغزید، خیلی از مواردش را که ما دیدیم، ناشی بود از عدم تعمق در امر دین و معارف اسلامی؛ شعائری بود، شعارهایی بود، احساساتی بود، بر زبانشان بود، اما در دلشان عمق نداشت.»^۲

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۲. در این خصوص ذیل عنوان «طراحی حقوق اسلامی» مباحث جامعی مطرح خواهد شد.

۳. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷.

■ فصل ششم: نقش حقوق دانان در تحقق تمدن نوین اسلامی

تشکیل و تحقق تمدن نوین اسلامی نیازمند لوازمی است که مورد اشاره قرار گرفت اما علاوه بر آن، محقق ساختن این لوازم در نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان پیش زمینه‌ی تحقق تمدن اسلامی نیازمند نقش آفرینان و متولیان است که به عنوان هسته‌ی اصلی و اساسی بتوانند در راستای اجرای آن اقدام عملی صورت دهند. به نظر می‌رسد نقش آفرینان و متولیان این مهم، متفکران و نخبگان فکری حوزوی و دانشگاهی هستند که در این میان نخبگان و متفکران حقوقی جایگاه و تکالیف ویژه و تعیین‌کننده‌ای دارند، چراکه خروجی‌ها و نتایج اصلی تمدن‌سازی اسلامی، نظام‌سازی، جامعه‌سازی و دولت‌سازی اسلامی در چارچوب نظامات حقوقی و در قالب قوانین و مقررات تبیین می‌شود.

«این‌ها [تحقق لوازم تمدن اسلامی] به عهده‌ی کیست؟ به عهده‌ی نخبگان - نخبگان فکری، نخبگان سیاسی - به عهده‌ی شما، به عهده‌ی جوان‌ها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیب‌ها در این زمینه باشد، می‌توان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفتهای خوبی خواهیم کرد؛ باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید. نخبگان موظف‌اند، حوزه موظف است، دانشگاه موظف است، رسانه‌ها موظف‌اند، تریبون‌دارها موظف‌اند؛ مدیران بسیاری از دستگاه‌ها، بخصوص دستگاه‌هایی که با فرهنگ و تربیت و تعلیم سروکار دارند، موظف‌اند؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی می‌کنند، در این زمینه موظف‌اند؛ کسانی که سرفصل‌های آموزشی را برای کتاب‌های درسی تعیین می‌کنند، موظف‌اند. این‌ها همه یک وظیفه‌ای است بر دوش همه. باید

ما همگی به خودمان نهیب بزنیم. در این زمینه باید کار کنیم، حرکت کنیم.»^۱

نهادینه نمودن تمدن‌سازی اسلامی وابسته به چگونگی نظام‌سازی، جامعه‌سازی و... در قالب‌های حکومتی و حقوقی است که این مسائل جایگاه ویژه حقوق‌دانان را در تحقق تمدن اسلامی به نمایش می‌گذارد و به تبع آن بر وظایف و تکالیف مهم آن‌ها در این زمینه تاکید می‌کند:

«مسئله‌ی اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است. در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ای مردم‌سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک به یک از سر بگذرانید؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیزم»، و «برابری» منهای «مارکسیزم»، و «نظم» منهای «فاشیزم غرب» را نهادینه کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مترقی اسلام را حفظ کنید، بی‌آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی‌آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی‌آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی‌آنکه سکولاریزه و محافظه‌کار شوید.»^۲

از سوی دیگر آرمان، اهداف، و مبانی انقلاب اسلامی در قالب نظام اسلامی، به‌طور خاص در قوانین و مقررات اسلامی عینیت پیدا می‌کند و در گذر زمان کامل می‌گردد. این موضوع نمایان‌گر جایگاه ویژه‌ی حقوق‌دانان در نظام جمهوری اسلامی و نقش تأثیرگذار آن‌ها در تحقق تمدن نوین اسلامی است.

۱. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.

۲. خطبه‌های نماز جمعه تهران - ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.

بخش دوم: لزوم کسب مقدمات ضروری حرکت در مسیر اهداف

حرکت در مسیر تحقق اهداف طراحی شده برای فرد و جامعه اسلامی نیازمند کسب شرایط و تحقق مقدماتی ضروری است. به بیان دیگر حقوق‌دانان همانند سایر اقشار به‌منظور تلاش در جهت ایجاد تمدن نوین اسلامی باید الزامات و بایسته‌هایی را به عنوان مقدمه حرکت خود کسب نمایند که بدون آن‌ها حرکت در مسیر طراحی شده ناممکن به نظر می‌رسد. در ادامه به مهم‌ترین این مقدمات ضروری حرکت اشاره خواهد شد:

■ فصل اول: لزوم خودسازی و تهذیب نفس

«اولین و مهم‌ترین قدم خودسازی این است که انسان به خود و به اخلاق و رفتار خود با نظر انتقادی نگاه کند؛ عیوب خود را با روشنی و دقت ببیند و سعی در برطرف کردن آن‌ها داشته باشد.»^۱

اقدام برای حرکت به سمت و سوی خودسازی منوط به شناخت دقیق ابعاد تحول اخلاقی است:

«تحول اخلاقی، یعنی این که انسان هر رذیلت اخلاقی، هر اخلاق

۱. بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵.

زشت، هر روحیه‌ی بد و ناپسندی که موجب آزار دیگران یا عقب‌ماندگی خود انسان است، آن را کنار بگذارد و به فضایل و زیبایی‌های اخلاقی، خود را آراسته کند.^۱

بر این اساس لزوم حفظ رابطه‌ی با خدا، لزوم وجود تقوای جمعی علاوه بر تقوای فردی، محاسبه‌ی نفس، تهذیب نفس و انجام کار برای خدا و ... از جمله مصادیق و موارد مهم مورد نیاز برای خودسازی و در نتیجه از پیش شرط‌های تحقق تکالیف حقوق‌دانان در جامعه اسلامی محسوب می‌شود.

اول: لزوم حفظ رابطه‌ی با خدا

اولین و مهم‌ترین وظیفه هر مسلمانی چه با نگاه فردی و چه با نگاه اجتماعی و حکومتی، حفظ رابطه با خداوند است. آحاد مردم مسلمان ایران و به ویژه مسئولان متناسب با جایگاهی که در اختیار دارند در این مورد مسئولیتی سنگین بر دوش دارند:

«برادران و خواهران عزیز! ما که در جمهوری اسلامی مشغول خدمت هستیم، فراتر از همه فکرها و سلیقه‌ها و گرایش‌ها و انگیزه‌ها و تفاوت‌هایی که قهراً وجود دارد، همه باید در یک چیز مشترک و به آن مهمت باشیم و آن حفظ رابطه خودمان با خداست؛ ذکر نعمت الهی است؛ به یاد داشتن لطف و فضل پروردگار است به خاطر فرصتی که به ما داده است. آنچه در این راه مهم است، نیت خدمت و تلاش برای خدمت است. این نیت را باید حفظ کرد؛ نیت مقدسی است.»^۲

یکی از مصادیق و موارد حفظ رابطه‌ی با خداوند انس با قرآن است. قرآن به‌عنوان کلام خداوند و برنامه زندگی حقوق‌دانان بهترین موعظه‌کننده برای خودسازی و مراقبت از خود است.

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱.

۲. بیانات دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

«یکی از راه‌هایی که این عمق را در اعتقادات انسان، در مبانی فکری انسان، در روح انسان، در ایمان انسان ایجاد می‌کند، انس با قرآن است. بنابراین در زندگی حتماً قرآن با تدبر را در نظر داشته باشید و نگذارید حذف شود.»^۱

دوم: محاسبه‌ی نفس تکلیف هر فرد

یکی دیگر از لوازم خودسازی و تهذیب، محاسبه نفس است. یک‌بار قرآن انسان را موعظه می‌کند یک‌بار هم انسان باید خویش را موعظه کند. لذا مقام معظم رهبری در مورد محاسبه‌ی نفس به‌عنوان یکی از مصادیق تهذیب نفس می‌فرمایند:

«اما مفیدتر از آن این است که انسان خودش، خودش را موعظه کند: «ما کان لک واعظ من نفسک و ما کانت المحاسبه من همک»؛ تا وقتی که از درون خودت موعظه‌گری داری و تا وقتی که همّت تو بر حسابرسی خودت هست. خودمان را را رها نکنیم؛ از خودمان حساب کشیم.»^۲

سوم: رعایت تقوا در عرصه‌های فردی و اجتماعی

تقوا به معنای مراقبت کردن از خود می‌باشد. در این خصوص باید گفت که از منظر اندیشه اسلامی، هر انسان مسلمانی و در هر جایگاهی اعم از قضات، وکلا، اساتید و کارشناسان حقوقی باید در گفتار، کردار، تصمیم‌گیری و.. تقوای الهی داشته باشند.

«تقوا مایه‌ی هدایت، فرَج و اقتدارِ عزم و اراده‌ی انسانی است. تقوا چیزی نیست جز مراقبت از خویشتن؛ از گفتار خود، از کردار خود، از معاشرت خود، از تصمیم‌گیری خود. مراقب باشیم در تصمیم‌گیری ما، در عمل ما، در فکر و سخن ما اراده‌ی

۱. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷.

۲. بیانات در دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش بنیان، ۱۳۹۱/۰۵/۰۸.

شیطانی وارد نشود؛ این همان تقواست. هر کس این مراقبت را داشته باشد، خدای متعال به او کمک می‌کند.^۱

مسئله مهم‌تر موضوع رعایت تقوای جمعی در کنار تقوای فردی است که باید در فعالیت‌های تشکیلاتی و جمعی نیز نسبت به رعایت تقوا فردی و جمعی اهتمام داشته باشند. مقام معظم رهبری در خصوص این موضوع می‌فرماید:

«یک تقوای جمعی هم داریم. تقوای جمعی این است که جمع‌ها مراقب خودشان باشند. جمع به حیث جمع، مراقب خودشان باشند. بی‌مراقبتی جمع‌ها نسبت به مجموعه‌ی خودشان، موجب می‌شود که حتی آدم‌هایی هم که در بین آن جمع‌ها تقوای فردی دارند، با حرکت عمومی آن جمع‌ها بغلتند و به جایی بروند که نمی‌خواهند. در طول این سی سال، ما از این ناحیه ضربه خورده‌ایم.»^۲

چهارم: کار برای خدا

همه آنچه را که در مورد لزوم ارتباط با خدا، تهذیب نفس و مصادیق و موارد آن ذکر شد در یک جمله خلاصه خواهد شد و آن اینکه «برای خدا کار کنید». اگر نیت و اقدام همه براساس همین جمله باشد طوری که تکلیف هر حقوق‌دان اجرای تمام و کمال وظیفه‌اش برای رضای خداوند باشد و نه چیزی از نوع مقام و ثروت آن وقت است که می‌توان جامعه آرمانی و مهدوی را تصور کرد.

«یکی از ویژگی‌ها که بسیار مهم است تا برای خودسازی به آن توجه کنیم و شاید جنبه تقدیمی هم داشته باشد، «اخلاص» است. اخلاص عبارت است از کار را خالص انجام دادن و این که کاری

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۲۴ / ۱۱ / ۱۳۸۲.

۲. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.

را مغشوش انجام ندهیم خالص بودن عبادت و عمل این است که برای خدا باشد.^۱

«مسئولیت، یعنی هر انسانی در هر مرتبه‌یی که هست، در درجه‌ی اول از خود سؤال کند، ببیند رفتار و گفتار و تصمیم‌گیری او تحت‌تاثیر چه بود؛ عاقلانه و بر اساس پرهیزگاری بود، یا خودخواهانه و برای شهوات و اغراض شخصی بود.»^۲

پنجم: ارتباط مستمر با دعا

«دعا! دعا هم خیلی چیز مهمی است و به نظر من صحیفه‌ی سجاده‌ی مبارکه یکی از بهترین ذخایر معنوی ماست، اگر بتوانیم از این استفاده کنیم. با این دعا‌های صحیفه‌ی سجاده که هر کدامی یک بابی است، هر کدامی یک دنیای خاصی است، یک دریایی است و معارف را به انسان تعلیم می‌دهد، دل انسان را نرم می‌کند، خشوع را به انسان تعلیم می‌دهد، مأنوس باشید.»^۳

ششم: توکل و اعتماد به خداوند متعال

«در راه‌های طولانی گاهی انسان قوه هم دارد، زانو و پاها اصلاً خسته نشده، اما آدم از حرکت خسته‌ی روحی می‌شود. این خستگی روحی انسان را از رسیدن به اهداف باز می‌دارد. برای این که این خستگی روحی پیش نیاید - که از خستگی جسمی گاهی خطرش هم بیشتر است - استمداد از پروردگار، توکل به خدا و امیدواری به کمک الهی لازم است؛ این را از دست ندهید و این را داشته باشید.»^۴

۱. بیانات در اولین روز ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۱/۱۲/۰۴.

۲. بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۳/۰۱/۲۶.

۳. بیانات در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

۴. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷.

هفتم: دوری از غفلت و غرور

«اگر بخواهیم استغفار- این نعمت الهی- را به دست بیاوریم، دو خصلت را باید از خودمان دور کنیم، یکی غفلت و دیگری غرور. غفلت، یعنی انسان به کلی متوجه و متنبه نباشد که گناهی از او سر می‌زند. غفلت، دشمنی بسیار عجیب و خطر بزرگی است. شاید واقعاً برای انسان هیچ خطری بالاتر و هیچ دشمنی بزرگ‌تر از غفلت نباشد.»^۱

■ فصل دوم: توسعه‌ی فرهنگ کار

یکی دیگر از الزامات اساسی حرکت جمعی مردم ایران به سمت رشد و تعالی، لزوم توسعه‌ی فرهنگ کار و فعالیت است. تا روحیه مسئولیت‌پذیری و فرهنگ کار و فعالیت در میان آحاد مردم و به ویژه اقشار خاص و تاثیرگذار ایجاد نگردد نمی‌توان آمیدی به پیشرفت حقیقی داشت.

«سعی کنیم تنبلی را، بیکارگی را، بی‌اعتنایی به کار را در چشم مردم به شکل درستی موهون کنیم؛ یعنی بیکارگی باید موهون بشود؛ کار باید ارزش بشود.»^۲

البته باید توجه داشت که مقصود از کار معنای عام آن است:

«درباره‌ی بحث اوّل که معنای گسترده‌ی کار است، هر کسی که در جامعه به کاری مشغول است، به این معنا کارگر است؛ کارهای تولیدی، کارهای خدماتی، کارهای مدیریتی، کارهای علمی؛ این‌ها همه کارگرند. یک مدیر هم در کار مدیریتی خود کارگر است؛ یک استاد دانشگاه، یک استاد حوزه، یک دانشجو، یک طلبه، کسانی که این کارها را می‌کنند، کارهای دینی، کارهای تبلیغاتی، به این معنا همه کارگرند. خوب، کار به این معنا یک

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۰۶/۰۴.

برکتی دارد که این برکت در هیچ چیز دیگر نیست. کار به این معنای گسترده‌ای که عرض کردیم، سازنده است؛ هم سازنده‌ی خود انسان است، هم سازنده‌ی جامعه است، سازنده‌ی دیگران است؛ بنابراین ارزش است. بیکاری، تنبلی، وقت‌گذرانی‌های بی‌جا، بی‌مورد، هدر دادن نیروی جوانی، نیروی فکری، نیروی بدنی مذموم است، ضد ارزش است؛ این منطق اسلام است.^۱

در دیدگاه مقام معظم رهبری، ضرورت توسعه این فرهنگ از آنجا ناشی می‌شود که:

«یک کشور اگر بخواهد عزت خود را، هویت خود را، منافع خود را، امنیت خود را به دست بیاورد، احتیاج دارد به ابتکار، به کار. با نشستن، با خوابیدن، با غفلت از اطراف، نمی‌شود به اهداف عالی دست پیدا کرد. این که می‌بینید جامعه‌ی اسلامی و کشورهای اسلامی چند صد سال - دویست سال، سیصد سال - دچار عقب‌ماندگی شدند، که امروز چوب آن عقب‌ماندگی را همه‌ی ما داریم می‌خوریم، این به خاطر غفلت‌ها بود.»^۲

باید توجه نمود که توسعه و ترویج روحیه‌ی کار و وجدان کاری نیازمند فرهنگ‌سازی در میان افراد جامعه است.

«ما چگونه می‌توانیم روح کار، جدیت در کار، وجدان کار، پیگیری کار و سلامت کار را در طرح‌های توسعه‌ی اقتصادی خودمان در نظر بگیریم؛ بدون این که فرهنگ عمومی جامعه را بالا ببریم و فرهنگ کار و وجدان کار و معلومات مربوط به کار را به آن‌ها تزریق کنیم؟ پس، می‌بینید که به فرهنگ برگشت.»^۳

با توجه به توصیه‌های صورت گرفته در خصوص آثار کار و مذمت

۱. بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۰۲/۰۸.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹.

۳. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹/۰۹/۱۹.

بیکاری، می‌توان بایسته‌هایی را برای کار در اندیشه اسلامی ایران بیان نمود. این بایسته‌ها عبارت‌اند از:

اول: ادا نمودن حق کار

«به همه توصیه کنیم هرکس هر جا هست، کار کند، کیفیت کار را بالا ببرد، حق کار را اداء کند. این که ما مسئولیت یک مدیریت را به عهده بگیریم منتها خودمان را، و قتمان را، تمام نیرویمان را صرف آن کاری که مسئولیتش را به عهده گرفته‌ایم نکنیم و به کارهای دیگر پردازیم، حق کار اداء نشده است. لذا است که همیشه توصیه‌ی بنده به مدیران دولتی، به مسئولان حکومتی - چه در قوه‌ی مجریه، چه در قوه‌ی قضاییه، چه در قوه‌ی مقننه، چه در نهادهای گوناگون - این بوده است که این مسئولیتی را که قبول می‌کنید، با همه‌ی وجود دنبالش بروید.»^۱

دوم: وجدان کاری

«وجدان کار» یعنی این که اگر کاری را به عهده گرفتیم و انجام آن را تعهد کردیم - چه این کار، برای شخص خودمان یا خانواده‌ی خودمان؛ جهت نان درآوردن باشد، و چه کاری اجتماعی و مردمی و مربوط به دیگران باشد؛ آن را خوب و کامل و دقیق و تمام انجام دهیم. به تعبیر معروف، برای آن کار، «سنگ تمام بگذاریم». اگر ملتی دارای «وجدان کار» باشد، محصول کار او خوب خواهد شد، و وقتی محصول کار نیکو شد، وضع اجتماعی، به‌طور قطع بهبود پیدا خواهد کرد.»^۲

۱. بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۰۲/۰۸.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت وزیران، ۱۳۶۹/۰۶/۰۱.

سوم: اتقان کاری

«رحم الله امرء عمل فاتقنه»؛ رحمت خدا شامل حال کسانی است که کاری را انجام می‌دهند و آن را با اتقان، درست و کامل به سامان می‌رسانند؛ نیمه‌کاره رها نمی‌کنند و سهل‌انگاری در آن به خرج نمی‌دهند. همه‌ی ما در هر بخشی که مشغول کار هستیم، مخاطب این خطاب هستیم.^۱

چهارم: تمرکز بر یک مسئولیت (مردی و کاری)

«من یک وقت زمان ریاست‌جمهوری، در شورای عالی انقلاب فرهنگی جمله‌ای را از کتاب «سیاست‌نامه‌ی» خواجه نظام‌الملک نقل کردم. این کتاب، یکی از متون بسیار زیبا و فاخر ادبی ماست. با این‌که هفتصد، هشتصد سال از آن زمان می‌گذرد- دوره‌ی سلطان سنجر یا ملک‌شاه- در عین حال انصافاً مطالبش هم‌چنان تازه است و انسان وقتی آن را می‌خواند، لذت می‌برد. به‌هرحال، یکی از توصیه‌هایی که به شاه‌زمان خودش می‌کند، این است: «زنهار! مردی را دو کار مفرمایی؛ مردی و کاری!» راست می‌گوید؛ یک مرد، یک کار. البته خود خواجه نظام‌الملک ده تا کار داشته! ولی به قول سعدی:

جز به خردمند مفرما عمل گرچه عمل کار خردمند نیست
خردمند مدیریت می‌کند؛ اما عمل را به عهده‌ی دیگران می‌گذارد. به‌هرحال، «مردی و کاری». به این نکته هم اهمیت بدهید؛ خیلی مهم است.^۲

۱. بیانات در دیدار مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی و مسئولان شهربانی، ۱۳۶۹/۰۷/۰۴.

۲. دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.

■ فصل سوم: حضور در صحنه و مسئولیت‌پذیری

یکی دیگر از الزامات مقدماتی حرکت در مسیر اهداف طراحی شده برای جامعه اسلامی، حفظ حضور مستمر مردم، نخبگان و مسئولین در صحنه، احساس مسئولیت و روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری در قبال جامعه است. اهمیت مسئولیت‌پذیری در تحقق اهداف و تعالی جامعه به نحوی است که «هیچ جامعه‌ای بدون احساس تعهد، به قله‌های رفیع سعادت نخواهد رسید»^۱ بر این اساس مقصود از احساس مسئولیت عبارتست از مسئول‌دانستن خود نسبت به اهداف متعالی طراحی شده.

«احساس مسئولیت یعنی انسان همان‌طور که به فکر زندگی، معیشت، اشتغال، ازدواج، و هر چیز مربوط به خود است، نسبت به اهدافی که از خود او فراتر است هم احساس مسئولیت کند»^۲ یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های مسئولیت‌پذیری صحیح در حکومت اسلامی، داشتن روحیه خدمت به مردم است.

«در نظام جمهوری اسلامی، پذیرش مسئولیت به معنای کامجویی از قدرت نیست؛ به معنای قبول زحمات خدمت به مردم است؛ این معنای قبول زحمت است؛ معنای مسئولیت در نظام جمهوری اسلامی این است»^۳.

اول: لزوم ترویج احساس مسئولیت در میان آحاد مردم و نخبگان

تک تک افراد جامعه در هر جایگاه و مقامی که هستند، باید دارای احساس مسئولیت نسبت به وضعیت جامعه‌ی خود باشند. چرا که در اندیشه اسلامی، همه‌ی افراد مسئول به حساب می‌آیند.

۱. بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶.

۲. همان.

۳. بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۰۵/۱۲.

«هیچ کس نگوید من تکلیفی ندارم، من مسئولیتی ندارم؛ همه مسئول هستند. مسئولیت معنایش این نیست که اسلحه ببندیم و بیائیم در خیابان راه برویم؛ بلکه در هر کاری که هستیم، احساس مسئولیت کنیم.»^۱

دوم: مسئولیت پذیری یکی از شاخص‌های ارزش و اهمیت انسان

در صورتی که انسان به دنبال سنجش میزان قدر و ارزش خود می‌باشد باید به نوع و میزان اهمیت مسئولیت‌هایی که بر عهده می‌گیرد، توجه نماید. ریشه این امر در آن است که ارزش و اهمیت انسان در مسئولیت‌هایی است که بر عهده دارد.

«اهمیت هر انسانی به قدر آن مسئولیتی است که بر دوش می‌گیرد و این انسان یا این مجموعه یا این سازمان به همان اندازه اهمیت پیدا می‌کند.»^۲

سوم: بایسته‌ها و الزامات مسئولیت‌پذیری

احساس مسئولیت‌پذیری دارای بایسته‌ها و الزاماتی است که می‌توان به مجاهدت‌ها و دغدغه‌های مسئولیت و لزوم خودآگاهی نسبت به احساس مسئولیت به عنوان مهم‌ترین آن‌ها اشاره کرد:

«مسئولیت را با سختی‌ها و دغدغه‌هایش و با مجاهدتی که باید برای ادای آن کرد، قبول کنیم.»^۳ «احساس مسئولیت و تعهد باید آگاهانه باشد. فرد باید بداند که به دنبال چه چیزی است و موانع راه را بشناسد.»^۴

۱. بیانات در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه شش بهمن، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶.

۲. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۰۶.

۳. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱.

۴. بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶.

چهارم: لزوم ترک غرور و کبر در صورت پذیرش مسئولیت

هرچند مسئولیت پذیری یک ارزش و تکلیف به شمار می‌آید، اما هرگز نباید منجر به خودبرتربینی یا غرور شود و کسی که مسئولیت خاصی رو پذیرفته، نباید تصور کند که حق خاصی برای وی ایجاد شده است. در این راستا مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«اگر خدای ناکرده همگی تان یک وقت بگویند «ما می‌خواهیم این کار و فعالیت و حضور را ببوسیم و کنار برویم»، عقیده ندارم که این میدان، خالی خواهد ماند؛ نه. عقیده‌ی من این است که بارِ خدا، زمین نمی‌ماند.»^۱

■ فصل چهارم: دشمن‌شناسی

یکی دیگر از الزامات و بایسته‌های عمومی حرکت در مسیر تحقق اهداف نظام اسلامی، شناخت درست دشمن است.

«یک واقعیت دیگری که نباید غفلت کرد، دشمنی دشمنان ما است. از دشمنی دشمن نباید غفلت کرد. به قول سعدی: «دشمن چون از همه حیلتی فروماند، سلسله‌ی دوستی بجنباند»، آنگاه در دوستی کاری کند که هیچ دشمنی نکرده باشد؛ این را نباید فراموش کنیم؛ این واقعیتی است.»^۲

از لوازم دشمن‌شناسی صحیح و درست، شناخت اهداف دشمن در هر مرحله و برهه است:

«یک ملت زنده و ملتی که اهل پیشرفت است، از جمله کارهایی که در کنار سازندگی، در کنار پیشرفت علمی و در کنار کارهای بزرگ، حتماً باید از آن غفلت نکند، شناخت هدف‌های دشمن

۱. بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۱۳۷۳/۰۴/۲۲.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.

در هر مرحله است. این خاصیت زنده بودن است.^۱
به طور کلی می‌توان اهداف دشمن در مقابله با نظام اسلامی را در سه عرصه مطالعه نمود:

«دشمن سه هدف مرحله‌ای و مقطعی را تعقیب می‌کند. اول، عبارت است از تخریب وحدت ملی؛ یکپارچگی ملت ایران را بشکنند و تخریب کنند. دوم، تخریب ایمان و باورهای کارساز در دل مردم؛ سوم، تخریب روح امید و تخریب آینده در ذهن مردم. پس، سه تخریب، مورد نظر دشمن است: تخریب وحدت ملی، تخریب باورهای کارساز و مقاومت‌بخش، و تخریب روح امید.»^۲

برای مقابله با دشمنی که به جنگ با اهداف نظام اسلامی آماده و ابزارهای او نیز قابل رصد و بررسی است مهم‌ترین صلاح و راه‌کار مبارزه داشتن بصیرت است. گام اول در تبیین این سلاح، روشن شدن مفهوم بصیرت است:

«بصیرت، روشن‌بینی. یعنی چه؟ یعنی شناخت زمان، شناخت نیاز، شناخت اولویت، شناخت دشمن، شناخت دوست، شناخت وسیله‌ای که در مقابل دشمن باید به کار برد؛ این شناخت‌ها؛ بصیرت است.»^۳

ارزش و اهمیت بصیرت در عرصه‌ی اجتماعی به نحوی است که سعادت و شقاوت یک جامعه بسته به وجود و یا عدم بصیرت است:

«اگر من بخواهم یک توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهائی که بر ملت‌ها وارد می‌شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی‌بصیرتی

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۲۶/۰۹.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۰۹/۲۶.

۳. بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۰۹/۰۶.

است.»^۱

مبتنی بر این دیدگاه وجود بصیرت شاخصه‌ی فرد انقلابی به نظر می‌رسد:
«انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی‌های شرائط
زمانه را درک کند.»^۲

۱. بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۰۵/۰۵.
۲. بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.

بخش سوم: لزوم طراحی ساختارها، فرآیندها و نهادهای مورد نیاز (حقوق دانان و طراحی نظام حقوق اسلامی)

نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه‌ی ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او، وحی الهی و نقش بنیادین آن در بیان قوانین، معاد و نقش سازنده‌ی آن در سیر تکاملی انسان به‌سوی خدا، عدل خدا در خلقت و تشریع، امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام استوار گردیده و هدف نهایی آن تحقق حاکمیت شریعت الهی در عرصه‌های فردی و اجتماعی و حرکت دادن انسان‌ها به‌سوی کمال مطلق و رسیدن به جایگاه خلیفه‌اللهی است. در همین راستا اصل ۴ قانون اساسی بر لزوم انطباق همه‌ی قوانین و مقررات با موازین اسلام تاکید می‌کند. آنچه در این زمینه محل بحث و تأمل است نحوه‌ی طراحی نظام حقوقی مبتنی بر ضوابط و معیارهای شریعت اسلام است.

به نظر می‌رسد جنبش نرم‌افزاری، تحول در علوم انسانی و حرکت به سمت تولید علم دینی از مهم‌ترین حلقه‌های طراحی نظام حقوق اسلامی است که در این زمینه تکالیفی بر عهده حقوق‌دانان قرار دارد.

در همین راستا نخست به لزوم نظریه‌پردازی در علوم انسانی اسلامی، چیستی، ماهیت و روند تحول علوم انسانی در جامعه پرداخته می‌شود و

در ادامه تولید حقوق اسلامی به عنوان یکی از شاخه های علوم انسانی نیز مورد مطالعه قرار می گیرد.

■ فصل اول: لزوم بازنگری در علوم انسانی با رویکرد اسلامی

تحول بنیادین در جامعه و عبور از مرزهای دانش به ویژه در حوزه علوم انسانی یکی از ضروری ترین مسائلی است که رسالت های مهمی را بر عهده ی مجموعه نخبگانی کشور قرار می دهد. اهمیت این تحول از این جهت است که علوم انسانی به منزله ی روح حاکم بر سایر دانش هاست و وظیفه ی تحلیل، هدایت و کنترل همه کنش های انسانی را بر عهده دارد و تعیین کننده ی سبک زندگی فردی و اجتماعی انسان است، به گونه ای که ابتناء علوم انسانی بر جهان بینی غلط، سبب انحراف سایر تحرکات جامعه نیز می گردد:

«علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه ی دانش ها، همه ی تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت می دهد، مشخص می کند که ما کدام طرف داریم می رویم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه های غلط و جهان بینی های غلط استوار شد، نتیجه این می شود که همه ی تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می رود.»^۱

■ گفتار اول: آسیب شناسی نظام علوم انسانی موجود

بند اول: مبنای غیر توحیدی علوم انسانی غربی و تفاوت در جهان بینی

مبنایی که علوم انسانی غربی بر آن استوار است مبتنی بر جهان بینی و تفسیری مادی و غیرتوحیدی از عالم آفرینش، انسان، جامعه و تاریخ

۱. بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳.

است درحالی که زمانی دانش می‌تواند پاسخگوی نیازهای ملتی باشد که با نظام ارزشی و جهان‌بینی صحیح سازگار باشد و گرنه نمی‌تواند خواسته‌ها، اهداف و آرمان‌های حقیقی آن جامعه را برآورده کند. بنابراین هنگامی که علوم انسانی براساس جهان‌بینی الهی و قرآنی استوار باشد، ابعاد و شاخه‌های مختلف خود اعم از اقتصاد، جامعه‌شناسی، مدیریت، حقوق و.. نیز بر اساس جهان‌بینی الهی و قرآنی تولید می‌گردد و در این صورت است که می‌تواند اهداف متعالی جمهوری اسلامی را محقق کند و در عین حال مدیریت مبتنی بر آموزه‌های الهی را در ابعاد فردی و اجتماعی حاکم نماید. وضعیت فعلی دانش‌های مختلف علوم انسانی از جمله علم حقوق مبتنی بر تفکرات مادی و غیرتوحیدی غرب است. بر این اساس یکی از تکالیف مهم حقوق‌دانان اسلامی این است که اقدام به ایجاد تحولی بنیادین در این زمینه کنند و به تحقیق و پژوهش در این حوزه بر پایه مبانی اسلامی و قرآنی روی آورند.

«علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان‌بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب، این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون این که هیچ‌گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کند، می‌آوریم در دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف این‌ها را تعلیم می‌دهیم؛ ما علوم انسانی‌مان بر مبادی و مبانی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی بنا شده است. این با مبانی اسلامی سازگار نیست، با مبانی دینی سازگار نیست.»^۱

«علوم انسانی آن‌وقتی صحیح و مفید و تربیت‌کننده‌ی صحیح انسان خواهد بود و به فرد و جامعه نفع خواهد رساند که براساس تفکر الهی و جهان‌بینی الهی باشد؛ یعنی ریشه و پایه و

۱. بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸.

اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد.^۱
 «این امروز در دانش‌های علوم انسانی در وضع کنونی وجود ندارد؛ از اقتصاد و جامعه‌شناسی و مدیریت و انواع و اقسام رشته‌های علوم انسانی، بر مبنای یک معرفت ضد دینی و غیر دینی و نامعتبر از نظر کسانی است که به معرفت والا و توحیدی اسلامی رسیده باشند. ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم»^۲

بند دوم: غیر بومی بودن علوم انسانی موجود و عدم تناسب آن با وضعیت ملی

تولید علم به معنای شکستن مرزهای علم و پیشرفت در حوزه‌های مختلف علم به ویژه علوم انسانی است. تحقیقات، دستاوردها و پژوهش‌هایی که بر پایه‌ی مبانی فکری غرب در حوزه‌های مختلف علم، به خصوص علوم انسانی حاصل شده، مبنای مقبولی محسوب نمی‌گردد، چرا که نگاه حاکم در اندیشه‌ی اسلامی به انسان، تاریخ، جامعه، عالم طبیعت و به طوری کلی به عالم وجود، با نگاه حاکم بر مبنای تحقیقات علمی غرب سازگار نیست. به همین دلیل چگونگی آمیختگی علم و دین مسئله‌ای لاینحل باقی مانده است. اما در اندیشه‌ی اسلامی به واسطه‌ی جهان‌بینی که از انسان، جامعه، تاریخ، آفرینش، توحید و... وجود دارد سبب آمیختگی علم و دین با یکدیگر می‌شود به گونه‌ای که دین به عنوان منبع و مشوق تولید علم دینی محسوب می‌گردد و زمینه پیشرفت قابل قبولی را فراهم آورده است.

«نگاه اسلام به انسان، به علم، به زندگی بشر، به عالم طبیعت و به عالم وجود، نگاهی است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه، زیربنا و قاعده و مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده. تحقیقات علمی در غرب، در ستیز با

۱. بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱.

۲. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶.

آنچه آن را دین می‌پنداشتند، آغاز شده. در جهان‌بینی ما، علم از دل دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهان‌بینی دینی‌ای که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و از ماوراءالطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است؛ لذا تولیدکننده و تشویق‌کننده‌ی علم است.^۱

بند سوم: مقصود از تحول در علوم انسانی، حذف و بی‌توجهی به تولیدات غربی نیست

باید توجه داشت لازمه‌ی تحول در علوم انسانی، حذف تحقیقات و پژوهش‌های غربیان نیست، بلکه نگرش هدفمند و اجتهادی از علوم انسانی موجود است:

«ما به هیچ وجه نگفتیم که دانسته‌های غربی‌ها را که در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی پیشرفت‌های چند قرنی زیادی داشتند، یاد بگیریم یا کتاب‌های این‌ها را نخوانیم؛ ما می‌گوییم تقلید نکنیم.»^۲

«بر این اساس ما نیازمند آن هستیم که یک تحول بنیادین در علوم انسانی در کشور به‌وجود بیاید. این به معنای این نیست که ما از کار فکری و علمی و تحقیقی دیگران خودمان را بی‌نیاز بدانیم - نه، برخی از علوم انسانی ساخته و پرداخته‌ی غربی‌ها است؛ در این زمینه کار کردند، فکر کردند، مطالعه کردند، از آن مطالعات باید استفاده کرد.»^۳

پیدااست که تحول در علوم انسانی بدون فراگرفتن و فهمیدن علوم انسانی موجود و دقت در ابعاد مختلف و مبانی آن حاصل نمی‌شود. بلکه باید به پژوهش و مطالعه‌ی عمیق آن علوم پرداخت و در عین حال، به مسائل

۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹.

۳. همان.

جامعه‌ی خود و میراث علمی اسلامی نیز توجه کرد؛ از این رو تأسیس علوم انسانی از نقطه‌ی صفر و بدون توجه به دستاوردهای متفکران و اندیشمندان جدید امکان‌پذیر نیست و محققان و متکفران و به ویژه حقوق‌دانان اسلامی نباید خود را از برخی از محصولات غربی محروم کنند. به نظر ایشان استفاده از یک محصول به معنای قبول نتایج آن نیست:

«گرفتن پایه‌های یک علم از یک مجموعه‌ی خارج از محدوده‌ی مورد قبول ما، به معنای قبول نتایج آن نیست. مثل این می‌ماند که شما یک کارخانه را وارد می‌کنید، آن‌ها با این کارخانه یک چیز بد درست می‌کرده‌اند، حالا شما با آن کارخانه، یک چیز خوب درست می‌کنید؛ هیچ اشکالی ندارد.»^۱

از این رو می‌توان به تلفیق علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی بر اساس مبانی و روش‌های صحیح و برهانی پرداخت:

«تلفیق بین علوم انسانی غربی و علوم انسانی اسلامی، اگر به معنای مجذوب شدن، دلباخته شدن، مغلوب شدن و جوّ زده شدن در مقابل آن علوم نباشد، قبول داریم و اشکال ندارد. ببینید در علوم انسانی، تفکر ایمانی و میراث عظیم و عمیق شما، به شما چه می‌گوید. شما به مبانی خودتان نگاه کنید؛ ما تاریخ، فلسفه، فلسفه‌ی دین، هنر و ادبیات، و بسیاری از علوم انسانی دیگری که دیگران حتی آن‌ها را ساخته‌اند و به صورت یک علم در آورده‌اند - یعنی یک بنای علمی به آن داده‌اند - مواد آن در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی خود ما وجود دارد. باید یک بنای این‌چنینی و مستقل بسازیم.»^۲

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

۲. همان.

■ گفتار دوم: بایسته‌های تحول و تولید علوم انسانی

با توجه به ضرورت تولید علوم انسانی، هنوز تحول و تولید علوم انسانی مسئله و دغدغه‌ی جامعه علمی ایران نشده است؛ از این رو حرکت متناسبی از جانب اندیشمندان و متفکران جامعه در این زمینه صورت نگرفته است و باید با عزمی جدی به نوآوری، تولید علم و اجتهاد در علوم انسانی پرداخته شود که در ادامه بایسته‌های تولید علوم انسانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

بند اول: لزوم نظریه‌سازی و نظریه‌پردازی

یکی از لوازم تحول بنیادین و راه برون رفت از معضل علوم انسانی موجود نظریه‌سازی اسلامی است. در باب اهمیت این موضوع باید گفت که بسیاری از تحولات در حوزه‌های مختلف دانش اجتماعی به واسطه‌ی نظرات صاحب نظران علوم انسانی اتفاق می‌افتد.

«ما بایستی مسیر مشخص ایرانی - اسلامی خودمان را در پیش بگیریم و این را با سرعت حرکت کنیم؛ با سرعت مناسب. راه حلی که بر اساس این مقدمات وجود دارد، این راه حل را شما باید پیدا کنید. شما باید به نتیجه برسید، به این استنتاج برسید، اما آنچه که من می‌توانم به‌عنوان راهنمایی و راهبرد کلی به شما عرض کنم، تلاش و مجاهدت جوانانه و پیگیر است. شما که در دانشگاهید، فعالیت شما فعالیت دانشگاهی است؛ باید درس بخوانید، تحقیق کنید، به فکر نظریه‌سازی باشید. الگو گرفتن بی قید و شرط از نظریه‌پردازهای غربی و شیوه‌ی ترجمه‌گرایی را غلط و خطرناک بدانید. ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج داریم به نظریه‌سازی.»^۱

۱. بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.

بند دوم: لزوم فحص مواد و مفاهیم اساسی علوم انسانی مبتنی بر مبانی اسلامی

مواد و مفاهیم اساسی که بتوان بر اساس آن به نظریه‌سازی در حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های علوم انسانی پرداخت در فرهنگ عمیق اسلامی وجود دارد. بر این مبنا نخبگان دانشگاهی حقوق‌دان و حوزه‌های علمیه و علمای دین موظف‌اند که با مشارکت یکدیگر نظریات حقوق اسلامی را از متون اسلامی استنباط کنند و به اجتهاد در حقوق اسلامی نیز بپردازند:

«ما در زمینه‌ی علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی‌ای هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید و فراوری کرد، به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. البته در این قسمت، حوزه و استادان مؤمن و معتقد به اسلام می‌توانند با جستجو و تفحص، نقش ایفا کنند. حوزه‌های علمیه و علمای دین پشته‌هایی هستند که موظف‌اند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آن‌ها را در اختیار بگذارند، برای برنامه‌ریزی، برای زمینه‌سازی‌های گوناگون^۲ این‌جا از آن‌جایی است که ما باید به تولید علم برسیم.»^۳

۱. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸.

۲. بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.

۳. بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸.

بند سوم: علم حقوق عرصه‌ی مهم نظریه‌سازی در علوم انسانی - اسلامی

علم حقوق شاخه‌ای از دانش اجتماعی و علوم انسانی است که غایت آن تنظیم روابط اجتماعی، تمشیت امور و برقراری عدالت در جامعه است و این اهداف زمانی در جامعه ایرانی - اسلامی محقق می‌گردد که حقوق مبتنی بر مبانی و نظریات اسلامی طراحی گردد. در میان یکی از تکالیف مهمی که بر عهده حقوق‌دانان اسلامی قرار می‌گیرد این است که درباره مسائل حقوقی اسلام به‌طور عام و مسائل حقوق جزایی، حقوق قضایی، حقوق خصوصی و حقوق عمومی و سایر تخصص‌های میان رشته‌ای نظیر حقوق اقتصادی، اداری، فضای مجازی و... التفات نمایند و به نظریه‌سازی و آزاداندیشی در ابعاد مختلف نظام حقوقی اسلام بر پایه مبانی اسلامی بپردازند.

«حقوق اسلام جزء راقی‌ترین و پیشرفته‌ترین حقوق دنیاست؛ اسلام قوانین قضایی پیشرفته و متعالی‌ای دارد، این را همه کس می‌توانند ببینند. نگاه کنیم به آنچه که علمای اسلام در بلاد مختلف در طول این قرن‌ها درباره‌ی مسائل حقوقی اسلام، مسائل جزایی اسلام در مجموعه‌ی مسائل قضایی، در مسائل مربوط به آئین دادرسی تدوین کردند. این‌ها را وقتی نگاه کنیم، می‌بینیم یک مجموعه‌ی بسیار ارزشمند است. ما اگر در دنیای اسلام بر این مجموعه در طول این سال‌های متمادی متمرکز می‌شدیم، می‌توانستیم با توجه به قانون تحول و پیشرفت، آن‌ها را روز به روز راقی‌تر کنیم؛ ولی این اتفاق در دنیای اسلام نیفتاد. قدرت و قهر استعماری هم‌چنان که در مسائل سیاسی و اقتصادی بر امت اسلامی غلبه کرد، در مسائل فرهنگی و در مسائل حقوقی هم سلطه و غلبه‌ی خودش را بر کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی اعمال کرد و قضای ما شد یک

قضای فرنگی، غربی؛ بدون دلیل. این‌ها دردها و مشکلات دنیای اسلام است.^۱

علوم انسانی وظیفه دارد تا با اجتهاد مبتنی بر مبانی دینی و متناسب با نیازها و اقتضائات جامعه‌ی امروز، با استخراج دانش‌های لازم برای اداره انسان و اجتماع و حرکت فرد و جامعه به‌سوی مصالح دنیوی و اخروی زمینه را برای حرکت به سمت تمدن‌سازی نوین اسلامی و تحقق حیات طیبیه انسانی در سایه این تمدن، فراهم آورند. یکی از مهم‌ترین لوازم تحول در علوم انسانی، بازنگری در مبانی معرفتی علوم انسانی و به‌طور مشخص، مبانی قانون‌شناسی و حقوق است.

با بیان این مقدمات بازنگری در مبانی قانون‌شناسی و علم حقوق و ارائه تفسیری اسلامی از حقوق و قانون به‌عنوان محور و مدار نظم‌دهی اجتماعی از ضروریات تحول در علوم انسانی است. بر این اساس می‌توان به مبانی اسلامی و از آن جمله به نقش دانش فقه، فقه حکومتی و روش اجتهادی اشاره داشت که بر اساس مبانی فقه حکومتی به‌عنوان مبنای نظری تولید حقوق اسلامی بتوان به تولید حقوق اسلامی پرداخت.

اولین گام‌ها در عرصه نظریه‌سازی و تولید حقوق اسلامی تغییر رویکرد حوزه‌ها به رویکرد فقه حکومتی و هم‌چنین پرداختن جامعه دانشگاهی به دستاوردهای آن‌ها و سعی در تبیین بومی و دینی مفاهیم بنیادین و کلیدی علم حقوق می‌باشد. در حقیقت درک صحیح و عمیق مفاهیم بنیادین علم حقوق می‌تواند عناصر لازم را برای تولید این رشته فراهم آورد که در ادامه به تبیین نقش و جایگاه دانش فقه حکومتی و روش اجتهادی آن و هم‌چنین واکاوی و تبیین دو مفهوم «عدالت» و «آزادی»، که از جمله مفاهیم بنیادین و اساسی علم حقوق بشمار می‌روند، در منطق اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته می‌شود.

۱. بیانات در دیدار رؤسای قضایی کشورهای اسلامی، ۱۳۸۶/۱۹/۱۴.

■ فصل دوم: طراحی حقوق اسلامی مبتنی بر فقه حکومتی

مقوله‌ی نظام‌سازی و نظریه‌پردازی در حوزه‌ی حقوق اسلامی بر اساس مبانی فقهی محقق می‌گردد. علم فقه دانشی است که عهده دار تبیین احکام صادره در شرع برای تنظیم رفتار مکلفین است. هنگامی که عنوان فقه، وصف حکومتی به خود می‌گیرد موضوع و غایت آن نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد و انتظارات جدیدی از فقه متولد می‌شود. موضوع فقه مرسوم، رفتار فرد مکلف است و غایت آن نیز متناسب با موضوع تنظیم رفتار فردی مطابق با شرع مقدس در جهت رسیدن به سعادت اخروی است. در واقع برداشت مرسوم از فقه پیرامون افعال مکلف بحث می‌کند و با مقیاس فردی به مسائل نگاه می‌کند. طبعاً چنین مقیاس و رویکردی، توانایی پاسخگویی به مسائل مستحدثه و تناسبات کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی، و نظام‌سازی را نخواهد داشت، اما در مقابل موضوع فقه حکومتی گستردگی و شمول بیش‌تری نسبت به آن رویکرد فقهی دارد که صرفاً دستگاه فقه را متوجه موضوعات فردی می‌داند و از جهات متعددی با فقه رایج متفاوت است.

فقه حکومتی، شاخه‌ای از علوم و معارف دینی است که به بیان احکام و تکالیف مربوط به موضوعات حاکمیت و حکومت می‌پردازد. از این‌رو رهاورد فقه حکومتی، فقهی نظام‌ساز است؛ یعنی دانشی که معارف مربوط به نظامات اجتماعی یا آموزه‌های مورد نیاز برای اداره‌ی جامعه را از منابع دینی استخراج می‌کند و نیاز حکومت برای اعمال حاکمیتش که همان نظام‌سازی است را تأمین می‌کند. از طرف دیگر در هر تمدنی «علم حقوق» از آن جهت اهمیت می‌یابد که علم نظام‌سازی اجتماعی است و نرم‌افزار مدیریت رفتارها و روابط انسانی را غایت هدف خود قرار داده است. علم حقوق به مجموعه قواعد الزام‌آوری اطلاق می‌شود که از جانب مقام صالح برای تنظیم روابط جمعی وضع شده و نقض قواعد آن، ضمانت

اجرای مادی دارد. در حقیقت علم حقوق باید دستاوردهای فقه حکومتی را در قالب هنجارهای الزام آور اجتماعی وضع و ضمانت کند تا تحقق حکومتی یابد. لذا از این منظر دانشکده‌ها و محافل حقوقی با حوزه‌های علمیه مرتبط می‌گردند و می‌باید با استفسار و مطالبه از حوزه‌های علمیه و از طریق ارتباط گسترده با حوزه‌ها، مقدمات حرکت به سمت فقه نظام‌ساز و حکومتی را فراهم سازند.

با توجه به توضیحات مذکور نخست اهمیت دانش فقه حکومتی و لزوم پرداختن به استنباطات فقهی در اداره‌ی نظام اسلامی مورد اشاره قرار می‌گیرد، سپس به نقش فقه حکومتی به‌عنوان دانش حکومت‌داری در ابعاد مختلف علوم اجتماعی به‌خصوص علم حقوق پرداخته می‌شود و در پایان نیز لزوم نظام‌سازی اسلامی با ابتناء بر دانش فقه حکومتی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

■ گفتار اول: آسیب‌شناسی وضعیت کنونی فقه در حوزه‌های علمیه

بنداول: بی‌توجهی نسبت به پرداختن به فقه حکومتی در حوزه علمیه

یکی از تأثیراتی که جامعه‌ی ایرانی اسلامی در مواجهه‌ی با تمدن غرب پذیرفته، مسأله‌ی به‌انزوا رفتن دین و به‌طور خاص نقش فقه حکومتی در اداره‌ی جامعه است. به گونه‌ای که وجود این تفکر، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه‌ی حاکمیت چنین دیدگاهی، ضرورت تحول‌گرایی در استنباط از احکام دینی و فقه اسلامی در حوزه‌های علمیه به کنار رفت و به جای پرداختن به مسائل اصلی فقه مانند فقه حکومتی، بیش‌تر به مسائل فرعی فقه، بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه توجه شد.

«قرن نوزدهم که اوج تحقیقات علمی در عالم غرب می‌باشد، عبارت از قرن جدایی از دین و طرد دین از صحنه‌ی زندگی است.

این تفکر، در کشور ما هم اثر گذاشت و پایه‌ی اصلی دانشگاه ما بر مبنای غیر دینی گذاشته شد. علما از دانشگاه روگردان شدند و دانشگاه هم از علما و حوزه‌های علمیه روگردانیدند. در حوزه‌های علمیه سوء اثر گذاشت؛ زیرا علمای دین را صرفاً به مسائل ذهنی دینی - ولاغیر - محدود و محصور کرد و آن‌ها را از تحولات دنیای خارج بی خبر نگه‌داشت. پیشرفتهای علم از نظر آن‌ها پوشیده ماند و روح تحول‌گرایی و ضرورت تحول در فقه اسلام و استنباط احکام دینی در حوزه‌ها از بین رفت. حوزه‌ها از واقعیت زندگی و حوادث دنیای خارج و تحولات عظیمی که به وقوع می‌پیوست، بی‌خبر ماندند و به یک سلسله مسائل فقهی و غالباً فرعی محدود شدند. مسائل اصلی فقه - مثل جهاد و تشکیل حکومت و اقتصاد جوامع اسلامی و خلاصه فقه حکومتی - منزوی و متروک و «نسباً منسباً» شد و به مسائل فرعی و فرع‌الفرع و غالباً دور از حوادث و مسائل مهم زندگی، توجه بیش‌تری گردید.^۱

بند دوم: بی‌توجهی تاریخی به دین و فقه به مثابه‌ی قالب حکومت‌داری

در طول زمان، فقه شیعه با مقیاس فردی و غیر حکومتی مورد توجه قرار گرفته است و نگاهی که فقه را به مثابه‌ی قالب و شکلی برای حکومت‌داری در نظر بگیرد، وجود نداشته است. ریشه‌ی این امر را باید در عدم تشکیل حکومت اسلامی در گستره عظیمی از تاریخ شیعه جستجو کرد که باعث شده فقه در مقیاس اجتماعی مورد مذاقه قرار نگیرد و مسائل و موضوعات روزآمد در ارتباط با زندگی اجتماعی هرگز محل بحث و تبادل نظر در حوزه‌های علمیه نباشد.

«ما در طول زمان، به دین و فقه به‌عنوان قالب و شکلی برای

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹.

حکومت نگاه نکردیم. ما در دوران‌های گذشته، گروه محکومی بودیم؛ حکومت‌ها داشتند کار خودشان را می‌کردند؛ ما هم در این چارچوبی که حکومت‌ها تشکیل داده بودند و در این اتوبوس یا قطاری که حکومت‌ها مردم را سوار کرده بودند و به سمتی حرکت می‌دادند، در حالی که خودمان هم با این اتوبوس یا قطار حرکت می‌کردیم، می‌خواستیم چیزی در خصوص ارتباطات فردی افراد و مسافران به آن‌ها یاد بدهیم؛ فقه ما این‌طوری بوده؛ لاقلاً در این چند قرن اخیر این‌طوری بوده است.^۱

■ گفتار دوم: الزامات و بایسته‌های تحقق فقه حکومتی

بند اول: لزوم استنباط فقهی براساس فقه اداره نظام اسلامی

امروز با توجه به تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی ضرورت حرکت در مسیر طراحی «فقه نظام‌ساز» به نحو بسیار بارزی جلوه می‌کند به گونه‌ای که استنباطات فقهی در حوزه‌های علمیه باید بر اساس فقه اداره نظام صورت گیرد و در این میان نقش حقوق‌دانان اسلامی این است که به علم حقوق به مثابه‌ی نظام نهادساز اجتماعی توجه نموده و متناسب با رویکرد فقه حکومتی به نظام سازی حقوقی بپردازند:

«روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه‌ی شئون یک حکومت، و نظر به همه‌ی احکام فقهی با نگرش حکومتی - یعنی ملاحظه‌ی تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی - امروز یکی از واجبات اساسی در حوزه‌ی فقه اسلامی است که نظم علمی حوزه، امید برآمدن آن را زنده می‌دارد.»^۲

۱. بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

۲. بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.

تاکید بر استنباطات فقهی بر اساس فقه اداره‌ی نظام از این جهت است که بسیاری از مسائل مستحدثه در تناسبات کلان اجتماعی و حکومتی واقع شده که هنوز مورد بحث و تبادل نظر در حوزه‌ی مباحث فقهی قرار نگرفته. این در حالی است که فقه ظرفیت و توانایی تدقیق در این مباحث را دارد:

«امروز، خیلی از مسائل وجود دارد که فقه باید تکلیف این‌ها را معلوم کند؛ ولی معلوم نکرده است. فقه، توانایی دارد؛ لیکن روال کار طوری بوده است که فاضل محقق کارآمد، به این قضیه نپرداخته است؛ بسیاری از مباحث حکومتی، مبحث دیات، مبحث حدود و دیگر مسائل قضا برای دستگاه با عظمت قضاوت ما، حل فقهی نشده و تکلیفش معلوم نگردیده است. البته کسی در گذشته تقصیر نداشته است؛ چون قضا و دیات و حدودی نبود؛ ولی ما امروز تقصیر داریم.»^۱

بند دوم: لزوم نظام سازی مستمر مبتنی بر فقه حکومتی

طراحی نظام اسلامی بر پایه‌ی مبانی فقه حکومتی یک امر دفعی و یک‌باره نمی‌باشد بلکه امری تدریجی است که در گذر زمان نیازمند تصحیح و تکمیل نواقص آن است. بر این اساس یکی از تکالیف بسیار مهم حقوق دانان در جامعه‌ی اسلامی این است که به بازخوانی، بازاندیشی و بازسازی نهادهای اجتماعی بر پایه‌ی مبانی فقه حکومتی بپردازند و با نشان دادن آسیبها، ظرفیتها، راهکارها و موضوعات اساسی به نخبگان دانشگاهی و اساتید حوزه، مقدمات بازطراحی و بازسازی نظام را فراهم سازند.

«سابقه‌ی فقه سیاسی در شیعه، سابقه‌ی عریقی است؛ لیکن یک چیز جدید است و آن، نظام‌سازی بر اساس این فقه است؛ که این را امام بزرگوار ما انجام داد.^۲ امام بزرگوار، فقه شیعه را از دورانی

۱. بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی «ره»، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.

۲. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷.

که خود در تبعید بود، به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می‌خواهد نظام زندگی ملت‌ها را اداره کند و باید پاسخگوی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاند. نکته‌ی دومی که در این زمینه عرض می‌کنیم، این است که نظام‌سازی - که گفتیم امام بزرگوار ما بر اساس مبانی فقهی، نظام‌سازی کرد - یک امر دفعی و یکباره نیست؛ معنایش این نیست که ما یک نظامی را بر اساس فقه کشف کردیم و استدلال کردیم و این را گذاشتیم وسط، و این تمام شد؛ نه، اینجوری نیست. نظام‌سازی یک امر جاری است؛ روزه‌روز بایستی تکمیل شود، متمم شود.^۱

بند سوم: تدوین مقررات اسلامی مبتنی بر تحقیق و تنقیح مباحث فقهی

بنابراین وظیفه‌ی اصلی و مهمی که با نگرش حکومتی و اجتماعی به مباحث فقهی و حقوقی بر دوش حوزه‌ی علمیه قرار می‌گیرد این است که به استنباطات مباحث فقه با مقیاس حکومتی بپردازند و از طرف دیگر بر حقوق‌دانان لازم است که اهتمام خود برای تولید حقوق اسلامی را معطوف به دانش فقه حکومتی نمایند و قوانین و مقررات اسلامی را با تکیه بر این دانش تدوین نمایند:

«تشکیل نظام اسلامی که داعیه‌دار تحقق مقررات اسلامی در همه‌ی صحنه‌های زندگی است، وظیفه‌ای استثنائی و بی‌سابقه بر دوش حوزه‌ی علمیه نهاده است، و آن تحقیق و تنقیح همه‌ی مباحث فقهی‌ای است که تدوین مقررات اسلامی برای اداره‌ی هر یک از بدنه‌های نظام اسلامی بدان نیازمند است.»^۲

بر این اساس لازم است که حقوق‌دانان اسلامی دانش حقوق را به‌عنوان

۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۷/۰۶/۱۳۹۰.

۲. پیام به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۲۴/۰۸/۱۳۷۱.

دانش نظام‌ساز اسلامی در راستای تحقق اهداف تمدنی مورد مطالعه قرار دهند و با تکیه بر مبانی فقه حکومتی و با استفاده از ساز و کارهای دانش حقوق در راستای نظام سازی اسلامی نظریه‌پردازی نمایند.

■ فصل سوم: نمونه‌هایی از مفهوم‌سازی مفاهیم بنیادین در طراحی حقوق اسلامی (عدالت - آزادی)

اولین گام اساسی در عرصه‌ی نظریه‌پردازی، تولید و طراحی شاخه‌های علمی از جمله طراحی حقوق اسلامی، پرداختن به مفاهیم بنیادین و کلیدی آن می‌باشد. در حقیقت درک صحیح و عمیق مفاهیم بنیادین علم حقوق در اندیشه اسلامی می‌تواند عناصر لازم را برای طراحی این رویکرد علمی فراهم آورد. در این راستا بسیاری از مفاهیم هم‌چون مفهوم عدالت، آزادی، حقوق بشر، تکریم انسان و ... علی‌رغم برخورداری از یک اشتراک لفظی در اندیشه‌ی غربی و اندیشه‌ی اسلامی، دارای معنا و مفهوم متفاوتی در هر دو نظام فکری و اندیشه‌ای است. یکی از مشکلات اساسی این است که بسیاری از مفاهیم اسلامی متناظر با مفاهیم غربی ترجمه و معنا شده و ادبیات حاکم بر نظام اندیشه‌ای و دستگاه مفهومی غربی توسعه و ترویج پیدا کرده است. نتیجه‌ی عملی تفاوت این مفاهیم در نظام‌های حقوقی گوناگون آن است که ساختارهای حقوقی طراحی شده مبتنی بر این مفاهیم نیز تفاوت خواهد داشت. برای نمونه در نظام حقوقی مبتنی بر آزادی اسلامی اصل بر رعایت آزادی‌ها در چارچوب شریعت اسلام است. این قید ساختارهای حقوقی نظام سیاسی را به صورت بنیادین متحول خواهد کرد. از این جهت منظور از مفاهیم مذکور، مفاهیم برگرفته‌ی از منطق اسلام، قرآن و آن چیزی است که در اندیشه دینی معنا می‌یابد.

«من اول این را عرض بکنم؛ این مفاهیمی که گفته شد - مفهوم عدالت، مفهوم آزادی، مفهوم تکریم انسان - با معانی اسلامی

خودش مورد نظر ماست، نه با معانی غربی خودش. آزادی در منطق اسلامی معنایی دارد، غیر از آن معنایی که آزادی در منطق غرب دارد. تکریم انسان، احترام به انسان، ارزش دادن به انسانیت انسان در مفهوم اسلامی مغایر است با این مفهوم در معنای غربی و تلقی غربی. یکی از مشکلات ما در طول این سال‌ها این بوده که افرادی آمده‌اند مفاهیم اسلامی را با مفاهیم غربی ترجمه کرده‌اند، حرف‌های غربی‌ها را تکرار کرده‌اند، دنبال تحقق آن‌ها بودند؛ در حالی که انقلاب اسلامی برای این نیست. آزادی غربی در زمینه‌ی اقتصاد، همین مطالبی است که می‌بینید؛ همین «اقتصاد آدام اسمیتی» و رسیدن به این وضع دیکتاتوری اقتصادی موجود دنیا، که الان دارد انحلال و فروریختگی خودش را به تدریج نشان می‌دهد. مراد ما از آزادی که این نیست. آزادی انسانی به معنای آزادی اخلاقی بی‌بندوباری فرهنگی غربی نیست. ما نباید برای این‌که خودمان را در چشم غربی‌ها شیرین کنیم، دم از حرفی بزنیم که آن‌ها می‌زنند؛ که حرف غلط است، باطل است و امروز دارد بطلان خودش را نشان می‌دهد. ما از احترام به انسان، احترام به زن حرف می‌زنیم؛ این نیاستی اشتباه بشود با آنچه که در غرب در زیر این مفاهیم ترجمه می‌شود و گفته می‌شود و بیان می‌شود. مفاهیم اسلامی مورد نظر است؛ عدالت با معنای اسلامی خود، آزادی با معنای اسلامی خود، کرامت انسان با معنای اسلامی خود؛ که این‌ها همه در اسلام روشن است، مبین است. غربی‌ها هم برای خودشان یک حرف‌هایی دارند. در این زمینه‌ها، در این ارزش‌گذاری، راه آن‌ها، راه کج و منحرفی است. پس منظور ما مفاهیمی است برگرفته‌ی از منطق اسلام و قرآن و آنچه که در معارف اسلامی است.^۱

بر این اساس یکی از تکالیف اصلی حقوق‌دانان در عرصه‌ی نظر و

نظریه پردازی استخراج و تبیین مفاهیم بنیادین، مبنایی و اساسی علم حقوق است که به عنوان ستون‌های بنیادین تولید حقوق اسلامی قلمداد می‌گردد. بنابراین در این بخش به عنوان نمونه و به طور مصداقی به واکاوی و تبیین دو مفهوم از مفاهیم کلیدی، بنیادین و اساسی علم حقوق در منطق اسلامی می‌پردازیم.

■ گفتار اول: عدالت

بند اول: مفهوم عدالت

«یکی از پایه‌های ایمان عدل است. عدل یعنی هر چیزی را در جای خود قرار گرفتن. معنای لغوی عدل هم یعنی میانه. اعتدال هم که می‌گویند، از این واژه است؛ یعنی در جای خود، بدون افراط و بدون تفریط؛ بدون چپ روی و بدون راست روی. این هم که می‌گویند عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود، به خاطر همین است. یعنی وقتی هر چیزی در جای خود قرار گرفت، همان تعادلی که در نظام طبیعت بر مبنای عدل و حق آفریده شده، به وجود می‌آید.»^۱

برداشت ناصحیحی که بعضاً از عدالت در اذهان و حتی تعاریف مطرح می‌شود این است که عدالت به معنی یکسان شدن وضع همه مردم است، حال آن که این با حقیقت عدالتی که در نصوص دینی آمده در تضاد است.

«عدالت به معنای یکسان بودن همه‌ی برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان بودن فرصت‌هاست؛ یکسان بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند.»^۲

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰.

۲. بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰.

بند دوم: حق، شاخصه‌ی تفاوت بنیادین عدالت در اسلام و غرب

در تبیین مفهومی عدالت و تمییز آن از دیدگاه مکاتب غربی باید بیان نمود که مفهوم عدالت در اسلام ناشی از حق است و این تفاوت در منشأ، موجب اختلاف ماهوی عدالت در نظریه‌ی اسلامی آن است:

«مکمل این نکته این است که اساساً رویکرد نگاه اسلامی به عدالت، با رویکرد نظام‌های غربی و نظریه‌های غربی متفاوت است. در اسلام، عدالت ناشی از حق است؛ علاوه‌ی بر این، در عدالت «باید» وجود دارد؛ یعنی از نظر اسلام، عدالت‌ورزی یک وظیفه‌ی الهی است؛ در حالی که در مکاتب غربی این جور نیست. در مکاتب غربی به اشکال مختلف عدالت مطرح می‌شود، در هیچ کدام از این‌ها، نگاه به عدالت، یک نگاه بنیانی و اساسی و مبتنی بر ارزش‌های اصولی مثل دین و مثل اسلام نیست.»^۱

بند سوم: تفاوت مفهومی عدالت و قسط

باید توجه داشت که میان مفهوم عدالت و مفهوم قسط نیز تفاوت‌هایی وجود دارد:

«قسط با عدل فرق می‌کند. «عدل» یک معنای عام است. «عدل» همان معنای والا و برجسته‌ای است که در زندگی شخصی و عمومی و جسم و جان و سنگ و چوب و همه‌ی حوادث دنیا وجود دارد؛ یعنی یک موازنه‌ی صحیح. عدل این است؛ یعنی رفتار صحیح، موازنه‌ی صحیح، معتدل بودن، و به سمت عیب و خروج از حد نرفتن. این معنای عدل است. لکن «قسط» همین عدل در مناسبات اجتماعی است؛ یعنی آن چیزی که ما امروز از آن به «عدالت اجتماعی» تعبیر می‌کنیم. این غیر از آن «عدل» به

۱. بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷.

معنای کلی است.^۱

بر این اساس از آن‌جا که حکومت و قوانین ما اسلامی است، ملاک تحقق قسط و عدل نیز باید مبتنی بر قوانین مبین اسلام تعریف گردد:

«ملاک قسط و عدل چیست؟ حکومت و قوانین ما اسلامی است و طبیعتاً قسط و عدل جز با انطباق به قوانین اسلامی تحقق پیدا نمی‌کند. هرچه خلاف اسلام بود، عدل و قسط نیست، بلکه ظلم است. اصلاً ملاک عدل و اقامه‌ی آن، قانون است. اگر چیزی بر طبق قانون تحقق پیدا کرد، عدالت است و خلاف عدالت، آن است که برخلاف قانون انجام بشود.»^۲

البته تمام قوانین رایج در کشور، کاملاً اسلامی نیست و قوانین متناقض، مبهم و خلاف شرع وجود دارد که سبب بی‌اعتباری آن می‌گردد. از این رو، تکلیف حقوق‌دانان اسلامی این است که به تدوین قوانین مطابق با شرع پرداخته و نقایص فنی قوانین را با آگاهی از نگارش قوانین صحیح و مطلوب برطرف نمایند:

«در حال حاضر، ما قوانین متناقض و خلاف شرع و مبهم داریم. آنچه که خلاف شرع است، اعتبار ندارد. ملاک قانون، شرع است. اگر واقعاً در قوانین، نقصی داریم از این بُعد نقص را برطرف کنیم.»^۳

در نتیجه در عرصه‌ی نظریه‌پردازی استخراج و تبیین مفاهیم بنیادین و اساسی علم حقوق به‌عنوان ستون‌های تولید حقوق اسلامی قلمداد گردد. در این میان مفهوم بنیادین عدالت از مفاهیمی است که می‌تواند یکی از مؤلفه‌ها و عناصر سازنده حقوق اسلامی به شمار آید. با التفات به تفاوت معنایی این مفهوم در نظام اندیشه‌ای دینی و غربی این نکته قابل توجه است

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱.

۲. بیانات در دیدار مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۶۸/۰۶/۲۰.

۳. همان.

که این مفهوم به عنوان عنصری از عناصر سازنده دانش حقوق اسلامی باید مبتنی بر مبانی دینی مورد تدقیق قرار بگیرد. بر این اساس مفهوم عدالت در اندیشه اسلامی به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خود است به گونه‌ای که قوام آسمان‌ها و زمین شمرده شده و همه‌ی نظامات تکوینی و تشریعی وابسته به آن می‌باشد. وجه تمایز مفهوم عدالت از دیدگاه اسلامی و غربی آن است که این مفهوم در اسلام ناشی از مبانی حق می‌باشد و این تفاوت در منشأ، موجب اختلاف ماهوی عدالت در نظریه‌ی اسلامی می‌گردد. بنابراین یکی از رسالت‌های اصلی حقوق‌دانان اسلامی آن است که اولاً مفهوم عدالت را در اندیشه‌ی اسلامی مورد بررسی قرار بدهند ثانیاً با توجه به ماهیت این مفهوم در اندیشه دینی، به بررسی چگونگی ابتناء آن بر مبانی حق پردازند و ابعاد و لوازم نشأت گرفته از این مفهوم را به عنوان عنصری از عناصر کلیدی دانش حقوق اسلامی مورد بررسی قرار بدهند.

■ گفتار دوم: چگونگی تحقق عدالت

پس از درک چیستی مفهوم عدالت باید به چگونگی تحقق آن پرداخت. دراین باره می‌توان تحت سه عنوان الزامات نظری، الزامات گفتمانی و الزامات عملیاتی تحقق عدالت را مطالعه کرد:

بند اول: الزامات نظری الگوی عدالت جمهوری اسلامی

الف: استخراج مبانی نظری عدالت در اسلام

استخراج یک نظریه‌ی مبنا در عدالت به عنوان یک ضرورت تلقی می‌گردد که باید با رویکرد نوآورانه و با مراجعه به منابع اسلامی و استخراج نظریه‌ی ناب اسلامی در این باب مورد توجه قرار گیرد:

«در مرحله‌ی نظری، آنچه که ما می‌خواهیم به آن برسیم، رسیدن به نظریه‌ی اسلامی ناب در باب عدالت است. البته باید با نگاه متجددانه، با نگاه نوآورانه، به منابع اسلامی مراجعه کرد و آن

نظریه را از متن منابع اسلامی - در چهارچوب‌های علمی و فنی خودش، که بعضی از دوستان اشاره کردند - استخراج کرد. ما برای استنباط، شیوه‌ها، متدها و روش‌های علمی تجربه شده‌ی کاملاً حساب‌شده‌ای داریم؛ از این‌ها باید استفاده شود.^۱

نظریه‌ی ناب اسلامی در باب عدالت مبتنی بر مبانی و پایه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی است و این چارچوب‌های اندیشه‌ای و شناختی باید لحاظ شود تا هم به لحاظ نظری قابلیت پاسخگویی به جریان‌های معارض و رقیب را داشته باشد و هم مبتنی بر جهان‌بینی و اعتقادات ناب و صحیح اسلامی باشد:

«مثل همه‌ی موارد دیگر، آشنایی با نظرات دیگران می‌تواند در فهم متون اسلامی به ما کمک کند. در همه جا همین جور است، در بحث‌های حقوقی و فقهی ما هم همین جور است. ما وقتی با یک نظر بیگانه آشنا می‌شویم و ذهن ما آن اتساع لازم را پیدا می‌کند، از منبع اسلامی خودمان استفاده‌ی بهتر و کامل‌تری می‌کنیم؛ اینجا هم همین جور است. لیکن ما باید دنبال رسیدن به نظریه‌ی اسلامی ناب باشیم و از التقاط بپرهیزیم. البته بدیهی است که علت این‌که می‌گوییم نظریه‌ی اسلامی باید خالص و ناب باشد، این است که مسئله‌ی عدالت مبتنی است بر پایه‌ها و مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و پایه‌های اساسی؛ و اگر بخواهیم به نظریات غربی - که عمدتاً آن‌هاست - استناد کنیم، در واقع تکیه کردیم به مبانی فلسفی‌ای که قبول نداریم و نمی‌توانیم آن‌ها را بپذیریم، که همان نظرات هستی‌شناسی است.^۲ بنابراین در مرحله‌ی نظری و نظریه‌سازی، باید از منابع اسلامی و از متون اسلامی، نظریه‌ی ناب اسلام در باب عدالت به دست بیاید.»^۳

۱. بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، ۱۳۹۰/۲/۲۷.

۲. همان.

۳. همان.

ب: عدالت پژوهی به عنوان رشته تعریف شده علمی در حوزه و دانشگاه

یکی دیگر از الزامات نظری تحقق مسئله‌ی عدالت تأسیس رشته عدالت پژوهی به عنوان یک رشته‌ی علمی است تا به گونه‌ای مجزا مورد بحث و بررسی عالمانه و مجتهدانه قرار بگیرد تا بتوان مبتنی بر این نظریه زمینه‌های زایش نظریه حقوقی اسلامی به وجود آید:

«نکته‌ی دیگر یکی از مهم‌ترین کارها در عرصه‌ی نظری این است که ما عدالت پژوهی را در حوزه و دانشگاه به عنوان یک رشته‌ی تعریف شده‌ی علمی بشناسیم، که این امروز وجود ندارد؛ نه در حوزه وجود دارد، نه در دانشگاه. یعنی هیچ اشکال ندارد فرضاً در حوزه یکی از موضوعاتی که محل بحث قرار می‌گیرد، یک فقیه با روش فقیهانه بحث می‌کند، مسئله‌ی عدالت باشد. در باب عدالت اجتماعی بحث شود؛ بحث فقهی قوی. در دانشگاه یک دانش میان رشته‌ای به وجود بیاید و تعریف شود؛ بحث شود، کار شود، روی آن به طور مستقل سرمایه‌گذاری شود. به نظر من، این در عرصه‌ی نظری یک کار لازمی است؛ هم نظریه‌پردازی را گسترش می‌دهد، هم نیروهای توانمندی را در این عرصه تربیت می‌کند.»^۱

بند دوم: الزام گفتمانی الگوی عدالت جمهوری اسلامی

تا زمانی که گفتمان یک مفهوم بر جامعه حاکم نشود نمی‌توان انتظار داشت تا به سوی هدف تعیین شده پیش رود. فراگیری گفتمان عدالت موجب غنی‌تر شدن پشتوانه‌ی نظری و عملیاتی الگوی عدالت در میان مردم، مسئولان و به ویژه نخبگان حقوقی جامعه می‌شود:

«بحث عدالت بایستی به یک گفتمان نخبگانی تبدیل شود. باید این مسئله را دنبال کنیم و پیگیری این بحث را رها نکنیم؛ چون

زمینه خیلی زیاد است، نیاز خیلی شدید است. امروز که ما به بحث عدالت می‌پردازیم این دنباله‌ی همان دغدغه‌ی اساسی است؛ به این معنا نیست که در طول سال‌های متمادی، ما عدالت را نشناختیم یا نظام جمهوری اسلامی مطلقاً تعریفی از عدالت نداشته و حرکتی نکرده؛ نه، یک تعاریف اجمالی و کلی و یک قدر متیقن‌هایی همیشه وجود داشته؛ همه هم با آن‌ها آشنا بودند، کارهای زیادی هم - همین طور که عرض کردیم - انجام گرفته. لیکن امروز که ما این را داریم مطرح می‌کنیم، اولاً به این دلیل است که می‌خواهیم گفتمان عدالت، یک گفتمان زنده و همواره حاضر در صحنه باشد. در میان نخبگان، در میان مسئولان، در میان مردم، به‌خصوص در بین نسل‌های تازه، باید عنوان عدالت و مسئله‌ی عدالت، به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی، به‌طور دائم مطرح باشد [چرا که] محصول آن برای نسل کنونی و نسل‌های آینده، محصول باارزش و بشدت مورد نیازی خواهد بود. شاید لازم باشد بعدها از صاحب‌نظران دنیای اسلام هم استفاده کنیم. شاید در کشورهای دیگر صاحب‌نظرانی هستند که می‌توانند در جمع‌بندی نهایی و به سرانجام رساندن بحث عدالت، به ما کمک کنند.^۱

بند سوم: الزامات عملیاتی الگوی عدالت جمهوری اسلامی

مقتضی است که در جهت تحقق عدالت اجتماعی شروط و بایدهایی را در عمل ملتزم بود تا بتوان همه اجزای نظام را به گونه‌ای هماهنگ به‌سوی این هدف پیش برد. نحوه‌ی استفاده‌ی صحیح از بیت‌المال، انضباط اقتصادی، اولویت‌بندی در مصرف منابع مالی، پرهیز از تشریفات و اسراف، از جمله این شروط هستند.

«شاخصه‌ی اول «عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری» است. به زبان آسان است؛ اما در عمل بسیار کار دشواری است و مقدمات بسیاری لازم دارد. باید خیلی کار کرد تا این‌که عدالت تحقق پیدا کند؛ عدالت جغرافیایی، عدالت طبقاتی، عدالت در زمینه‌های مسائل اقتصادی، عدالت در زمینه‌های مسائل فرهنگی، عدالت در جایگزین شدن و جای گرفتن در مسئولیت‌ها و مناصب و عدالت در قضاوت‌های ما - نه فقط قضاوتی که قاضی در دادگاه می‌کند، بلکه داوری‌هایی که ما نسبت به اشخاص و قضایا می‌کنیم - این‌ها همه عدالت است و عدالت در آن‌ها نقش دارد. عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری به معنای همه‌ی این‌هاست.»^۱

هم‌چنین ایشان ویژگی‌های روحی هم‌چون ایمان به مبارزه با ظلم و تحقق عدالت، مجاهدت، شجاعت، صبوری و امیدواری را از جمله الزامات عملیاتی مسئولین بر می‌شمرند:

«این ظلم - ظلم جهانی - از سوی مستکبرین و قلدرهای عالم، تکلیفی را روی دوش ما می‌گذارد. آن تکلیف چیست؟ مبارزه با ظلم. کار ملت ما مبارزه با ظلم و جور و بی‌عدالتی و حق‌کشی و مردم‌کشی است. چگونه می‌شود این مبارزه را انجام داد؟ این مبارزه را با دست خالی از سلاح، شاید بشود انجام داد؛ اما با دست خالی از علم و معرفت و ایمان، نمی‌شود. با بیکاری و بیهودگی و هرزگی - خدای ناکرده - نسل‌های روبه‌رشد، نمی‌شود انجام داد. این مبارزه را با هشپاری کامل، با ایمان کامل، با تلاش همه جانبه از سوی قشرها - مخصوصاً قشرهای جوان و نوجوان - باید انجام داد و این، وظیفه معلمین است.»^۲

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶.

۲. بیانات در دیدار جمعی از معلمان و کارگران، ۱۳۷۱/۰۲/۰۹.

■ گفتار دوم: آزادی

مسئله‌ی آزادی در طول تاریخ همواره یکی از دغدغه‌های اصلی بشر در زندگی اجتماعی و سیاسی است. غایت‌القصوای دانش حقوق‌کوشش برای سامان بخشیدن به زندگی فردی یا گروهی انسان‌ها است و بر این مبنا مفهوم «آزادی» در درون دستگاه‌های نظری و جهان‌بینی‌های گوناگون، دارای معانی متفاوتی می‌شود. آزادی در دستگاه نظری سوسیالیسم یا دستگاه نظری لیبرالیسم دو معنای کاملاً متفاوت دارد و آزادی در اسلام نیز دارای معانی خاص و نظام مخصوصی است. بنابراین پاسخ به پرسش‌های مطرح در حوزه‌ی آزادی و نسبت آن با حقوق موضوع مهمی است که باید بر اساس منابع شرعی همانند قرآن و سنت و سیره‌ی معصومین، تحلیل و بررسی شود. بر این اساس در این بخش از کتاب به عنوان نمونه به منشأشناسی و مفهومشناسی آزادی و نسبت حق و آزادی در دیدگاه مقام معظم رهبری و تبیین رسالت اصلی حقوق‌دانان در این زمینه، پرداخته می‌شود.

بند اول: تفاوت بنیادین نظریه‌ی آزادی در اسلام و غرب

اندیشه‌های اسلامی و غربی در خصوص رویکرد به آزادی تفاوت جوهری و مبنایی دارند:

«تفاوت‌های جوهری بین نگاه به آزادی و نظریه‌ی آزادی در اسلام و در غرب وجود دارد؛ حالا به‌خصوص در غرب، لیبرالیسم را مطرح کردند؛ که البته مکاتب دیگر هم هست، لیکن همه‌ی در آن جهت شریک‌اند. بله، راست است؛ همین تفاوت‌هایی که آقایان گفتند، وجود دارد؛ لیکن مهم‌ترین تفاوت این است: در لیبرالیسم، منشأ آزادی، به‌عنوان حق یا به‌عنوان یک ارزش، عبارت است از تفکر انسان‌گرائی - اومانیسم - چون محور عالم وجود و محور اختیار در این عالم کون عبارت است از

انسان؛ آن‌ها می‌گویند انسان، محور است؛ یعنی در واقع خدای عالم وجود، انسان است و نمی‌تواند بدون قدرت انتخاب و بدون اراده، وجود داشته باشد. یعنی بدون اعمال اراده - که همان معنای دیگر آزادی است - امکان ندارد که ما فرض کنیم انسان، صاحب‌اختیار عالم وجود است. این، پایه‌ی بحث آزادی است. این، مبنای تفکر اومانیستی درباره‌ی آزادی است. در اسلام مسئله‌ی به کلی از این جداست. در اسلام مبنای اصلی آزادی انسان، توحید است. آن نقطه‌ی کانونی، توحید است. توحید فقط عبارت نیست از اعتقاد به خدا؛ توحید عبارت است از اعتقاد به خدا، و کفر به طاغوت؛ عبودیت خدا، و عدم عبودیت غیر خدا؛ این معنایش همان آزادی است. یعنی شما از همه‌ی قیود، غیر از عبودیت خدا، آزادید.^۱

در حقیقت در اندیشه‌ی غربی به خصوص در اندیشه‌ی لیبرالیستی، منشأ آزادی بر مبنای تفکر اومانیستی و انسان‌گرایی استوار است و لازمه‌ی انسان به مثابه‌ی محور و تصمیم‌گیرنده عالم نیز برخورداری از قدرت اختیار و اراده می‌باشد. اما در اندیشه‌ی اسلامی نقطه کانونی و مبنای اصلی آزادی انسان بر محور و مدار توحید استوار است و با محوریت اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت است که آزادی حقیقی معنادار می‌گردد.

بند دوم: ماهیت آزادی در اسلام

الف: آزادی و حق

«در اسلام آزادی امر فطری انسان است که به مثابه‌ی یک حق و تکلیف می‌باشد. آزادی یک حق است، اما حقی برتر از سایر حقوق؛ مثل حق حیات، حق زندگی کردن.»^۲

۱. بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳.

۲. بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی گروهی از دانشجویان، ۱۳۷۷/۶/۱۲.

ب: آزادی و تکلیف

«هم‌چنین در اسلام، آزادی آن روی سکه «تکلیف» است. اصلاً انسان‌ها آزادند، چون مکلف‌اند. اگر مکلف نبودند، آزادی لزومی نداشت؛ مثل فرشتگان بودند. اسلام آزادی را همراه با «تکلیف» برای انسان‌ها دانسته که انسان بتواند با این آزادی، تکالیف را صحیح انجام دهد، و به خاطر این است که مقوله‌ی آزادی مقوله‌ی اسلامی است؛ و باید به نتایج آن به‌عنوان یک حرکت اسلامی و یک تکلیف شرعی، معتقد باشیم.»^۱

بند سوم: محدودیت آزادی در اسلام

«در اسلام آزادی ریشه‌ی الهی دارد، بنابر منطق اسلام، حرکت علیه آزادی، حرکت علیه یک پدیده‌ی الهی است؛ یعنی در طرف مقابل، یک تکلیف دینی به وجود می‌آورد. مبارزه برای آزادی، یک تکلیف است؛ چون مبارزه برای یک امر الهی است. پس ببینید ما در بحث آزادی، اولین محدودیت را برای خودمان درست می‌کنیم. آن محدودیت چیست؟ عبارت است از این که ما نظر اسلام را می‌خواهیم؛ خودمان را محدود می‌کنیم به نظر اسلام و چهارچوب اسلامی. این، اولین محدودیت. در بحث آزادی.»^۲

بند چهارم: نسبت حق و آزادی از چهار منظر

در خصوص مسئله‌ی آزادی و بررسی نسبت آن با حق چهار منظر و رویکرد کلی می‌توان متصور بود:

«نکته‌ی دیگر این است که ما درباره‌ی آزادی، از چهار منظر می‌توانیم بحث کنیم: یکی از منظر حق، به اصطلاح قرآنی، نه

۱. بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲.

۲. همان.

به اصطلاح فقه و حقوق؛ که حالا مختصر توضیحی عرض خواهم کرد. یکی از منظر حق، به اصطلاح فقه و حقوق؛ حق، ملک، حق در قبال ملک. یکی از منظر تکلیف. یکی هم از منظر ارزش‌گذاری، نظام ارزشی.^۱

الف: آزادی به مثابه‌ی حق

بحث از آزادی از منظر حق در اصطلاح قرآن به معنای مجموعه‌ی نظام‌مند و هدف‌دار است که بر این اساس، عالم تکوین و عالم تشریع، هر دو حق هستند و آزادی انسان حق است و در مقابل باطل قرار می‌گیرد.

«به نظر من از همه مهم‌تر، آن بحث اول است که ما راجع به آزادی از منظر حق، به اصطلاح قرآنی عمل کنیم. حق در اصطلاح قرآن یک معنای عمیق و وسیعی دارد؛ که حالا آنچه به‌طور خلاصه و مجمل در دو کلمه شاید بشود یک معنای سطحی از آن داد، به معنای دستگاه نظام‌مند و هدف‌دار است. خدای متعال در آیات متعددی از قرآن می‌گوید: همه‌ی عالم وجود بر حق آفریده شده؛ بعد عین همین مسئله را درباره‌ی تشریع بیان می‌کند. در مورد تشریع می‌فرماید: «نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ»، «ارسلناک بالحقّ بشیرا و نذیرا»، «لقد جائت رسل ربنا بالحقّ». این معنایش این است که عالم تشریع، به حکمت الهی، صددرصد منطبق با عالم تکوین است. اراده‌ی انسان می‌تواند یک گوشه‌هایی از آن را خراب کند. البته چون منطبق با عالم تکوین است و جهت، جهت حق است - یعنی آنچه که باید باشد، حکمت الهی آن را اقتضاء کرده - لذا در نهایت، آن حرکت عمومی و کلی غلبه پیدا می‌کند بر همه‌ی این کارهای جزئیاتی که تخطی و تخلف و انحراف از این راه است؛ بنابراین تخلف‌هایی ممکن است انجام بگیرد. این عالم هستی است، این هم تشریع است. خب، یکی از مواد این عالم،

۱. برگزاری چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳.

اراده‌ی انسان است؛ یکی از مواد این تشریع، آزادی انسان است؛ پس این حق است. با این دید به مسئله‌ی آزادی نگاه کنیم، که آزادی حق است در مقابل باطل»^۱.

ب: آزادی به مثابه‌ی توانایی مطالبه

آزادی از منظر حق در «فقه و حقوق» به معنای توانایی مطالبه کردن می‌باشد و لازم است تا حقوق‌دانان به بررسی ابعاد و زوایای این رابطه بپردازند و ربط و نسبت حق و آزادی را مشخص نمایند.

«یک نگاه هم از لحاظ حق به اصطلاح حقوقی است، که عرض کردیم این توانایی مطالبه کردن را به او می‌دهد - یعنی دارای یک خصوصیتی است که می‌تواند چیزی را مطالبه بکند - که این تفاوت می‌کند با آن بحث اختیار در حق انتخاب در جبر و اختیار»^۲.

ج: آزادی به مثابه‌ی تکلیف

در خصوص آزادی از منظر «تکلیف» باید گفت که از این منظر، انسان باید به دنبال تأمین آزادی خود و دیگران باشد

«یکی هم مسئله‌ی تکلیف است، که آزادی را از دیدگاه یک تکلیف باید نگاه کنیم. اینجور نیست که بگوییم خیلی خوب، آزادی چیز خوبی است، اما من این چیز خوب را نمی‌خواهم. نخیر، نمی‌شود، باید انسان به دنبال آزادی باشد؛ هم آزادی خود، و هم آزادی دیگران؛ نباید اجازه بدهد که کسی در استضعاف و ذلت و محکومیت باقی بماند. امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) فرمود: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً»^۳.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

د: آزادی به مثابه‌ی ارزش

در پایان در رابطه با تحلیل رابطه‌ی حق و آزادی از منظر نظام ارزشی اسلام باید گفت که این رابطه به‌عنوان عنصر درجه‌ی اول در نظام اندیشه‌ای اسلام محسوب می‌گردد که باید به تحقیق و پژوهش در این زمینه پرداخته شود و نسبت آراء و اندیشه‌های غربی با اندیشه‌های اسلامی در خصوص آزادی مورد تحلیل قرار بگیرد.

«چهارمین نقطه‌ی هم ارزش است؛ که این در نظام ارزشی اسلام، از عناصر درجه‌ی اول است؛ البته همان آزادی‌ای که موجود است.»^۱

بند پنجم: راهکارهای تحقق آزادی اسلامی

الف: مسئله‌ی نخست؛ اثبات بومی بودن آزادی در اندیشه‌ی اسلامی و غرب‌زدایی از آن

مسئله‌ی نخست در مفهوم آزادی توجه به این نکته است که بر خلاف برخی از مفاهیم که خاستگاه آن در مغرب زمین مطرح می‌باشد، بحث از آزادی در میراث اسلامی کهن دارای قدمت طولانی است و مفهومی وارداتی از مغرب زمین نیست و در ذات اسلام، متون دینی و سیره‌ی معصومین نیز به مثابه‌ی اسلام مجسم وجود داشته است.

«یک نکته‌ی دیگر این است که - فقط نباید به دنبال این باشیم که اثبات کنیم بحث درباره‌ی آزادی، هدیه‌ی غرب و هدیه‌ی اروپا به ما نیست. چون گاهی برای این استفاده می‌کنیم، که آقا چرا بعضی از غرب‌زده‌ها می‌گویند این مفاهیم را اروپایی‌ها به ما یاد دادند؛ نه، قرن‌ها پیش از پیدا شدن این مباحث در اروپا، بزرگان اسلام این‌ها را گفته‌اند. خیلی خوب، این یک فایده است؛ اما فقط این نیست.»^۲

۱. همان.

۲. همان.

ب: تولید منظومه‌ی فکری آزادی

همان‌طور که بیان شد با توجه به منابع فراوانی که درباره‌ی آزادی در منابع اسلام وجود دارد، امروزه خلأهای فراوانی در باب آزادی مطرح است که باید با تفکر، اندیشه‌ورزی و هم‌چنین با مراجعه به منابع اسلامی در جهت پاسخ‌دادن به همه‌ی مسائل و سؤالات مطرح در مقوله‌ی آزادی و ارتباط آن با حقوق پرداخته شود و به سمت استخراج منظومه‌ی فکری در این باب حرکت گردد:

«ما باید به منابع مراجعه کنیم، برای این‌که بتوانیم آن منظومه‌ی فکری مربوط به آزادی را از مجموع این منابع بگیریم. در زمینه‌ی کار مربوط به آزادی، هیچ حرف نو، هیچ ایده‌ی نو، هیچ منظومه‌ی فکری نو - مثل منظومه‌های فکری که غربی‌ها دارند - به وجود نیامد. با این‌که منابع ما زیاد است، ما فقر منبعی نداریم - همین‌طور که دوستان اشاره کردند - یعنی واقعاً می‌توانیم یک مجموعه‌ی فکری مدون، یک منظومه‌ی کامل فکری در مورد آزادی - که به همه‌ی سؤالات ریز و درشت آزادی پاسخ دهد - تأمین کنیم. البته این کار همت می‌خواهد؛ کار آسانی نیست. ما این کار را نکرده‌ایم. ما در عین حال که منابع داریم، اما همان منظومه‌های فکری آن‌ها را آوردیم؛ امروز ما کمبود داریم، ما خلأهای زیادی داریم، شکاف‌های زیادی وجود دارد؛ و ضمن این‌که منابع داریم، منظومه‌ی فکری نداریم.^۱ ما باید برویم به سمت منظومه‌سازی؛ یعنی قطعات مختلف این پازل را در جای خود بنشانیم، یک ترسیم کامل درست کنیم؛ به این احتیاج داریم. این هم کار یک ذره، دو ذره نیست؛ کار یک جلسه، دو جلسه نیست؛ کار جمعی است و تسلط لازم دارد؛ هم تسلط به منابع

اسلامی، هم تسلط به منابع غربی؛ که عرض خواهم کرد.^۱

در نتیجه مفهوم بنیادین آزادی در هندسه‌ی معرفتی و اندیشه‌ی سیاسی اسلام، مفهوم، دلالت و منطق ویژه و منحصر خود را دارد که نقطه‌ی قانونی و مبنای اصلی آن بر محور و مدار توحید استوار است اما در اندیشه‌ی غربی به خصوص در اندیشه‌ی لیبرالیستی، منشأ آزادی بر مبنای تفکر اومانیستی و انسان‌گرایی تحلیل می‌گردد، از همین رو است که تفاوت جوهری در خصوص این مفهوم در نظام اندیشه‌ی اسلامی و غربی وجود دارد.

در نگاه مقام معظم رهبری می‌توان مسئله‌ی رابطه و نسبت حق و آزادی را از چهار منظر و رویکرد کلی مورد تحلیل قرار داد که در این میان آنچه مورد توجه مباحث حقوقی قرار می‌گیرد تحلیل ربط و نسبت مفهوم آزادی و حق از منظر حق با رویکرد فقهی - حقوقی و حق در مقابل تکلیف است که لازم است حقوق‌دانان به کاوش در ابعاد و زوایای این روابط بپردازند، چرا که یکی از اهداف حقوق محدود کردن آزادی‌ها و مرزگذاری بین آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد می‌باشد.

نکته‌ی دیگری که در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری مورد توجه است مسئله‌ی استخراج منظومه‌ی فکری در خصوص نسبت مفهوم آزادی با دیگر دانش‌ها و مفاهیم بنیادین هم‌چون مفهوم بنیادین حق و حقوق است. لازم است حقوق‌دانان در راستای منظومه‌سازی در این رابطه نظریه‌پردازی نمایند.

اشاره ای که به بررسی دو مفهوم آزادی و عدالت در اندیشه مقام معظم رهبری شد، نمایش نمونه‌ای از تلاش برای مفهوم‌شناسی دقیق‌تر مفاهیم بنیادین از نگاه اسلامی بود تا روشن گردد حتی رهبر کشور اسلامی نیز بنا به اهمیت این موضوع، به برخی مصادیق آن ورود کرده و سعی کرده توجه جامعه نخبگان کشور را به سمت چنین موضوعاتی جلب نماید. بدیهی

۱. برگزاری چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳.

است پرداختن دقیق و جزئی تر به این مفاهیم و سایر مفاهیم پایه‌ای در نظام‌سازی اسلامی وظیفه جامعه نخبگان کشور بوده و باید با در اولویت قرار دادن این موضوع، سعی در یافتن پاسخ‌های مورد نیاز کشور در این موضوعات نمایند.

بخش چهارم: لزوم ارتقاء بهره‌وری حقوقی نهادها

پس از روشن شدن هدف و مقدمات الزامی حرکت در مسیر اهداف و هم‌چنین اولین مرحله از حرکت حقوق‌دانان در جامعه اسلامی به منظور طراحی نظام مطلوب اسلامی، تکلیف عام حقوق‌دانان، لزوم ارتقاء بهره‌وری حقوقی هر نهاد یا مجموعه‌ای است که در آن مشغول به فعالیت می‌باشند. به بیان دقیق‌تر از یک حقوق‌دان به عنوان یک انسان متخصص و صاحب فن، در هر جایگاه و پست و مقامی چه انتظاری می‌رود و وی باید چه کارهایی انجام دهد تا منجر به ارتقاء بهره‌وری و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی ایران شود. بدین منظور در این بخش راه‌کارهای ارتقاء بهره‌وری حقوقی نهادها با محوریت و فرهنگ قانون‌گرایی، لزوم مبارزه با فساد و ضرورت نظارت بر عملکردها مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

■ فصل اول: لزوم توسعه و ترویج فرهنگ قانون‌گرایی

جوامع کنونی اقتضائاتی را به همراه دارند که مهم‌ترین آن فراگیری و حاکم بودن یک نظم حقوقی برای اداره‌ی امور جامعه است. حاکمیت نظم حقوقی در جامعه دائر مدار وجود «قانون» و صیانت از جایگاه آن می‌باشد. معنای قانون عبارت است از مجموعه قواعد و مقررات الزام‌آوری که برای ایجاد نظم عمومی و تنظیم روابط جمعی در جامعه، توسط مراجع ذی‌صلاح تصویب

و ابلاغ می‌گردد. با توجه به تعریف مذکور می‌توان نقش قانون را به‌عنوان محور و مدار نظم‌دهی اجتماعی در جامعه تلقی نمود. در این میان آنچه که باید مورد توجه نخبگان، متفکران و مسئولان حقوقی و عموم حقوق‌دانان کشور قرار گیرد، مسئله‌ی اهمیت «قانون» و نقش آن در نظم‌دهی جوامع، بایسته‌های «قانون» کارآمد، حاکمیت فرهنگ قانون‌گرایی در میان مردم، مسئولین و نهادهای نظام جمهوری اسلامی است. در این نوشتار نخست تبیین اهمیت قانون مورد مطالعه قرار می‌گیرد، سپس بایسته‌های قانون کارآمد مورد اشاره قرار گرفته و در پایان نیز به لزوم قانون‌گرایی و حاکمیت فرهنگ قانون‌گرایی در میان مردم، مسئولین و قوای سه‌گانه اشاره می‌شود.

■ گفتار اول: قانون به مثابه‌ی نرم افزار اداری کشور

قانون از جایگاه بسیار مهمی در اداره‌ی کشور برخوردار است و به‌عنوان نرم‌افزار اداره‌ی کشور محسوب می‌گردد. هنگامی که وضع قانون با رعایت معیارهای صحیح، جامع، فنی و مؤثر صورت گیرد، سبب می‌شود که دستگاه‌های اجرایی، که به‌عنوان سخت‌افزار تلقی می‌شوند، وظایف خود را به درستی انجام دهند. بنابراین یکی از رسالت‌های اصلی نهاد قانون‌گذاری این است که با آگاهی نسبت به اهمیت فوق‌العاده‌ی قانون، نسبت به وضع قوانین صحیح و کارآمد بپردازد. در این راستا نیز حقوق‌دانان می‌توانند به‌عنوان متخصصین موضوع قانون‌گذاری، هدایت‌گر و کمک کار این نهاد در ارتقاء وضعیت عملکرد آن باشند.

«قانون، نرم‌افزار اداره‌ی کشور است؛ دستگاه‌های اجرایی در حکم سخت‌افزارها هستند. اگر شما بتوانید این نرم‌افزار را هوشمندانه، صحیح، جامع، مؤثر در ابعاد گوناگون زندگی و پُرکننده‌ی خلأها فراهم کنید، سخت‌افزارها کار خودشان را درست انجام خواهند داد.»^۱

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.

■ گفتار دوم: لزوم التزام به قانون راه کار کارآمدی حقوقی نهادها

در تحقق اهداف نظام سیاسی التزام به رعایت قانون و قانون‌گرایی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. اهمیت علت این امر از آن رو است که اهداف و آرمان‌های یک ملت در قالب قانون تبدیل به بایدها و نبایدهای الزام‌آور اجتماعی می‌گردد و از همین‌رو قانون‌گرایی در حقیقت نوعی آرمان‌گرایی ساختارمند تلقی خواهد شد.

بند اول: دیکتاتوری، نقطه‌ی مقابل قانون‌گرایی

در باب اهمیت و لزوم قانون‌گرایی باید بیان نمود که نتیجه‌ی انقیاد در برابر قانون دیکتاتوری خواهد شد و اگر قانون‌گرایی ملاک عمل قرار نگیرد سبب شکل‌گیری دیکتاتوری در سطح جامعه می‌گردد:

«نقطه‌ی مقابل قانون‌گرایی و انقیاد در مقابل قانون، دیکتاتوری است. این هم دوستان حتماً می‌دانند و بدانند- اگر نمی‌دانند- که در زمینه‌ی روحی‌همه‌ی ما یک میل به دیکتاتوری وجود دارد؛ این را باید سرکوب کنید. همین طور که عرض کردیم، این فیل مست درون را با چکش قانون و دین و تعبد دائماً سرب‌راه‌راه نگه داریم.»^۱

بی‌اعتنایی به قوانین و نقض آن سبب می‌گردد تا نتایج نامطلوبی برای جامعه به وجود آید و باب قانون‌شکنی از طرف دیگران بدون حد و مرز تلقی گردد:

«من می‌خواهم به شما عنوان مسئولین مجریه‌ی کشور سفارش اکید بکنم که به قانون اهمیت بدهید. اگر چنانچه ما اینجا قانون را در مسئله‌ای خاص شکستیم و عمل نکردیم، صرفاً این نیست که یک قانون نقض شده باشد؛ بلکه معنایش این است که یک

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

راهی، یک خطی باز شد که این خط، دنباله خواهد داشت.»^۱

بند دوم: لزوم ترویج فرهنگ قانون گرایی

فرهنگ قانون مداری و التزام به قانون در تمام امور کشور باید به عنوان یک شاخص و فصل الخطاب تلقی گردد و حاکمیت و ظهور و بروز این فرهنگ در بدنه‌ی جامعه نیز باید از طرف نخبگان به ویژه نخبگان حقوقی صورت گیرد.

«یک مسئله‌ی دیگر هم مسئله‌ی فرهنگ قانون مداری در کشور است. ما واقعاً احتیاج داریم به این که قانون در تمام امور کشور، یک شاخص، یک محور، یک فصل الخطاب محسوب شود.»^۲

بند سوم: لزوم قانون گرایی مردم و مسئولین

با نگاهی به اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی ایران باید بیان نمود که اعتبار و ارزش مسئولان نظام جمهوری اسلامی در این نکته است که خود را مجری دین اسلام، متعهد به رعایت قوانین و قانون اساسی بدانند:

«رئیس جمهور و یکایک اعضای تصمیم گیر در این نظام، مسئول‌اند. اعتبار آن‌ها عبارت از این است که به وظیفه‌ی خود در مقابل خدا، مردم و قانون اساسی عمل کنند. در نظام اسلامی، اعتبار همه‌ی مسئولان به این است که خود را کمریسته‌ی دین خدا و مجری قوانین و متعهد به قانون اساسی بدانند. مردم این را می‌خواهند و انتخاب کرده‌اند»^۳

این موضوع تا آن حد مهم است که حتی در صورت نقص یا ایراد قانون، مقام معظم رهبری آن را لازم‌الاجرا می‌داند و معتقد است در این صورت نیز باید آن را رعایت نمود و از همان طرق قانونی برای اصلاح آن اقدام

۱. بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۰۶/۱۶.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

۳. بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری، ۱۳۸۰/۰۵/۱۱.

نمود:

«یکی مسأله‌ی رعایت قوانین است. قانون را اهمیت بدهید. قانون - وقتی که با ساز و کار قانون اساسی پیش رفت - حتمیت و جزمیت پیدا می‌کند. ممکن است همان مجلس یا دولت یا دیگران مقدماتی فراهم کنند که آن قانون عوض بشود - با طرح‌هایی که در مجلس می‌آید، با لویجی که دولت می‌دهد، با تصمیم‌سازی‌هایی که در بخش‌های مختلف انجام می‌گیرد - عیبی ندارد؛ اگر قانون نقص دارد، ضعف دارد و غلط است، عوض بشود؛ اما تا مادامی که قانون، قانون است، حتماً بایستی به آن عمل بشود و به آن اهمیت داده بشود.»^۱

بند چهارم: قانون‌گرایی؛ شاخصه‌ی دولت اسلامی

این موضوع تا آن حد اهمیت دارد که مقام معظم رهبری یکی از شاخصه‌های دولت اسلامی را مسئله‌ی قانون‌گرایی معرفی می‌کنند. ایشان معتقدند قانون به مثابه‌ی ریلی است که عمل به آن باید در مجموعه‌ی دستگاه‌های کشور و برای همه‌ی کارگزاران نظام اسلامی در هر سطحی نهادینه گردد تا در نتیجه عمل به قوانین بسیاری از آسیب‌ها از بین برود:

«شاخص [دولت اسلامی]، مسئله‌ی قانون‌گرایی است. خب قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - [قانونی] که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیش‌تر از ضرر عمل کردن به قانون [است]. در مجموعه‌ی دستگاه‌ها این باید نهادینه بشود.»^۲

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.

■ گفتار سوم: لزوم قانون‌گرایی نهادی در نظام جمهوری اسلامی ایران

علاوه بر آن‌که همهی افراد در هر سطح و جایگاهی باید خود را ملتزم به اجرای قوانین بدانند و به دنبال گسترش فرهنگ قانون‌گرایی باشند. نظر می‌رسد، تحقق امر قانون‌گرایی نیازمند به فرهنگ‌سازی نهادی به ویژه به وسیله‌ی قوای سه‌گانه است.

بند اول: قانون‌گرایی و قوه‌ی مقننه

یکی از ابعاد مهم قانون‌گرایی و رعایت قانون حضور مفید نمایندگان در مجلس شورای اسلامی است. مقام معظم رهبری این امر را جزء نشاط و تحرک مجلس تلقی می‌کنند که تأثیرات خاص خود را خواهد داشت:

«حضور مفید در محیط کار؛ این جزو علامت حیویت است. البته این‌هایی که من عرض می‌کنم، توقعات از مجموعه‌ی مجلس است؛ متنها مجموعه‌ی مجلس، متکی به افراد است. شخص شما اگر چنانچه در وقت کار مجلس یا در صحن علنی مجلس یا در کمیسیون حضور نداشته باشید، درست است که شما می‌گوئید من یک دویست و نودم هستم، اما خود این تأثیر خواهد گذاشت؛ هم به قدر وزن شخصی شما، هم به‌عنوان تأثیر روی دیگران.»^۱

یکی دیگر از ابعاد قانون‌گرایی قوه‌ی مقننه رعایت قانون در بعد نظارت است چرا که مجلس شورای اسلامی دو وظیفه‌ی اصلی قانون‌گذاری و نظارت را برعهده دارد و در باب نظارت باید بر این نکته تأکید کرد که نظارت درست شاخص‌هایی دارد و لازم است این شاخص‌ها مشخص و معین شود:

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

«دو وظیفه‌ی اصلی مجلس این‌هاست دیگر؛ در درجه‌ی اول، قانون‌گذاری، و بلافاصله مسئله‌ی نظارت درست. نظارت درست را می‌شود ترجمه کرد. نظارت درست شاخص‌هایی دارد؛ این شاخص‌ها را مشخص کنید. لازم نیست من این شاخص‌ها را بگویم؛ خود شما میدانید؛ این‌ها جزء معارف روشن و واضح ماست. نظارتهایی که ناشی از نیت‌های نادرست باشد، نظارت نادرست است. نظارت‌های جانبدارانه و ضد جانبدارانه، هر دو، نظارت‌های نادرست است. نظارتهایی که عمق‌یابی نمی‌کند، نادرست است. نظارت درست شاخص‌هایی دارد؛ این‌ها را باید مشخص کنید.»^۱

بند دوم: قانون‌گرایی و قوه‌ی قضاییه

الف: قانون؛ شاخص عدالت قوه‌ی قضاییه

اهمیت قانون‌گرایی در قوه‌ی قضاییه به فلسفه وجودی دستگاه قضایی باز می‌گردد، جایی که معیار و شاخص تحقق عدالت در دستگاه قضایی به واسطه‌ی عمل کردن به قانون محقق می‌گردد و انحراف از قانون، انحراف از عدالت محسوب می‌شود:

«در مورد قوه‌ی قضاییه آنچه که مهم است، این است که ما ببینیم قوه‌ی قضاییه برای چیست؛ آن را تأمین کنیم. همه‌ی کارها در این جهت باید باشد. قوه‌ی قضاییه برای عدل است، برای عدالت است. معیار و شاخص عدل هم عمل به قانون است. اگر عمل فرد، جمع، منطبق به قانون شد، این عدالت است؛ اگر از قانون انحراف پیدا کرد، این بی‌عدالتی است. و قانون هم در نظام اسلامی، قانون اسلامی است. البته در مجموعه‌ی قوانین ما ممکن است قوانینی باشند که صددرصد با احکام اسلامی منطبق

نباشند، یا قوانینی که از قبل مانده‌اند یا برخی قوانین دیگر، که این‌ها بایست اصلاح بشود.^۱

ب: قانون‌گرایی؛ اساس قوهی قضاییه

با نگاهی به فلسفه‌ی وجودی قوه‌ی قضاییه که حفظ قانون است می‌توان گفت که با وجود دو مؤلفه اقتدار قوه قضاییه و جلب اعتماد مردم به این دستگاه است که سبب می‌گردد از اجرای قانون تخطی صورت نگیرد، چرا که خدشه در اقتدار دستگاه قضایی مساوی با بی قانونی، هرج و مرج و تضییع حقوق ضعفا می‌باشد. رهبری در در این زمینه می‌فرماید:

«اساس قوهی قضاییه برای حفظ قانون است. امروز بحمد الله در کشور ما همه‌ی مسئولان دم از تبعیت از قانون می‌زنند. این امر بسیار مثبتی است؛ حفظ قانون، رعایت قانون. حفظ و رعایت قانون چگونه تضمین می‌شود؟ یک راه تضمین وجود دارد و آن، قدرت قوهی قضاییه است. کسانی که اقتدار قوهی قضاییه را آماج حملات خود قرار می‌دهند، بدانند که به بی قانونی و هرج و مرج و ابطال و تضییع حقوق ضعفا کمک می‌کنند.»^۲

ج: قانون‌گرایی و قوهی مجریه

در راستای وظیفه‌ی خطیر قوهی مجریه در زمینه‌ی اجرای قوانین این امر به وضوح ظاهر و آشکار است که وظیفه‌ی اصلی این قوه اجرای قوانین و مقررات است.

«به قوهی مجریه هم ما همیشه سفارش می‌کنیم؛ این حق عظیمی که در قانون برای مجلس قانون‌گذاری و برای کل قانون ملاحظه شده، باید از طرف مجریان رعایت شود.»^۳

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

۲. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷.

۳. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

بر این اساس عمل به قانون باید مبنای کار قرار گیرد:

«من معتقدم باید به قانون عمل کرد؛ چه به نفع ما باشد، چه به ضرر ما. خیلی از قوانینی که در مجلس تصویب می‌شود، ممکن است مورد قبول شما نباشد؛ خیلی از مصوبات دولت ممکن است مورد قبول شما و من نباشد؛ اما به همان چیزی هم که قبول نداریم، باید عمل کنیم، و این منطق دارد. منطق این است که قانون بد بهتر از بی‌قانونی و نقض قانون است. این که ما قانون را هر جا طبق میل ما از آب درمی‌آید، قبول داشته باشیم؛ هر جا نتیجه‌اش طبق میل ما از آب در نمی‌آید، قبول نداشته باشیم، منطقی نیست.»^۱

■ فصل دوم: لزوم مبارزه با فساد در نهادها

یکی دیگر از الزامات و بایسته‌های ارتقاء عملکرد حقوقی نهادها لزوم مبارزه با فساد است.

«امروز یکی از مهم‌ترین مسائل ما، مبارزه با فساد است. این را باید همه‌ی مسئولان کشور بفهمند. فساد یعنی چه؟ فساد یعنی این که کسانی با زرنگی، با قانون‌دانی، با زبان چرب و نرم و با چهره‌ی حق‌به‌جانب، به جان بیت‌المال این ملت بیفتند و کیسه‌های خود را پُر کنند.»^۲

در ادامه ابعاد گوناگون موضوع فساد در نهادها مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

۱. بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲.

۲. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

■ گفتار اول: فقدان فساد نشانه و شاخص حکومت اسلامی

برای شناخت جامعه‌ی اسلامی از غیر اسلامی، عدم وجود فساد به عنوان یک معیار و شاخصه مهم محسوب می‌گردد:

«دولت اسلامی‌یی که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آن‌ها داشت، تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف و میل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است.»^۱

این معیار و شاخصه تا آن‌جا دارای اهمیت است که مشروعیت مسئولان حکومت اسلامی بسته به مبارزه با فساد، تبعیض و وجود روح عدالت‌خواهی است:

«مشروعیت من و شما وابسته به مبارزه با فساد، تبعیض و نیز عدالت‌خواهی است. این، پایه مشروعیت ماست. الان درباره مشروعیت حرف‌های زیادی زده می‌شود، بنده هم از این حرف‌ها بلدم؛ اما حقیقت قضیه این است که اگر ما دنبال عدالت نباشیم، حقیقتاً من که این‌جا نشسته‌ام، وجود نامشروع خواهد بود؛ یعنی هرچه اختیار دارم و هرچه تصرف کنم، تصرف نامشروع خواهد بود؛ دیگران هم همین‌طور.»^۲

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/۰۶/۰۵۸.

■ گفتار دوم: آثار فساد در جامعه

گسترش و شیوع فساد در نظام اسلامی موجب بروز و ظهور مضرات گسترده‌ای خواهد شد از جمله‌ی مضرات فساد می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

«یکی این‌که خزانه‌ی این کشور که باید صرف مردم شود - صرف ساختن پُل و راه و سد و آبرسانی و آباد کردن روستاها و سامان دادن به زندگی مردم شود - به جیب یک نفر یا یک جمع خاص می‌رود.

ضرر دوم این است: کسانی که می‌خواهند با پول خود در کشور فعالیت اقتصادی کنند، وقتی دیدند از راه‌های نامشروع می‌شود این همه ثروت به دست آورد، آن‌ها هم تشویق می‌شوند که بروند کار نامشروع کنند. عده‌ای می‌گویند مبارزه با مفاسد اقتصادی موجب می‌شود که سرمایه‌دار، سرمایه‌گذاری نکند؛ اما من می‌گویم قضیه عکس است؛ اگر با فساد اقتصادی مبارزه نشود، هر سرمایه‌داری وسوسه و تشویق می‌شود که به جای وارد شدن به کار پُردردسر تولید و مقدمات آن و راه‌های طولانی دیگر، برود مشغول بند و بست و کارهای فساد انگیز شود.

ضرر سوم این است آدم فاسد برای رسیدن به هدف خود، با رشوه دادن و شیرینی دادن، عده‌ای را فاسد می‌کند؛ مدیران را فاسد می‌کند، مأموران را فاسد می‌کند، مأمور بانک را فاسد می‌کند، مأمور فلان وزارتخانه را فاسد می‌کند.

ضرر چهارم این است که وقتی پول و لقمه‌ی حرام در بین مردم و نخبگان و زبندگان رایج شد، گناه رایج می‌شود؛ «أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا»^۱. وارد شدن در میدان فساد مالی، مقدمه‌ی ورود به میدان فساد اخلاقی و فساد جنسی و فساد شهوانی و انواع و

۱. سوره اسراء، آیه ۱۶.

اقسام فسادهاست.

ضرر پنجم این که وقتی مدیران و مردمی فاسد شدند، به پایگاه دشمن خارجی تبدیل می شوند. دشمن خارجی از آدم های فاسد، برای اهداف سیاسی خود در کشور، خوب استفاده می کند.^۱

■ گفتار سوم: مبارزه با فساد نیازمند به جهاد همگانی

وجود فساد در جامعه ی اسلامی مشروعیت مسئولان حکومت را با چالش مواجه می سازد و زیان های فراوانی برای حکومت در پی خواهد داشت. از همین رو مبارزه با فساد امری ضروری و حیاتی محسوب می گردد. اما این مبارزه نیاز به اقدام همگانی است.

«مبارزه با فساد، یک جهاد همه جانبه است. من از مسئولان کشور خواش می کنم این جهاد عظیم را به اغراض سیاسی آلوده نکنند.»^۲

ذکر این نکته ضروری است که هر چند فسادستیزی موجب ارتقا حقوقی نهادهای حکومتی خواهد شد اما لازمه ی اصلی این امر سلامت مبارزه کنندگان با فساد است.

«مبارزه ی با فساد به صلاح احتیاج دارد؛ اول خودمان باید صالح باشیم؛ اهل فساد نباشیم تا بتوانیم با فساد حقیقتاً مبارزه کنیم.»^۳

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

۲. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.

۳. بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور، ۱۳۸۶/۰۴/۰۹.

■ فصل سوم: لزوم نظارت بر عملکردها

یکی از الزامات ارتقاء عملکرد حقوقی نهادها به ویژه در امر پیشگیری از تحقق فساد و اجرای کامل قوانین و مقررات از طریق نظارت بر عملکردها ممکن می‌شود. از همین‌رو نظارت بر نحوه‌ی عملکرد نهادها همواره مورد توجه صاحب‌نظران حوزه‌های گوناگون حقوق بوده است. علاوه بر این نظارت بر نحوه‌ی رفتار حکمرانان دارای مبانی دینی است.

■ گفتار اول: مبنای نظارت بر عملکردها

مهم‌ترین ریشه‌ی نظارت بر عملکردها امکان لغزش و خطای افراد در مقام انجام وظایف و مسئولیت‌های آنها است.

«هر انسانی بجز معصومین، در معرض لغزش و خطا قرار دارد که البته هر قدر رتبه کاری و حساسیت شغلی انسان بیش‌تر باشد، این لغزش خطرناک‌تر و گاه هلاکت‌بار است. بنابراین باید همیشه ناظری بر کارها و فعالیت‌های انسان وجود داشته باشد نظارت درونی و احساس حضور در محضر حق، مانع از تخلف انسان‌ها می‌شود. اما این عامل در همه انسان‌ها و به قدر کافی وجود ندارد. بنابراین نظارت بیرونی از اهم مسائل تمامی جوامع بشری است.»^۱

۱. دیدار مسئولان سازمان بازرسی با رهبر انقلاب، ۱۳۷۵/۱۲/۰۶.

■ گفتار دوم: گستره‌ی نظارت در جمهوری اسلامی ایران

از آن‌جا که امکان لغزش برای همه‌ی افراد وجود دارد، دامنه‌ی نظارت نیز باید بر تمام مسئولین گسترده شود.

«هیچ‌کس فوق نظارت نیست. خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه‌های مرتبط با رهبری. بنابراین همه باید نظارت شوند.»^۱

■ گفتار سوم: لزوم تعیین شاخص‌ها و معیارهای نظارت

به منظور تحقق کامل امر نظارت بر عملکرد نهادها باید برای نظارت شاخصه‌های دقیقی را تعیین نمود.

«نظارت درست را می‌شود ترجمه کرد. نظارت درست شاخص‌هائی دارد؛ این شاخص‌ها را مشخص کنید. لازم نیست من این شاخص‌ها را بگویم؛ خود شما می‌دانید؛ این‌ها جزو معارف روشن و واضح ماست. نظارت‌هائی که ناشی از نیت‌های نادرست باشد، نظارت نادرست است. نظارت‌های جانب‌دارانه و ضد جانب‌دارانه، هر دو، نظارت‌های نادرست است. نظارت‌هائی که عمق‌یابی نمی‌کند، نادرست است. نظارت درست شاخص‌هائی دارد؛ این‌ها را باید مشخص کنید.»^۲

۱. بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.

بخش پنجم: لزوم ارتقاء کارآمدی نهادهای حقوقی

در هر نظام حقوقی ساختارها و نهادهای حقوقی را می‌توان به مثابه‌ی ظرف اعمال حاکمیت، ارزش‌ها و آرمان‌های یک نظام حقوقی محسوب نمود. دستگاه‌ها، ساختارها و نهادهای اجرایی به مثابه‌ی سخت‌افزارهایی هستند که سبب عینی شدن و انضمامی شدن اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی می‌گردند. در این میان یکی از لوازم کارآمدی نظام حقوقی ایران، کارآمدی نهادها و ساختارهای آن است. بر این اساس یکی از پایه‌های بنیادین کارآمدی نهادها تحول در ساختارها یا فرایندها یا ارتقاء عملکرد آن‌ها با نگاه به اهداف، وظایف و مأموریت‌های نظام اسلامی است. به همین مناسبت در این بخش از کتاب به لزوم ارتقاء کارآمدی نهادهایی پرداخته شده است که ماهیت حقوقی بیش‌تری دارد و به طور خاص از حقوق‌دانان انتظار می‌رود نسبت به عملکرد این نهادها حساسیت و دقت نظر داشته باشند. در مبحث نخست ابتدا تبیین مبانی نظری ایجاد تغییر در ساختارهای حقوقی مبتنی بر اصول و مبانی اسلامی مورد مطالعه قرار گرفته، سپس در بخش‌های بعد بایسته‌ها و الزامات ارتقاء کارآمدی قوه‌ی قضاییه، قوه‌ی مقننه و شورای نگهبان به عنوان مهم‌ترین نهادهای حقوقی موجود به صورت مجزا مورد مطالعه قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین نهاد کلان دولت نیز می‌توانست از این منظر

مورد واکاوی قرارگیرد که با توجه به عدم وجود مطالب اختصاصی مرتبط با حقوق‌دانان در بیانات مقام معظم رهبری در خصوص این نهادها، بخش خاصی به این دو نهاد اختصاص داده نشده است.

■ فصل اول: مبانی نظری ایجاد تغییر در ساختارهای حقوقی

مسئله‌ی بازخوانی مستمر هویت و شاکله‌ی کلی انقلاب اسلامی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند:

«من امروز اینجا یک بازخوانی‌ای از هویت کلی و شاکله‌ی کلی انقلاب مطرح می‌کنم. برای خود ما هم مهم است. ما نمی‌توانیم سرمان را پایین بیندازیم و نفهمیم در دنیا چه می‌گذرد، همین‌طور جلو برویم. این جور حرکت کردن که انسان چشم و گوش بسته، بدون توجه، بدون نگاه به اطراف، بدون نگاه به واقعیت‌ها، بدون نگاه به افق‌های دوردست حرکت کند، غالباً به گمراهی و اشتباه منجر خواهد شد. پس خودمان هم باید یک نگاهی بکنیم، یک بازخوانی‌ای بکنیم.

من امروز بخشی از این بازخوانی را اینجا انجام می‌دهم. البته ان‌شاءالله این، برنامه‌ی کلی‌تر و عمومی‌تر ما خواهد بود. اگر به خودمان نگاه کردیم، دیدیم انحرافی در ما وجود دارد، ببینیم این زاویه در این مسیر ما کجا پیدا شده است؟ زاویه‌ی از خط مستقیم در چه نقطه‌ای به وجود آمده است؟ عامل آن چیست؟ این‌ها باید بررسی شود. سؤالهایی مطرح می‌شود. تا جایی که وقت باشد، من دو سه تا سؤال را عرض می‌کنم و درباره‌اش توضیح می‌دهم.

یک سؤال این است که مسئله‌ی پیری و جوانی نظام چگونه قابل تحلیل است؟ هر موجود زنده‌ای دوران جوانی‌ای دارد، دوران پیری‌ای دارد. وضع نظام اسلامی در این زمینه چیست و چگونه

خواهد شد؟ آیا نظام اسلامی پیر خواهد شد؟ فرسوده خواهد شد؟ از کارافتاده خواهد شد؟ برای این که چنین وضعی پیش نیاید، آیا راهی وجود دارد؟ اگر یک وقتی چنین حالتی پیش آمد، آیا علاجی برای آن متصور است و وجود دارد؟ این ها سؤالات مهمی است. این سؤالات باید در مراکز فکر و تصمیم گیری و تصمیم سازی - عمدتاً در حوزه و دانشگاه - بین اصحاب فکر مطرح شود؛ باید روی این ها فکر شود، بحث شود؛ شما جوان ها هم رویش فکر کنید.^۱

■ گفتار اول: ثبات و تحول در نظام اسلامی

نظام جمهوری اسلامی ایران نظامی است که در درون خود برخوردار از ثبات و در عین حال امکان تحول نیز می باشد. ثبات نظام از این جهت است که حرکت نظام اسلامی به سمت آرمان های اسلامی معین و مستمر می باشد و تحول نظام نیز از این جهت است که بستر و ظرف تحقق آرمان ها متغییر بوده و امکان تغییر در نظامات اجتماعی، نهادها و سازوکارها متناسب با آرمان ها وجود دارد. ایشان در این زمینه می فرمایند:

«نظام جمهوری اسلامی، هم ثبات دارد، هم تحول دارد. ثبات وجود دارد، یعنی حرکت، یک حرکت مستمری است به سمت آرمان ها؛ تذبذب و عوض کردن راه وجود ندارد؛ حرکت در خط مستقیم به سمت آرمان های معین است؛ اما سازوکارها عوض می شود.»^۲

نظام اسلامی آرمان هایش غیر قابل تغییر است؛ علت این است که آرمان ها، آرمان هایی فطری هستند. نگاه به این آرمان ها، نگاه هوس گونه و از سر هوس گذرا نیست؛ بلکه نیاز طبیعی و

۱. بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

۲. همان.

جوشیده‌ی از فطرت انسان است. نیاز به عدالت، نیاز به آزادی، نیاز به پیشرفت، نیاز به رفاه عمومی، نیاز به خُلقیات عالی، این‌ها نیازهای فطری انسان است. جامعه‌ی اسلامی یعنی این. ما دنبال این هستیم. این قابل تغییر نیست؛ اما نظاماتی که ما را به این‌ها می‌رساند، احیاناً قابل تغییر است؛ بستگی به این دارد که اقتضائات زمانه چگونه باشد. بنابراین اولاً نوسازی ممکن است، اما به معنای تجدیدنظر در آرمان‌ها نیست؛ زیرا این آرمان‌ها فطری است. دوم، نوسازی به معنای تغییر نظامات اولاً نوسازی نظام ممکن است، تغییر سازوکارها، تغییر سیاست‌ها، عملی است، ممکن است، در مواردی هم لازم است و مانع از تحجر است؛ منتها باید بر طبق اصول باشد. نکته‌ی سوم هم همین است که این تغییر باید بر اساس اصول باشد.

پس آرمان‌ها که شاکله‌ی کلی نظام از آن‌ها الهام گرفته، قابل تغییر نیست. نظام جمهوری اسلامی یک چنین نظامی است. با این نگاه، نظام فرسوده بشو نیست، متحجر بشو نیست، از راه‌بازمانده نیست و نخواهد شد؛ همیشه می‌تواند جوان باقی بماند.^۱

■ گفتار دوم: تغییر در سیاست‌های نظام مبتنی بر اصول اسلامی

به‌طور مثال یکی از ابعاد اصلی که امکان وقوع تغییر آن در نظام اسلامی وجود دارد، تغییر در سیاست‌های کلی حاکم بر نظام اسلامی است. البته این تغییرات باید بر اساس اصول و مبانی اسلامی صورت بگیرد. ایشان می‌فرمایند:

«سیاست‌ها هم همین جور. سیاست‌های نظام هم ممکن است تغییر پیدا کند؛ یک روزی یک سیاست اقتصادی در کشور حاکم باشد، یک روز دیگر به اقتضای نیازها، یک سیاست دیگر؛ منتها

هر دو باید از اسلام گرفته شده باشد. این تغییر هم بایستی مبتنی باشد بر اصول اسلامی.^۱

■ گفتار سوم: تغییر در ساختار و نهادهای مبتنی بر اصول و مبانی

اسلامی

مسئله‌ی دیگری که امکان وقوع تغییر در آن وجود دارد، تغییر در سازوکارها و نهادهای هایی است که برای تحقق اهداف و آرمان‌های تغییرناپذیر نظام اسلامی شکل گرفته‌اند. اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی، فطری هستند و امکان تغییر در آن‌ها وجود ندارد اما نظامات و نهادهای فطری جهت اعمال این اهداف متناسب با اقتضائات زمانه در چارچوب اصول اسلامی قابل تغییر می‌باشد:

«وقتی انسان اهداف و آرمان‌های نظام اسلامی را نگاه می‌کند - یعنی جامعه‌ی اسلامی با این خصوصیات - می‌بیند این‌ها هیچ وقت کهنه نمی‌شود. لیکن در راه رسیدن به این‌ها، آن حلقه‌ی قبلی، گفتیم دولت اسلامی است. دولت اسلامی، یعنی سازوکارها و نهادهای لازم برای ایجاد آن جامعه‌ی اسلامی؛ این‌ها چرا، ممکن است کهنه شود. ممکن است اقتضائات در دنیا جوری بشود که این سازوکار، این هندسه‌ی نظام، کامل نباشد، مطلوب نباشد، لازم باشد عوض شود؛ هیچ اشکال ندارد. نظام اسلامی این ظرفیت را دارد. اگر نظامی دنبال آن آرمان‌هاست، آن آرمان‌ها کهنه‌بشو نیست؛ اما سازوکارها، چینش این نهادهایی که می‌خواهد ما را به آن آرمان‌ها برساند، قابل نو شدن است.»^۲

۱. همان.

۲. همان.

اول: سیاست‌های کلی اصل ۴۴ نمونه‌ای از تحول

«البته نو شدن به معنای این است که اقتضائات بیرونی و واقعیت‌ها گاهی یک چیزی را اقتضاء می‌کند، یک روز چیز دیگری را اقتضاء می‌کند؛ یک نمونه‌ی عملی عینی‌اش همین سیاست‌های اصل ۴۴ در باب اقتصاد است. یک روز تقسیم منابع اقتصادی در کشور به آن شکلی بود که در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی آمده است. اسم آوردند؛ این نهادها، این بنیادها متعلق به بخش عمومی است، این‌ها متعلق به بخش خصوصی است - احصاء کردند، مشخص کردند - لیکن در ذیل همین اصل آمده است که این تا هنگامی است که به شکوفایی اقتصاد کشور کمک کند. معنایش چیست؟ معنایش این است که اگر شرایط جوری شد که این تنظیم و این ترتیب به شکوفایی و پیشرفت اقتصاد کمک نمی‌کند، می‌تواند تغییر پیدا کند؛ و تغییر پیدا کرد. این، همان جابه‌جا کردن خطوط هندسی نظام است. البته همین تغییر هم باید متکی به اصول باشد.»^۱

دوم: امکان تغییر یا تثبیت نظام ریاستی نمونه‌ای از تحول

امکان وقوع تغییر در شکل حکومت و نوع نظام از منظر ریاستی یا پارلمانی متناسب با شرایط و بافت نظام اسلامی وجود دارد و این مسئله‌ی اساسی یکی دیگر از تکالیفی اصلی که بر عهده‌ی حقوق‌دانان اسلامی قرار می‌دهد این است که در صورت ناکارآمدی شکل فعلی حکومت، شکل حکومت، نظامات و نهادهای نظام اسلامی باید متناسب با اصول و مبانی اسلامی نوسازی شود:

«امروز نظام ما نظام ریاستی است؛ یعنی مردم با رأی مستقیم خودشان رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند؛ تا الان هم شیوه‌ی

بسیار خوب و تجربه شده‌ای است. اگر یک روزی در آینده‌ای دور یا نزدیک - که احتمالاً در آینده‌های نزدیک، چنین چیزی پیش نمی‌آید - احساس بشود که به جای نظام ریاستی مثلاً نظام پارلمانی مطلوب است - مثل این که در بعضی از کشورهای دنیا معمول است - هیچ اشکالی ندارد؛ نظام جمهوری اسلامی می‌تواند این خط هندسی را به این خط دیگر هندسی تبدیل کند؛ تفاوتی نمی‌کند. و از این قبیل.»^۱

مطابق با همین مثال‌ها، مستمراً باید سازوکارها، فرآیندها و ساختارهای نظام در بخش‌های مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی و... مورد بازنگری و ارزیابی قرارگیرند و راه‌کارها، ساختارها و فرآیندهای جایگزین بررسی و تحلیل شوند تا در صورت یافتن ساختارهای کارآمدتر یا مناسب‌تر اقدام به جایگزینی و اصلاح فرآیندها و ساختارها نمود.

■ فصل دوم: ارتقاء کارآمدی قوه قضاییه

قوه قضاییه یکی از قوای سه‌گانه نظام جمهوری اسلامی است که پشتیبان حقوق فردی، اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت در جامعه می‌باشد. آرمان اصلی نظام جمهوری اسلامی در خصوص مسئله قضایا، ارتقاء قوه قضاییه و تحول ساختاری در چارچوب احکام و ارزش‌های اسلامی و وظایف مصرح در قانون اساسی است تا بتواند در راستای ایفای نقش خود در جامعه به‌عنوان قوه‌ای کارآمد در تراز انقلاب اسلامی عمل نماید. براین اساس در این بخش از کتاب نخست به اهداف و اهمیت ارتقاء قوه قضاییه پرداخته شده، سپس در گفتار دوم الزامات بازطراحی ساختار یا فرآیندهای قوه قضاییه مورد مطالعه قرار گرفته، در گفتار سوم نیز مبانی نظری ارتقاء این دستگاه مدنظر قرار گرفته و در پایان به بررسی بایسته‌ها و

خطی‌مشی‌های راهبردی ارتقاء آن پرداخته شده است.

■ گفتار اول: اهمیت جایگاه قوه قضاییه

با توجه به جایگاه قوه قضاییه در قانون اساسی باید بیان نمود که در صورت وجود کامل و کارآمد مؤلفه‌هایی هم‌چون سلامت، استقامت، نظارت، پیشگیری از جرم، تأمین امنیت و تأمین عدالت می‌توان تمام عیوب در بخش‌های مختلف مدیریتی و سازماندهی اداره کشور را با بهره‌گیری از ظرفیت‌های قوه قضاییه مرتفع نمود.

«آنچه امروز برای ما مطرح است، این است که قوه قضاییه در کشور ما نقش و جایگاه بی‌نظیر و ممتازی دارد... قوه قضاییه رکنی است که با سلامت و استقامت و صلاح آن، تمام عیوب در دستگاه‌های اجرایی و در بخش‌های مختلف مدیریت و سازماندهی اداره‌ی کشور و در سطح جامعه، به مرور از بین خواهد رفت. نقش قوه قضاییه در قانون اساسی این‌طور پیش‌بینی شده است.»^۱

بر همین اساس تحقق اهداف مذکور از این جهت حائز اهمیت است که نظام قضایی اسلام، کارآمدترین وسیله‌ی اجرای عدالت و قانون در جامعه است که از لوازم تحقق این امر نیز می‌توان به تقویت دانش قضایی و گزینش اشخاص صالح در مجموعه‌های قضایی و اداری، برنامه‌ریزی دقیق همراه با نظارت مستمر بر اجزاء این دستگاه، و نیز حفظ عزت و حرمت قضات اشاره نمود.

«برای دستگاه قضایی مهم‌تر از همه چیز، اجرای عدالت و قانون است و نظام قضایی اسلام کارآمدترین وسیله‌ی تحقق این هدف متعالی است. تقویت دانش قضایی و گزینش اشخاص صالح

۱. بیانات در دیدار با مسئولان قوه قضاییه و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۱۳۷۹/۰۴/۰۷.

در مجموعه‌های قضایی و اداری، و برنامه‌ریزی دقیق همراه با نظارت مستمر بر اجزاء این دستگاه بزرگ، و نیز حفظ عزت و حرمت قضات، لوازم اصلی برای تحقق آن مقصود به حساب می‌آیند.^۱

یکی دیگر از وجوه اهمیت قوهی قضاییه در نظام جمهوری اسلامی ایران نقش این نهاد در تحقق هدف متعالی عدالت است:

«اگر ما تشنه عدالتیم، تضمین تحقق عدالت، با سلامت و کارآمدی قوهی قضاییه میسر است.»^۲

■ گفتار دوم: هدف قوهی قضاییه

بند اول: هدف برتر قوهی قضاییه ایجاد نهادی کارآمد و سالم

در نظام جمهوری اسلامی، قوهی قضاییه باید دو هدف را پیگیری نماید. هدف نخست وجود سلامت در دستگاه قضایی و هدف دوم تحقق کارآمدی دستگاه قضایی.

«در قوهی قضاییه دو هدف اعلی را باید همیشه در نظر داشت؛ همه‌ی کارها باید در جهت این دو هدف اعلی انجام بگیرد؛ که اگر این دو هدف تحقق پیدا کرد، آن وقت محصول آن را جامعه‌ی اسلامی خواهد چشید. آن دو هدف، یکی عبارت است از سلامت قوه، دوم کارآمدی قوه. همه‌ی تلاش‌ها باید این باشد که این قوه تبدیل شود به یک مجموعه‌ی کاملاً کارآمد و کاملاً سالم.»^۳

۱. انتصاب آیت‌الله حاج سیدمحمود هاشمی شاهرودی به ریاست قوهی قضاییه، ۱۳۷۸/۰۵/۲۳.

۲. همان.

۳. بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان قوهی قضائیه، ۱۳۹۲/۴/۵.

بند دوم: اقتدار و اعتماد سازی ارکان تحقق اهداف قوهی قضاییه

قوه قضاییه برای موفقیت خود در تحقق اهداف خود، که همان حل و فصل اختلافات و تحقق عدالت در جامعه است، نیازمند دو رکن اقتدار و اعتماد سازی در بین مردم می‌باشد. رکن نخست یعنی اقتدار قوهی قضاییه به وسیلهی استحکام درونی، تربیت و به کارگیری نیروی انسانی شایسته، وضع قوانین درست، نظارت‌های مناسب و بهره‌گیری از پیشرفت‌های فنی و سازمانی محقق می‌گردد. و رکن دوم نیز با عمل دقیق و حکیمانه به قانون و تأمین عدالت در جامعه قابلیت تحقق دارد. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«قوهی قضاییه به دو عامل نیاز دارد تا بتواند موفق باشد. برای این‌که قوهی قضاییه در این هدف والا موفق بشود، به دو چیز احتیاج دارد: یکی قدرت و اقتدار - که باید قوی باشد - دوم، اعتماد؛ یعنی مردم باید به او اعتماد داشته باشند. قوهی قضاییه این دو چیز را نیاز دارد.

قوهی قضاییه با استحکام درونی، با تربیت و به کار گرفتن انسان‌های شایسته، فاضل، امین و درستکار، قوت و اقتدار پیدا می‌کند. با وضع قوانین درست، با نظارت‌های متناسب، با بهره‌گیری از پیشرفت‌های گوناگون فنی و سازمانی و استفادهی از همه‌ی دنیا، این اقتدار به وجود می‌آید.

رکن دوم - که اعتماد مردم است - با تأمین عدالت امکان‌پذیر خواهد شد، با عمل دقیق و حکیمانه‌ی به قانون تأمین خواهد شد.^۱

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوهی قضاییه، ۱۳۹۰/۰۴/۰۶.

■ گفتار سوم: ارتقاء جایگاه قوهی قضائیه آرمان جمهوری اسلامی

در نظام جمهوری اسلامی آرمان اصلی مسئلهی ارتقاء قوهی قضائیه است. ارتقاء قوهی قضائیه به معنای کفایت عدالت قضایی در کشور تلقی می‌شود و استقرار چنین امری این نتیجه را در پی دارد که مفاسد در جامعه برچیده می‌شود و افراد ناصالح از حضور در مراکز حیاتی جامعه ممنوع می‌گردند و به تبع آن افراد صالح در جایگاه شایسته‌ی خود قرار می‌گیرند.

«اگر ما بخواهیم همه‌ی آرزوهای خودمان را در مورد مسئله‌ی قضاء در کشور، در یک جمله خلاصه کنیم، این کلمه‌ی «ارتقاء قوهی قضائیه» محصول این خلاصه‌گیری است. ما باید قوهی قضائیه را به‌طور دائم ارتقاء ببخشیم. ارتقاء قوهی قضائیه به معنای کفایت عدل قضایی در کشور است؛ این هم ممکن نخواهد شد، حاصل نخواهد شد، مگر آن وقتی که انسان خروجی‌های آن را مشاهده کند.»^۱

لازمه‌ی ارتقاء عملکرد قوه قضائیه آن است که با قاطعیت، اعتماد به نفس و حرکت بر طبق موازین اسلامی، رسیدن به قله‌ی قضای اسلامی را پیشروی خود قرار دهد.

«اولین توصیه ما به قوه بسیار مهم و مؤثر قضایی این است که هدف را درست انتخاب کند؛ راه را بر طبق موازین انتخاب کند؛ قدم در آن راه بگذارد و با قوت و اعتماد به نفس و اتکال به خدا پیش برود و ملاحظه‌ی این را نکند که یک عده جوسازی و بدی و مودی‌گری و بی‌انصافی می‌کنند.»^۲

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوهی قضائیه، ۱۳۹۱/۰۴/۰۷.

۲. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷.

دلیل اهمیت ارتقاء قوهی قضاییه از این جهت است که اگر دستگاه قضایی سالم باشد و در آن به درستی احقاق حق صورت بگیرد اولاً پدیده‌ی جرم و وقوع آن در سطح جامعه ریشه‌کن می‌شود و ثانیاً سلامت این دستگاه باعث کارآمدی و سلامت سایر دستگاه‌ها اجرایی نیز خواهد شد از همین رو است که در تعالیم اسلامی در خصوص قضاوت و قاضی اهتمام فراوانی شده است.

«در تمام دنیا، قوهی قضاییه، ملاک و معیار سلامت جامعه است. اگر قوهی قضاییه‌ی سالم و دقیق و عامل به عدل و انصاف و مقررات اسلامی وجود داشته باشد، به مرور تمام دستگاه‌های کشور و جامعه‌ی اسلامی اصلاح خواهند شد. ممکن نیست که کشوری به سلامت کامل اجتماعی برسد، مگر آن‌که دستگاه قضایی سالم و بی‌عیبی به وجود آید.»^۱

■ گفتار چهارم: مبانی نظری ارتقاء قوهی قضاییه (الزامات فکری و ارزشی)

مبنای نظری ارتقاء دستگاه قضایی احیای مفاهیم اسلامی در حوزه‌ی قضا و ملاک عمل قرا گرفتن هرچه بیش‌تر معیارها و ارزش‌های اسلامی است چرا که حقوق واقعی انسان‌ها در سایه‌ی عدل و احکام اسلامی محقق و برآورده می‌گردد:

«از جمله مواردی که در دستگاه قضایی مورد توجه قرار گیرد، این است که باید مفاهیم اسلامی را به شکل شایسته‌ای زنده کنیم. امروز دروغگوها در دنیا پرچم‌های حقوق بشر بلند کرده‌اند و دغل‌کاران عالم زیر این پرچم‌ها و شعارها پنهان شده‌اند. حقوق بشر در سایه‌ی عدل اسلامی و احکام اسلامی تحقق پیدا

۱. بیانات در مراسم بیعت مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۶۸/۰۴/۰۷.

می‌کند؛ و در دستگاه قضایی، حقوق بشر باید هوشیارانه - نه با معیارها و ضابطه‌های دروغینی که امروز غرب ارائه می‌کند؛ بلکه با معیارهای اسلام - مورد دقت تمام قرار گیرد.^۱

«واقعاً اگر نظام اسلامی بتواند قوه‌ی قضاییه را آن‌چنانی که نظر اسلام است، آن‌چنانی که در منابع دینی و فقهی ما مطرح شده است، بسازد و سامان بدهد، اکثر مشکلات جامعه‌ی ما - و هر جامعه‌ای - برطرف خواهد شد؛ مشکلاتی که ناشی از طغیان‌هاست، ناشی از خودخواهی‌هاست، ناشی از تعدی‌ها و تعرض‌هاست، برطرف خواهد شد.»^۲

براین اساس دستگاه قضای اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران مجموعه‌ای کارآمد جهت احقاق حق به حساب می‌آید که کارآمدتر شدن آن مستلزم تقویت آن بر اساس مبانی شرعی و مقررات اسلامی است. در این رابطه تکلیف جدی که بر دوش حقوق‌دانان قرار می‌گیرد این است که به اسلامی‌تر نمودن بخش‌های سخت‌افزاری، ساختاری و نرم‌افزاری این قوه بپردازند:

«قوه قضاییه ما براساس شرع است. اگر براساس شرع نباشد، غلط است؛ چون نظام، نظام اسلامی است. هر بخشی از این قوه که شرعی نباشد، موافق با مقررات اسلامی قضا نباشد، آن بخش نه مایه‌ی افتخار است، نه موجب ثواب است و نه کارگشاست.

قضای اسلامی است که کارگشاست.»^۳

از سوی دیگر قوه‌ی قضاییه برای طراحی طرح کلی و سازماندهی خود خودکفا بوده و نیازی به استفاده از تجربیات و ابزارهای دیگران نیست؛ چرا که قوانین این دستگاه باید با اتخاذ از شرع مقدس استخراج گردد و

۱. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳.

۲. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۹۱/۰۴/۰۷.

۳. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۸/۰۴/۰۷.

عناصرش نیز باید عارف به حقوق و قضای اسلامی باشد:

«اگر ما در جمهوری اسلامی دستگاه‌هایی داریم که برای سازماندهی و قوانینش، از تجربیات یا ابزارهای دیگران استفاده می‌کنیم، اما دستگاه قضایی‌مان دستگاهی است که می‌توانیم ادعا کنیم در آن خودکفا هستیم و احتیاج به دیگران نداریم. این دستگاه، به واردات احتیاج ندارد. قانون این دستگاه، قانون شرع مقدس است. عناصر این دستگاه باید کسانی عارف به حقوق و قضای اسلامی باشند؛ که بحمدالله در کشور ما فراوان‌اند. لذا ما، خوشبختانه در دستگاه قضایی، عناصر برجسته و شخصیت‌های عالم و واقف و دانا به احکام دینی و مسائل شریعت اسلامی، کم نداریم.»^۱

■ گفتار پنجم: بایسته‌ها و خط‌مشی‌های راهبردی ارتقاء دستگاه

قضایی

بند اول: سازماندهی قضای اسلامی بر اساس الگوی تصحیح فرد و ساختار

سازماندهی دستگاه قضای اسلامی با تکیه بر اصلاح نیروی انسانی و نظام قضایی می‌باشد. اهمیت این موضوع در حدی است که یکی از شرایط قضاوت، مسئله‌ی وجود عدالت قاضی قرار داده شده است:

«بنای سازماندهی قضای اسلامی، بر این دو نکته است: تصحیح فرد و تصحیح نظام قضایی. این، از همه‌چیز بالاتر است. لذا فرد را عادل انتخاب کرده‌اند. قاضی باید عادل باشد.»^۲

۱. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳.

۲. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳.

بند دوم: برابری شمول قوانین قضایی، لازمه‌ی اصلاح دستگاه قضایی

شرط اساسی دیگر اصلاح دستگاه قضایی این است که قوانین و مقرراتی که قضاوت بر اساس آن‌ها انجام می‌گیرد عام‌الشمول بوده و نسبت به همه‌ی افراد یکسان باشد و تبعیضی وجود نداشته باشد.

«دستگاه قضا باید کوشش کند که هرچه در وسع و توان بنی‌آدم است، با کسری‌ها و کمبودهایی که بالاخره در کار انسان‌ها هست، به سمت کمال دستگاه و سیستم قضا و تشکیلات قضایی پیش برود؛ و این نمی‌شود، مگر با رعایت کامل ضوابط و موازین اسلامی در امر تأمین عدالت، که یکی از عمده‌ترین عبارات از عدم تبعیض در شمول قانون کشور و قوانین قضایی است. من می‌خواهم عرض بکنم که اصلاح‌سازی دستگاه قضایی، در درجه‌ی اول به همین چیزهاست. ما کاری بکنیم که شمول قوانینی که قضاوت براساس آن‌ها انجام می‌گیرد، نسبت به همه‌ی افراد یکسان باشد و تبعیضی وجود نداشته باشد.»^۱

بند سوم: لزوم ارائه‌ی برنامه‌ی جامع (جهت ارتقاء دستگاه قضایی)

مهم‌ترین کاری که در قوه قضاییه باید انجام گیرد اقدام به تهیه و تدوین طرح کلی دستگاه قضایی اسلامی، عادلانه و منطبق بر پیشرفت‌های فنی و علمی است. طراحی این طرح کلی نیازمند برخورداری از تخصص کافی در حوزه‌ی حقوق، فقه اسلامی، آشنایی با قوه قضاییه، شناخت نیازهای واقعی جامعه، و ارزیابی صحیحی از وضعیت موجود و شناخت نقاط قوت و ضعف است. در این رابطه لازم است حقوق‌دانان اسلامی با توجه به شرایط تحقق این هدف سعی در تدوین طرح کلی دستگاه قضایی کنند:

«نکته‌ی دیگری که آن هم به نظر من مهم است و بحمدالله

۱. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۰/۰۴/۰۵.

کارهای خوبی شده است؛ من اطلاع داشتم و حالا هم فرمودند، طرح کلی یک قوه قضاییه صدرصد اسلامی و عادلانه و منطبق بر پیشرفت‌های فنی و علمی موجود دنیاست - طرح کلی قوه قضاییه که تهیه شده است - روی این کار باید خیلی سرمایه‌گذاری کرد. کار قضایی یک کار تخصصی محض است. کسانی که وارد میدان طراحی برای قوه قضاییه می‌شوند، باید از علم و تجربه و هوشمندی برخوردار باشند؛ هم حقوق بدانند، هم فقه اسلامی بدانند، هم با قوه قضاییه آشنا باشند، هم ارزیابی درستی از وضع موجود داشته باشند و نقاط قوت و ضعف آن را بدانند، هم نیازهای جامعه را به درستی بشناسند و هم از نظر صاحب‌نظران گوناگونی که در حوزه و دانشگاه هستند، درباره مسائل قوه قضاییه، به‌خصوص مسائل کلان آن مطلع باشند. بر اساس این‌ها، این طرح به‌عنوان یک مجموعه کلی ریخته شود. این مهم‌ترین کار در قوه قضاییه است. اگر به فضل پروردگار این کار به خوبی و با استحکام کامل انجام گیرد، تا سال‌های متمادی قوه قضاییه می‌داند باید چه کار بکند؛ چه بخشی را احداث کند، چه بخشی را ترمیم کند، چه بخشی را اصلاح کند و چه بخشی را بردارد. بهترین متخصصان در این زمینه‌ها باید در رأس این کار باشند و درباره این مسئله نظر بدهند.^۱

بر این اساس قوه قضاییه برای ارتقاء و رسیدن به سر منزل اصلی خود نیازمند تهیه و تدوین برنامه‌ای جامع، کامل و همه‌جانبه است تا بتواند راه خود را به درستی طی کند. اهمیت این برنامه جامع تا حدی است که در صورت فقدان آن ممکن است پیمودن راه ممکن نباشد یا در صورت امکان با دشواری و تناقض‌های گوناگونی مواجه گردد:

«اگر قوه قضاییه برای ارتقاء خود، برای آن سرمنزلی که

۱. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷.

می‌خواهد به آن دست پیدا کند و برسد، یک برنامه‌ی جامع و کامل و دقیق و همه‌جانبه نداشته باشد، پیمودن این راه یا ممکن نیست و با تناقض‌های گوناگونی مواجه خواهد شد، یا بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین برنامه‌ی جامع لازم است»^۱

لازم به ذکر است که نکته اساسی بعد از تهیه و تدوین برنامه جامع، بازکردن مسیرهای عملیاتی نمودن این برنامه می‌باشد که این امر خود نیازمند تحقق مؤلفه‌هایی است.

«نکته‌ی اساسی این است که تهیه‌ی برنامه‌ی جامع، یک مسئله است؛ باز کردن مسیرهای تحقق و عملیاتی شدن این برنامه، یک مسئله‌ی دیگر است. نباید به مجرد این‌که برنامه تنظیم شد و ابلاغ شد، احساس آسودگی کنیم؛ بگوییم خب، این کار بزرگ انجام گرفت؛ نه، برنامه‌ی جامع، یک نسخه است؛ این نسخه باید پیچیده بشود، تکلیف اجزاء آن به‌طور دقیق مشخص بشود و مصرف بشود. در بخش‌های مختلف بایستی این پیگیری بشود تا این برنامه‌ی جامع تحقق پیدا کند و عملیاتی شود.»^۲

الف: با شتاب بودن حرکت

شرط اول در عملیاتی شدن برنامه‌ی جامع وجود شتاب در حرکت است. باید توجه داشت که شتابندگی امری متفاوت از شتاب‌زدگی است و منظور از آن این است که پیاده شدن برنامه با دقت و حوصله اما در عین حال بدون وجود تأخیر انجام شود.

«به نظر من، در عملیاتی کردن برنامه‌ی جامع و هر آنچه که در داخل این برنامه هست - که من به دو سه نکته‌ی دیگر اشاره خواهم کرد - لازم است شتاب صورت بگیرد. توصیه

۱. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷.

۲. همان.

به شتابزدگی نمی‌کنیم؛ اما شتابنده بودن حرکت، غیر از شتابزدگی است؛ با حوصله، با دقت، اما بدون تأخیر. یعنی «عدم تأخیر» را به‌عنوان یک اصل باید در کارها قبول کنیم.^۱

ب: استمرار در کار؛ لازمه‌ی ثمربخشی

شرط دیگر تحقق این کار تداوم و استمرار در انجام کار است به گونه‌ای که نتیجه بخش باشد و به سرانجام برسد.

«یک نکته این است که این کارها را باید استمرار دهیم تا به نهایت برسد. یکی از عیوبی که در طبیعت اغلب انسان‌ها کما بیش وجود دارد، این است که با عطش، خود را به یک حرکتی، به یک کاری می‌رسانند، اندکی که این عطش فرو نشست، از استمرار و تداوم کار باز می‌مانند. این نباید اتفاق بیفتد.»^۲

ج: لزوم تلاش دائمی و بی‌فقه در راه دستیابی به اهداف

یکی دیگر از بایسته‌های تحقق برنامه‌ی جامع در قوه‌ی قضاییه لزوم تلاش دائمی، خستگی‌ناپذیر و بی‌وقفه در راه دستیابی به اهداف برنامه است.

«بنابراین هدف باید ارتقاء قوه‌ی قضاییه باشد. به هیچ حدی نباید قانع شد، تا آن وقتی که برسیم به سقف مطلوب. باید به سقف مطلوب برسیم. و به نظر من اگرچه این راهی طولانی است، اما قابل وصول است.»^۳

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۹۱/۰۴/۰۷.

۲. بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰۴/۰۵.

۳. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۹۱/۰۴/۰۷.

■ گفتار ششم: بایسته‌های اجرایی تحقق نظام قضایی مطلوب

از دیدگاه مقام معظم رهبری مؤلفه‌ها و بایسته‌های دادگستری مطلوب نظام اسلامی این است که دارای ثبات در تشکیلات، پرورش عناصر کارآمد و مؤمن، بهره‌گیری از نظر و مشورت نخبگان قضایی، زمان‌بندی و اجرایی کردن برنامه تدوین شده، عدل و انصاف، قاطعیت و قانون‌مداری، دانش و هوشمندی، اصلاح و تهذیب، سنجیدگی و سرعت و درست‌کاری و رعایت امانت باشد.

«بی‌گمان برای رسیدن به دادگستری مطلوب نظام اسلامی که در آن عدل و انصاف، قاطعیت و قانون، دانش و هوشمندی، اصلاح و تهذیب، سنجیدگی و سرعت، درست‌کاری و امانت، همه در هم تنیده و به هم آمیخته است، هنوز مجاهدتی برنامه‌ریزی شده و فشرده لازم است و اینجانب امید و انتظار دارم که با پیوستن این دوره به مدت مسئولیت شما، راه بیش‌تری بدان سو طی شود. توصیه‌های اینجانب همان است که در حکم پیشین آمده و بر آن تاکید می‌ورزم. ثبات تشکیلات، زمان‌بندی و اجرایی کردن برنامه تدوین شده، پرورش عناصر کارآمد و مؤمن، سپردن سر رشته‌های اساسی به افراد شایسته و کاردان، اهتمام به مبارزه با فساد، بهره‌گیری از نظر و مشورت نخبگان قضایی، افزایش تعامل با دیگر قوا، اولویت‌های قوه‌ی قضاییه در این دوره است.»^۱

بند اول: اتقان احکام قضایی

مسئله‌ی اتقان، استحکام و مستدل بودن احکام دستگاه قضایی از جمله مهم‌ترین بایسته‌های اجرایی فرآیند قضا محسوب می‌شود. بنای قاضی در انشاء و استدلال در احکام و رعایت قانون باید به گونه‌ای باشد که با وجود نقد و نظر متخصصین حقوقی و فقهی، ضعف و خللی در حکم وارد نیاید:

۱. انتصاب آیت‌الله هاشمی شاهرودی به ریاست قوه‌ی قضاییه، ۱۳۸۳/۵/۲۲.

«یک نکته‌ی دیگری مسئله‌ی اتقان احکام است.^۱ احکام دادگاه‌ها بایستی مطلقاً از سهل‌انگاری و سهل‌گیری به دور باشند. شما به‌عنوان یک قاضی محترم، حکمی که صادر می‌کنید، باید جوری باشد که اگر این حکم بنا باشد در معرض دید متخصصین امور فقهی و حقوقی قرار بگیرد، شما هیچ دغدغه‌ای نداشته باشید؛ مطمئن باشید به این حکمی که صادر کرده‌اید.»^۲

بند دوم: استمرار در رایانه‌ای کردن پرونده‌ها و معلومات

«فرض بفرمایید که همین مجتمع کردن پرونده‌های قدیمی و تراکم کردن رایانه‌ای معلومات موجود در دستگاه قضایی، یا آنچه که امروز وجود دارد: مراجعات، حل و فصل‌ها، قوانینی که مرجع احکام هست، خود احکام، این‌ها را تدوین کنند، رایانه‌ای کنند، در دسترس قرار دهند، سهل‌الوصول و سهل‌التناول کنند. شروع این برنامه، کار مبارکی است؛ لیکن اثربخشی آن وقتی است که تا تاء تمّت این برنامه طی شود.»^۳

بند سوم: لزوم حل مشکلات زندان‌ها

یکی دیگر از بایسته‌های اجرایی قوه‌ی قضاییه، برطرف نمودن مشکلات زندان‌ها است. مدیریت زندان باید به گونه‌ای باشد که آموزشگاه نیکی‌ها گردد:

«نکته‌ی دیگر، مسئله‌ی حل مشکلات زندان‌هاست. خیلی مسئله را باید جدی گرفت. البته سیاست حبس‌زدایی - که جزو سیاست‌های رئیس محترم قوه بوده است و جزو این کارهایی است که تصمیم‌گیری شده و اقدام شده است - بسیار کار خوبی است؛ لیکن به هر حال وجود حبس و وجود زندان یک واقعیتی

۱. مشابه این سخنرانی در: بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۶۹/۴/۴.

۲. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۱/۰۴/۰۵.

۳. بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰۴/۰۵.

است. بایستی مدیریت ما در امر زندان جوری باشد که زندان به معنای واقعی کلمه آموزشگاه نیکی‌ها شود.^۱

بند چهارم: لزوم دقت در مجازات زندان‌ها

با توجه به نکات مذکور مسئله‌ی زندان از مسائل مهم در دستگاه قضایی است. زندانی کردن افراد یکی از مجازات‌هایی است که در قانون جزایی و فقه اسلامی وارد شده است. فلذا باید توجه گردد که در غیر از موارد مجازات محقق نگردد.

«یک مسئله‌ی مهم در مسائل قوه‌ی قضاییه، مسئله‌ی زندان‌هاست. زندان، یک مجازات است که در قانون جزایی ما هست، در مواردی در فقه اسلامی هم وجود دارد؛ ایرادی هم ندارد. ما باید کاری کنیم که اولاً این چیزی که به عنوان جزای عمل و مجازات برای افراد تحقق پیدا می‌کند، در غیر موارد مجازات، مطلقاً تحقق پیدا نکند.»^۲

هم‌چنین دستگاه قضایی باید تلاش کند که با اتخاذ تدابیر دقیق مجازات زندان‌ها را به حداقل برساند چرا که مجموعه‌ی زندان یک پدیده‌ی نامطلوبی است که تبعات آن دامنگیر جامعه می‌گردد و دارای آثار مضر برای زندانی و خانواده‌ی زندانی است اما به گونه‌ای که جنبه‌ی مجازاتی زندان نیز حفظ گردد:

«[ثانیاً] در مجموعه‌ی قوه‌ی قضاییه کاری کنید که مجازات زندان به حداقل برسد؛ این احتیاج دارد به تدبیر. البته تدابیری اتخاذ شده؛ بعضی درست، بعضی نادرست - که نمی‌خواهیم وارد جزئیات و مسائلش بشویم - لیکن مجموعاً زندان یک پدیده‌ی نامطلوب است؛ بنابراین سیاست قوه‌ی قضاییه را این قرار بدهید

۱. بیانات دیدار مسئولان قضائی کشور، ۱۳۸۷/۰۴/۰۵.

۲. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۹۱/۰۴/۰۷.

و دنبال کنید؛ فکر کنید، راه پیدا کنید، علاج جویانه؛ یکی باید این باشد که مسئله‌ی زندان حل شود؛ هم از جهت این که جنبه‌ی مجازاتی زندان تبدیل نشود به یک شیء دیگر؛ دوم این که هرچه ممکن است، مجازات زندان کاهش پیدا کند و تبدیل بشود به مجازات‌های دیگر، تا تبعات زندان دامن گیر جامعه نشود.^۱

بند پنجم: کادر سازی برای مناصب مدیریتی

مسئله‌ی مهم دیگر که از بایسته‌های اجرایی قوه‌ی قضاییه محسوب می‌شود، مسئله‌ی کادر سازی و تربیت انسان‌های صالح برای مناصب مدیریتی در دستگاه قضایی است که نیاز به سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دارد:

«یک مسئله‌ی دیگری که در قوه‌ی قضاییه هست... مسئله‌ی کادر سازی برای مناصب مدیریتی و مناصب بالای قوه‌ی قضاییه است؛ تربیت انسان‌های صالح، بخصوص برای مناصب مدیریتی؛ والا در مجموعه‌ی قوه، امر خیلی لازم و مهمی است. از حوزه‌ها، از دانشگاه‌ها باید استفاده بشود.»^۲

بند ششم: حضور مسئولان پاک و خوش سابقه در دستگاه قضایی

قوه‌ی قضاییه شایسته در نظام جمهوری اسلامی نیازمند انجام تلاش‌های فراوانی است که یکی از این تلاش‌ها جذب عناصر عالم، باسواد، باتقوا و مؤمن است. در شرایط فعلی مسئولان ارشد دستگاه قضایی مجموعه‌ی پاک، سالم و خوش سابقه و شجاعی هستند که باعث امیدواری در انجام صحیح کارها می‌گردند و شرط لازم این امیدواری نیازمند تحرک جدی و وسیعی است که به سرانجام بیانجامد:

«مجموعه مسئولان ارشد قوه‌ی قضاییه، مجموعه‌ی پاک، سالم،

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۹۱/۰۴/۰۷.

۲. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۹۱/۰۴/۰۷.

خوش سابقه، وارد و صمیمی‌اند؛ این چیزی است که انسان را امیدوار می‌کند. در سطح قوه هم بحمدالله قضات فاضل، روشن‌بین، شجاع و درست‌کردار کم نیستند؛ این‌ها همه حقایقی است که وجود دارد. به مرور زمان نقاط کور شناخته شده است، کارهای لازم دانسته شده است، برنامه‌ریزی‌های خوبی انجام گرفته است یا نیاز به آن‌ها احساس شده است؛ این‌ها همه امیدبخش است. لیکن زمینه‌ی وجود امید و خوشبینی باید منجر بشود به یک تحرک وسیع و جدی، برای این‌که این امید ثمر بدهد؛ واقع قوه‌ی قضاییه خودش را نشان بدهد.^۱

بند هفتم: استفاده از ظرفیت‌های وزرات دادگستری

یکی دیگر از بایسته‌های اجرایی قوه‌ی قضاییه در راه دستیابی به اهداف طراحی شده برای نهاد قوه‌ی قضاییه، استفاده از ظرفیت‌های وزارت دادگستری است.

«یکی هم مسئله‌ی ظرفیت‌های فعلیت نیافته است، از جمله خود وزارت دادگستری. خوشبختانه در قانون ظرفیت‌های خوبی برای وزارت دادگستری گذاشته شده است؛ از این ظرفیت‌ها باید استفاده شود.»^۲

بند هشتم: طراحی ساختاری پویا برای نهاد قضایی

در کنار مؤلفه‌های مذکور یکی دیگر از بایسته‌های دستگاه قضایی در عرض نیروی انسانی قوی، این است که به نوآوری و روزآمد کردن ساختارهای قوه قضاییه پرداخته شود. پویا نمودن ساختار قضایی بدین معناست که در عین ثبات و استقرار باید نگاه نقادانه به شیوه‌های دیوان‌سالاری غلط وجود داشته باشد:

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۸۹/۰۴/۰۷.

۲. بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰۴/۰۵.

«آن چیزی که اهمیتش از مسئله‌ی نیروی انسانی کمتر نیست، مسئله‌ی ساختار دیوانی قوه‌ی قضاییه است. دائم باید به دنبال نو کردن ساختارها و به‌روز کردن وضعیت قوه در مجموع ساختاری آن بود. عرض نمی‌کنیم که ما ثبات را از سازمان قوه‌ی قضاییه بگیریم؛ نه، ثبات و استقرار، در عین نگاه نقادانه به شیوه‌های دیوان‌سالاری غلط، که بعضاً میراث گذشته است و بعضاً تقلید از کشورهای اروپایی است، آن هم از روش‌های منسوخ آن‌ها.»^۱

در نتیجه در نظام جمهوری اسلامی ایران قوه‌ی قضاییه یکی از نهادهای حکومتی است که به دنبال تضمین حقوق فردی و اجتماعی، تحقق صلح، عدالت و امنیت در جامعه می‌باشد. در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری اهداف دستگاه قضایی به‌واسطه‌ی سلامت این نهاد و کارآمدی آن محقق می‌گردد و لازمه‌ی تحقق مؤلفه‌های مذکور نیز در گرو ارتقاء این دستگاه خطیر حکومتی می‌باشد. لزوم وجود دستگاه قضایی سالم و عامل به عدل و مقررات اسلامی و همچنین وجود ضمانت اجرایی در جهت تأمین حقوق مردم از زمره‌ی دلایلی است که اهمیت بازسازی و بازطراحی این دستگاه را در جهت ارتقاء آن نشان می‌دهد.

در اندیشه‌ی مقام معظم رهبری عطف توجه دستگاه قضایی به احیای مفاهیم اسلامی، طراحی قوه قضاییه مبتنی بر مبانی دینی و فقهی، لزوم اسلامی‌تر نمودن دستگاه قضایی و حاکمیت معیارها، احکام و ارزش‌های اسلامی در این نهاد حکومتی به‌عنوان مبانی نظری ارتقاء دستگاه قضایی محسوب می‌گردد و لازم است که حقوق‌دانان با توجه به این مبانی در راستای ارتقاء و حاکمیت مبانی و ارزش‌های اسلامی در این نهاد برآیند.

در اندیشه معظم‌له لزوم تهیه و تدوین طرح کلی و برنامه‌ی جامع، کامل و همه‌جانبه را می‌توان به‌عنوان بایسته‌ها و خط‌مشی‌های عملیاتی و راهبردی

۱. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضاییه، ۱۳۸۹/۰۴/۰۷.

ارتقاء قوهی قضاییه در نظر گرفت که لازم است حقوق‌دانان با در نظر داشتن مؤلفه‌های عملیاتی نمودن ارتقاء این دستگاه در راستای تحقق بایسته‌های دادگستری مطلوب نظام اسلامی و پویا نمودن ساختار دیوانی این دستگاه قدم بردارند و حوزهی نظری و عملی کارآمدی این نهاد خطیر را با محوریت قرار دادن مبانی اسلامی محقق سازند.

■ فصل سوم: ارتقاء کارآمدی قوهی مقننه

مجلس یکی از مؤثرترین و بالاترین مراجع تصمیم‌ساز در نظام جمهوری اسلامی ایران است. اصلی‌ترین اقدام این قوه نیز قانون‌گذاری است که ارتباط وثیق این نهاد با علم حقوق را به روشنی نمودار می‌سازد. در بخش حاضر نخست به اهداف قوهی مقننه خواهیم پرداخت، سپس بایسته‌ها و الزامات کارآمدی این قوه نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

■ گفتار اول: قانون‌شان ولایی و مؤثر در فرهنگ و تربیت

اسلامی

قانون‌گذاری یک شأن ولایی است که به جهت برخورداری از جنبه‌های الزام‌آوری و داشتن ضمانت اجرا از سوی حاکمیت، به شدت بر فرهنگ یک ملت تأثیرگذار است و می‌تواند عرف مردمی را نیز تغییر دهد. لذا تلاش و کوشش حقوق‌دانان در این حوزه به شدت در ارتقاء فرهنگ جامعه مؤثر خواهد بود. فرهنگ یک جامعه از قانون تأثیر می‌پذیرد لذا در مصادیق مهمی مانند عدالت و رفع تبعیض به صورت مستقیم می‌تواند نفوذ کند. دقت در قانون‌گذاری جهت مبارزه با فقر و اختلاف طبقاتی موضوعی است که باید در همه‌ی جوامع از سوی حقوق‌دانان مورد تدقیق و تحقیق قرار گیرد.

«یک نکته‌ی دیگر این است که قانون جنبه‌ی الزام‌آور و حاکمیتی و ولایتی دارد. شما با قانون دارید اعمال ولایت می‌کنید بر جامعه، اعمال اقتدار می‌کنید بر جامعه؛ لذا قانون الزام‌آور است. این‌ها به جای خود محفوظ و درست. یعنی طرف شما در جامعه که آحاد مردم - از جمله خود شما - هستند، در زیر اقتدار قانون قرار می‌گیرند؛ قانون بر آن‌ها اعمال ولایت می‌کند؛ این جنبه‌ی واضح قانون است. یک جنبه‌ی دیگری وجود دارد و آن، تأثیر فرهنگی و تربیتی قانون در جامعه است. هر قانونی که شما بگذرانید، ولو به حسب ظاهر این قانون ارتباط با مسائل تربیتی و فرهنگی هم ندارد - یک قانون اقتصادی فرض بفرمایید - این یک اثر مستقیم یا غیر مستقیم فرهنگی و اخلاقی و تربیتی بر روی مردم دارد. به این جنبه توجه کنید: تأثیر متقابل حقوق و اخلاق؛ ملازمات مسائل حقوقی و مسائل اخلاقی. این‌ها مسائل بسیار مهمی است.»^۱

بند اول: حفظ نظام اسلامی با قانون‌گذاری صحیح

قانون نرم افزار اداره‌ی کشور است و نمایندگان بیش از این‌که نماینده‌ی حوزه‌ی انتخابیه‌ی خود باشند، نمایندگان جامعه‌ی ایران هستند لذا باید بیش‌ترین توان خود را در حفظ نظام اسلامی به کار ببندند. حفظ نظام اسلامی هم فقط به معنای حفظ جغرافیای سیاسی ایران نیست؛ بلکه تشخیص اولویت‌ها در مواقع حساس و تصمیم سازنده ولو برخلاف رفاهیات یک بخش، می‌تواند از مصادیق حفظ نظام اسلامی باشند. حقوق‌دانان به‌عنوان عضو فرهیخته و آشنا با قانون و فرآیند قانون‌گذاری می‌توانند، از طریق تعامل فعالانه با نمایندگان در تحقق اهداف مطلوب قوه‌ی مقننه و حفظ نظام اسلامی با قانون‌گذاری صحیح به این مهم بیش‌تر جامعه عمل بپوشانند.

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

«برادران و خواهران! ما امروز در شرایطی خاص هستیم. نظامی به نام اسلام برافراشته شده و سر به آسمان کشیده است. این نظام، در مقابل حرکت قلدرانه و کافران و استبدادی قدرت‌های بزرگ ایستاده و سنگ راه آن‌ها شده است. این نظام، در دنیا یک الگوی بسیار درخشان و یک بنای سربرافراشته‌ای شده است. نگهداشتن این نظام، تلاش مخلصانه لازم دارد. این تلاش مخلصانه، در هر کس به گونه‌ای است. یک بخش از این تلاش مخلصانه، که خیلی هم مهم است، مربوط به نیروی قانون‌گذاری است. باید با اخلاص وارد شد و این بخش را تأمین کرد.»^۱

بند دوم: دفاع از هویت نظام اسلامی

هویت نظام اسلامی چیزی فراتر از فعالیت‌های تشکیلاتی قوا و مجموعه‌های حقوقی کشور است لذا قبل از هر اقدام و فعالیت تخصصی، دفاع از این هویت وظیفه‌ی حقوق‌دانان کشور است. هویت نظام اسلامی را می‌توان در پایه‌های ایمانی، اجرایی و فکری آن یافت و در برابر دشمنان باید از این هویت دفاع کرد. حقوق‌دانان در عرصه‌های حقوقی نیز دفاع از هویت نظام اسلامی را بردوش دارند. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

«وظیفه‌ی ما این است که از هویت انقلاب، اساس انقلاب و اساس این نظام دفاع کنیم و این نخواهد شد، جز این که در نظر داشته باشیم که وظایف ما در این قانون اساسی بحمدالله مترقی و جامع چیست.»^۲

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

۲. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

■ گفتار دوم: الزامات قوهی مقننه در حکومت اسلامی

بند اول: محوریت مبانی دینی

مبنای شکل‌گیری مجلس شورای اسلامی را نباید در اندیشه‌های اومانیستی غربی جستجو کرد، بلکه آن را باید ناشی از دستورات شریعت ناظر به مشورت و نقش مردم در اداره حکومت دانست. امر قانون‌گذاری نیز برخاسته و پدید آمده از ساختار امامت و امت در نظام اسلامی است و یکی از لوازم کارآمدی این قوه نیز انطباق آن با مقررات الهی و احکام اسلامی است. در این راستا طرّقی که در قانون اساسی در جهت اعمال ولایت الهی از جانب نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی معین شده، همان ولایت بر امر قانون‌گذاری است که این مهم نیز یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های حقوق‌دانان محسوب می‌گردد، چراکه لازم است حقوق‌دانان با نظرات کارشناسانه حقوقی خود، نمایندگان را در تحقق این مهم یاری نمایند:

«یک نکته را ما قبلاً به صورت زیربنایی مشخص کنیم که این قضیه‌ی نمایندگی از مردم در تفکر اسلامی، ریشه‌ی بسیار عمیقی دارد. قضیه‌ی این نمایندگی، قضیه‌ی پیروی کردن از عرف متداول دنیا و چون حالا در دنیا انتخابات هست، دموکراسی هست، ما هم برای این‌که از دنیا عقب نمانیم، نیست. مبنای فکری ما از آن قبیل نیست. ما یک مبنای روشنی داریم. در بینش اسلامی، ولایت متعلق به خداست؛ یعنی هیچ احدی بر دیگری ولایت ندارد. ولایت مال خداست. اگر خدای متعال برای این ولایت مجرای مشخص کرد و روشن کرد، این مجرا می‌شود همان مجرای الهی و مورد قبول و قابل اتباع، که این مجرا را خدای متعال مشخص کرده است؛ در اسلام مشخص شده است. قانون و اجرا بایستی با معیارهای خدایی و با مقررات الهی باشد؛ یعنی با احکام اسلامی یا با احکام مشخص یا با کلیات و آنچه که از اسلام دانسته شده و فهمیده شده است، منطبق باشد و معارض نباشد. بنابراین

ولایتی که امروز شما دارید - قانون‌گذاری، ولایت است - یک ولایت الهی است؛ ریشه در ولایت الهی دارد؛ برخاسته و پدید آمده از ولایت الهی است. این مردم‌سالاری دینی که ما می‌گوییم، معنایش این است؛ یعنی نماینده‌ی مجلس شورای اسلامی از این طریقی که در قانون اساسی برای مجاری اعمال ولایت الهی معین شده، یک ولایتی پیدا کرده است که این شد یک تکلیف. بنابراین آنچه که در مجلس شورای اسلامی تصویب می‌شود، برای من شخصی و نوعی واجب‌الاتباع است و بایستی بر طبق او عمل کنم. این مبنا، مبنای اسلامی است.^۱

بند دوم: محوریت مردم‌سالاری دینی

یکی دیگر از الزامات قوه‌ی مقننه در حکومت اسلامی آن است که مجلس شورای اسلامی مظهر مردم‌سالاری دینی است، یعنی در عین ابتناء بر مبانی اسلامی باید متکی به آرای مردم باشد و همین امر سبب شده که به‌عنوان الگوی موفق در جهان نمایان گردد.

«و اما در رابطه‌ی مسئولیت با آنچه محتوا و مضمون این مسئولیت است. البته وظایفی بر عهده‌ی انسان هست که اگر این وظایف را رعایت کنیم، همین چیزی که گفتیم، حاصل خواهد شد. مهم‌ترین چیزی که در باب مجلس شورای اسلامی وجود دارد، این است که این مجلس مظهر مردم‌سالاری دینی است هم «شورا» است، هم «اسلامی» است؛ هم انتخاب مردم است، هم جهت‌گیری اسلامی است، که در اصول متعدد قانون اساسی و در سوگند نمایندگی آشکار است. این الگو، بی‌نظیر است. مجلس، مهم‌ترین مظهر مردم‌سالاری دینی است.»^۲

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.

۲. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

■ گفتار سوم: الزامات نظری قانون‌گذاری کارآمد و حکیمانه

قانون‌گذاری و نظارت دو وظیفه‌ی مهم مجلس شورای اسلامی است که در میان این دو وظیفه، قانون‌گذاری وظیفه‌ی اصلی‌تر و اساسی‌تر محسوب می‌گردد، چرا که مسیر و ریل تصمیمات اجرایی کشور را مشخص می‌کند. البته نظارت بر سایر قوا هم وظیفه‌ی دیگری است که در نوبه خود مهم می‌باشد.

«مسئله‌ی قانون‌گذاری و مسئله‌ی نظارت، هر دو مهم است؛ البته مسئله‌ی قانون‌گذاری اساسی‌تر است. قانون، جاده‌ای است که شما به سمت هدف‌هایی که کشور و مدیران اجرایی و مسئولان باید به آن‌جا برسند، باز می‌کنید. قانون اساسی برای ما در همه بخش‌های خود هدف‌هایی را معین کرده است؛ هم در بخش حقوق مردم، هم در بخش تشکیلات دولتی، هم در سایر بخش‌ها. هر اصلی از اصول قانون اساسی در واقع هدف و سرمنزلی است که باید به آن رسید. برای رفتن به این سمت، حتماً لازم است جاده‌ای وجود داشته باشد؛ بدون جاده نمی‌شود حرکت کرد. دستگاه اجرایی کشور باید به سمت آن هدف‌ها برود.»^۱

بند اول: لزوم تنظیم و تدوین قوانین مبتنی بر شریعت اسلام

لازمه‌ی قانون کارآمد این است که براساس شریعت مقدس اسلام تنظیم گردد، چرا که شریعت اسلام تأمین‌کننده‌ی نیازها و سعادت مردم بوده و قوانین منطبق با شرع است که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای جامعه باشد و به هدف متعالی یک ملت، جامعه عمل بپوشاند:

«باید همه‌ی تلاش نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی این باشد که قوانین را صددرصد منطبق با شرع مقدس اسلام تنظیم کنند؛ زیرا شرع مقدس اسلام تأمین‌کننده نیاز و سعادت

۱. بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

مردم است؛ هم‌چنان که تا به امروز بوده است. بحمدالله قوانین جمهوری اسلامی جزو مترقی‌ترین قوانین و منطبق‌ترین آن‌ها با قوانین اسلامی است. قوانین اقتصادی و جزایی و قوانین گوناگون مربوط به مسائل حقوقی و ارتباطات و مناسبات گوناگون مردم با یکدیگر، براساس اسلام است.^۱

بند دوم: شناخت موضوعات و مصالح کشور

لازمه‌ی دیگر کارآمدی قانون‌گذاری در مجلس شورای اسلامی را می‌توان در ترسیم اهداف و شناخت موضوعات و مصالح کشور بیان کرد که در نظر گرفتن این امر سبب استحکام قوانین و کارآمدی بیش‌تر آن خواهد شد. مجلس شورای اسلامی به مثابه‌ی قوه‌ی مفکره‌ی دستگاه‌های اجرایی محسوب می‌شود و مصداق این هدف‌گذاری، ریل‌گذاری و شناخت مصالح کشور را می‌توان در مسائل فرهنگی یا اقتصادی نظیر رفع تبعیض مشاهده کرد.

«دستگاه اجرایی، اعم از قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضاییه و نیروهای مسلح و همه دستگاه‌هایی است که نهادهای دولتی هستند و بخشی از اداره‌ی کشور بر عهده آن‌هاست؛ این‌ها باید به سمت این هدف‌ها حرکت کنند. شما با وضع قانون، راه‌های صحیح را معین می‌کنید و دستگاه‌های پیش‌رونده را از غلتیدن در ورطه‌های خطرناک باز می‌دارید. عظمت و اهمیت قانون، این‌گونه معلوم می‌شود. بنابراین قانون‌گذاری، بسیار بسیار مهم است و هر چه قانون با نگاه آگاهانه‌تر و خبره‌تر و شناخت موضوعات و مصالح کشور بیشتر همراه باشد، استحکام آن بیشتر است. وقتی استحکام قانون بیشتر بود، کارایی آن بیشتر خواهد بود و مدت زمان بیشتری می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. بنابراین نقش

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۶/۴.

قانون خیلی مهم است.^۱

بند سوم: لزوم توجه به قانون اساسی در تدوین قوانین عادی

دین اسلام روح حاکم بر شکل‌گیری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. قانون اساسی به‌عنوان ترجمان خواسته‌ها و آرمان‌های ملت ایران، معیار تدوین سایر قوانین است. به گونه‌ای که قوانین، مقررات و سیاست‌های کلی نظام باید در چارچوب قانون اساسی تدوین گردد و مغایرتی با قانون اساسی نداشته باشد:

«روح حاکم بر قانون اساسی، اسلام است که معیار قوانین را تعیین می‌کند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ترجمان خواسته‌ها و آرمان‌های ملت ایران و نشان‌دهنده‌ی جهت و مسیر حرکت مردم و چارچوب کلی برای تدوین قوانین و سیاست‌های کلی نظام است.»^۲

انطباق سایر قوانین و مقررات با قانون اساسی از این جهت است که قانون اساسی به‌عنوان منشور اصلی جمهوری اسلامی ایران از یک طرف با توزیع صحیح، منطقی و عادلانه‌ی قدرت در میان ارکان و ساختارهای حقوقی کشور و از طرف دیگر با ایجاد پیوندی دینی و عاطفی بین مردم و مسئولان کشور، رویکرد جدیدی در فلسفه حقوق و سیاست ایجاد کرده است.

«منشور اصلی جمهوری اسلامی که قانون اساسی موقی و جامع ما است، با توزیع صحیح و منطقی و عادلانه‌ی قدرت در میان ارکانی که معیارهای اسلامی در تشکیل آن‌ها به کار گرفته شده، و با ایجاد پیوندی دینی و عاطفی میان مردم با مسئولان کشور، تازه‌ترین سخن را در فلسفه‌ی سیاسی به میدان آورده و نظام‌های متکی به سلاح کودتاگران، یا سرمایه‌های حرام کمپانی داران،

۱. بیانات دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

۲. نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰.

یا وراثت نامعقول و نامشروع پادشاهان را در برابر سؤال‌های بی‌پاسخ قرار داده است.^۱

دلیل دیگر انطباق قوانین و مقررات با قانون اساسی این است که، قانون اساسی انعطاف‌پذیر بوده و می‌تواند خود را با شرایط و تحولات زمانه منطبق نماید:

«یکی از ویژگی‌های ممتاز قانون اساسی، قدرت انعطاف و انطباق با شرایط و تحولات است و برای خروج از معضلات و تنگناها و استفاده‌ی بیش‌تر از نظرات افراد خبره و صاحب‌نظران راه‌حل‌های عملی ارائه نموده است.»^۲

در همین راستا باید توجه نمود که عمل به قانون اساسی علاج اساسی دردهای نظام اسلامی است، مشروط بر این‌که عمل‌کنندگان نیز در مقام عمل، اخلاص، مسئولیت و انجام وظیفه را ملاک و نصب‌العین خود قرار دهند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«عمل به قانون اساسی، علاج اساسی دردهای این کشور است. و عمل هم متوقف بر این است که عناصر عمل‌کننده؛ چه آن‌هایی که مجاری اجرای قانون اساسی را معین می‌کنند - مثل دستگاه‌های قانون‌گذاری - چه کسانی که آن را اجرا می‌کنند - مثل قوه‌ی مجریه - چه کسانی که عدالت و تخلف‌ها را مورد ملاحظه قرار می‌دهند - مثل قوه‌ی قضاییه - و همه دست‌اندرکاران این کشور، در مقام عمل، اخلاص و صفا و مسئولیت و انجام وظیفه را ملاک خودشان قرار دهند. این اساس قضیه است.»^۳

۱. پیام به مناسبت اولین اجلاس دوره‌ی سوم مجلس خبرگان، ۱۳۷۷/۱۲/۰۳.

۲. نامه به سران قوای سه‌گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰.

۳. بیانات در دیدار با نمایندگان دوره ششم مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.

■ گفتار چهارم: الزامات اجرایی قانون‌گذاری مطلوب

قانون‌گذاری وظیفه‌ی اساسی مجلس شورای اسلامی است و مجلس برای بهتر شدن فرآیند قانون‌گذاری نیازمند التزام به بایسته‌هایی است. در ادامه مهم‌ترین الزامات قانون‌گذاری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌شود:

بند اول: لزوم توجه نظریات کارشناسانه در امر قانون‌گذاری

قانون‌گذاری در هر حوزه‌ای نیازمند تخصص و کارشناسی دقیق در آن حوزه است چرا که قانون محدودیت و آزادی عمل برای اجرای هر امری را تعیین می‌کند. لذا حقوق‌دانان به‌عنوان کارشناسانی در حوزه‌ی قانون‌گذاری می‌توانند در امر تشخیص ضوابط و معیارهای قانونی اثرگذار باشند:

«شما هستید که باید اولویّت‌ها را پیدا و روی آن‌ها بحث کنید. نظرات پخته و سنجیده را بگیرید. نظرات کارشناسان را بگیرید. البته کارشناس را باید بشناسید. هر کارشناسی مورد اعتماد نیست. کارشناس باید شناخته شده باشد؛ باید مورد اعتماد باشد؛ باید به انگیزه و عشق اسلامی و انقلابی و میهنی او، اطمینان حاصل شده باشد و بدخواه نباشد. با استفاده از چنین کارشناسانی، با تأمل و فکر و مطالعه روی طرح‌ها و لوایح، و مشورت صحیح و واقعی - که صحنه‌ی مجلس و کمیسیون‌ها جای مشورت واقعی است - باید شما بهترین قوانین را پیدا و تصویب کنید و به دولت بگویید که این بهترین راه را می‌کند.»^۱

۱. بیانات دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.

بند دوم: عطف توجه کلان و کل نگر به مسائل کشور در قانون گذاری

در نگاه ساده‌انگارانه به مجلس چنین به ذهن می‌رسد که مجلس مجموعه‌ای است از نمایندگان بخش‌های مختلف کشور که دور هم جمع شده‌اند و فقط برای حوزه‌ی انتخابیه خود بودجه جذب می‌کنند، در حالی که مجلس آیینیه‌ی تمام قد اقتدار و عزت ملی است و ایستادگی مجلس در برابر منافع ملی جایگاهی بسیار فراتر از انتخاب در حوزه‌ی نمایندگی است. توجه مجلس و حقوق‌دانان کشور به مسائل کلان انقلاب اسلامی موضوعی است که حائز اهمیت فراوانی است:

«نمایندگان محترم در قانون‌گذاری‌ها نگاهشان به کل کشور باشد. البته مصلحت منطقه‌ی خودشان را حتماً باید در نظر بگیرند - شکی نیست - لیکن آن مصلحت بایستی داخل بشود در مجموعه‌ی نگاه به کل کشور؛ والا اگر قرار باشد که نماینده‌ی شرق برای شرق کار کند، ولو برعلیه غرب؛ نماینده‌ی غرب به نفع غرب کار کند، ولو برعلیه شرق، این‌که نمی‌شود. نماینده‌ی شرق بودن یا نماینده‌ی شمال بودن یا نماینده‌ی جنوب بودن خاصیتش این است که در وضع قانون، نیاز آن منطقه را شما می‌دانید و در قانون دخالت می‌دهید، نه این‌که قانون را فقط برای آن منطقه می‌نویسید؛ قانون برای همه است. این، نگاه عام به کشور در باب قانون‌گذاری.»^۱

بند سوم: ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌ای

یکی دیگر از لوازم قانون‌گذاری صحیح و حکیمانه توجه به مصالح کلی و کلان نظام اسلامی و ارجحیت آن نسبت به مصالح منطقه‌ای می‌باشد که مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

۱. بیانات دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.

«مسئله‌ی بعد، ترجیح مصالح کلی بر مصالح منطقه‌یی است؛ این هم از چیزهایی است که به زبان خیلی آسان است، اما در عمل خیلی مشکل است. بنده هم یک وقت در مجلس بوده‌ام و می‌دانم نمایندگی چگونه است؛ با مجلس هم که سال‌هاست سروکار داریم. مصالح منطقه‌یی را بر مصالح کلی ترجیح ندهید.»^۱

بند چهارم: لزوم آرمان‌گرایی و واقع‌بینی در امر قانون‌گذاری

آرمان‌گرایی و واقع‌بینی دو مفهومی نسبی است که باید در کنار یکدیگر مورد توجه قرار بگیرد. حقوق‌دانان در عرصه‌ی قانون‌گذاری باید اهداف بلند و آرمانی داشته باشند و قانون را به مثابه‌ی پله‌های رسیدن به آن آرمان به‌طور واقعی تدوین کنند. آرمان‌گرایی بدون واقع‌بینی همان‌قدر ناخوشایند به نظر می‌رسد که واقع‌بینی بدون لحاظ کردن آرمان‌گرایی ناقص است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

«در نگاه به مسائل کشور - که در مورد مسئولیت شما، به شکل قانون و قانون‌گذاری تجلی می‌کند - بایستی دو خصوصیت «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی» را در نظر داشت. نگاهتان نگاه آرمان‌گرا باشد. از آرمان‌ها پائین نیایید، کوتاه نیایید. نگاه باید نگاه آرمانی باشد، متها با توجه به واقعیت.»^۲

بند پنجم: لزوم قانون‌گذاری در جهت استحکام بنیان‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد

نیاز کشور به قانون‌گذاری در حوزه‌های سیاست، فرهنگ و اقتصاد به مثابه‌ی یک مدیریت جهادی است. این بدین معناست که اولویت موضوعات قانون‌گذاری و نیز حذف قوانین مزاحم و معارض نیازمند مدیریت مجلس است. این مدیریت جهادی باید با آرمان‌گرایی مجلس همراه باشد و

۱. بیانات دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.

۲. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.

بالاترین قله‌ها را اهداف خود بداند اما در عین حال واقع‌بینی خود را از دست ندهند. تشخیص فوریت‌ها جهت طرح مسائل و نیز تشخیص کارشناسان مناسب، لوازم همین قانون‌گذاری است.

«به نظر من آنچه امروز وظیفه‌ی اصلی ماست، این است که در بخش‌های سه‌گانه - یعنی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - پایه‌ها را مستحکم کنیم. اگر پایه‌های فرهنگی بخواهد مستحکم شود، شرط اصلی این است که ایمان مردم به دین و موارث فرهنگی خودشان روزبه‌روز استحکام پیدا کند و تضعیف نشود.

قوانین باید در این جهت باشد. استقلال اقتصادی کشور نیز در کنار کارایی بخش‌های اقتصادی، بسیار مهم است. در گزارش هم اشاره شد که بحمدالله در بخش‌های اقتصادی، قانون‌گذاری‌های زیادی شده است.»^۱

بند ششم: عطف توجه به کمیسیون‌ها در امر قانون‌گذاری

کمیسیون‌ها اتاقهای فکر مجلس هستند. حضور کارشناسان و متخصصان در کمیسیون‌های مجلس و نیز به چالش کشیدن و استدلال کردن در بحث‌های کمیسیون‌هاست که می‌تواند بهترین طرح را برای ارائه در صحن علنی مجلس آماده کند. حقوق‌دانان با اهتمام به این موضوع در تقویت کمیسیون‌ها به شدت می‌توانند مؤثر باشند.

«نکته‌ی دیگری که می‌خواهیم عرض کنیم، مورد تأیید برادرانی از مجلس است که صاحب‌نظرند، سابقه دارند. کمیسیون‌ها در مجلس خیلی وظیفه و نقش بر عهده دارند. کمیسیون‌ها خیلی باید کار کنند. صحن علنی مجلس البته جای تصمیم‌گیری است، اما کار بنیانی در کمیسیون‌ها انجام می‌گیرد؛ بلکه حتی ما در طول این سال‌های متمادی در مجلس کسانی را سراغ داشتیم

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.

که قبل از این که بیایند توی کمیسیون اظهار نظر کنند، خودشان پیش مطالعه می کردند، می رفتند نگاه می کردند، مطالعه می کردند، جوانب قضیه را می سنجیدند. این جور کاری خیلی خوب است. یعنی می خواهم خدمت آقایان و خانم ها عرض کنم که کار بررسی در کمیسیون، بلکه قبل از کمیسیون را باید جدی گرفت. لذا حضور در کمیسیون ها خیلی مهم است، و حضور سر ساعت و حضور مستمر خیلی اهمیت دارد.^۱

بند هفتم: اهتمام جدی بر لوایح و طرح ها به منزله ی مقدمه ی تصویب قانون

نگاه سیاسی به طرح ها و لوایح از آسیب هایی است که تخصص یک حقوق دان را در عرصه قانون گذاری مورد مناقشه قرار می دهد. گاهی یک طرح بدون تحقیق و تفحص حذف می شود یا این که به همین منوال تصویب می شود. این نحوه ی مواجهه ی با طرح ها و لوایح صحیح نیست و نیازمند تدقیق و تحقیق بیشتری از جانب نمایندگان و ارائه نظرات کارشناسانه از جانب حقوق دانان می باشد لذا است که حقوق دانان و نمایندگان در حوزه ی قانون گذاری باید یا به مثابه ی مجتهدانی در استنباط حکم عمل کنند و یا در غیر این صورت با مشاوره از حقوق دانان لوایح و طرح های مناسب و متناسب را با اقتضائات نظام اسلامی تهیه نمایند.

«کار کردن بر روی لوایح و طرح ها، یک وظیفه ای است به عنوان ادای حق مردم - این که حالا یک امر قطعی و روشنی است - یعنی وقتی لایحه ای به مجلس می آید یا طرحی را شما در مجلس تهیه می کنید و می خواهید این را در یک بخشی از بخش های کشور که می تواند جدول فعالیت کلان کشور را پر کند، به کار بیندازید، دقت شما، مراقبت شما، اهتمام شما، تحقیق شما،

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.

مطالعه‌ی شما، که به پخته شدن این طرح یا لایحه کمک می‌کند، یک حقی است برای مردم بر دوش شما.^۱

در نتیجه مجلس به‌عنوان مهم‌ترین رکن تصمیم‌ساز نظام جمهوری اسلامی ایران محملی است که بسیاری از تکالیف حقوق‌دانان را در این عرصه رقم می‌زند. حضور حقوق‌دانان اعم از اساتید، قضات، وکلا و... در این نهاد به صورت مستقیم و نیز حضور غیرمستقیم آن‌ها به‌عنوان کارشناسان و متخصصان حوزه‌ی حقوق می‌تواند بیش از پیش در ارتقای نظام اسلامی و پیشرفت به‌سوی جامعه مهدوی مؤثر واقع گردد. اما آنچه که حقوق‌دانان را در هرچه بهتر به انجام رساندن این تکالیف و وظایف موفق می‌دارد روحیه دغدغه‌مند و احساس تکلیف نسبت به انقلاب و آرمان‌های آن است. آنچه که انگیزه‌ی فعالیت در این عرصه را بسیار تقویت می‌کند روحیه‌ی ناب بسیجی و دغدغه‌مندی قشر حقوقدان است. آنچه بیان شد گوشه‌ای از تکالیف و اقداماتی است که یک حقوق‌دان در نهاد قانون‌گذاری ایران می‌تواند نقش‌آفرینی نماید و هرآنچه که مقام معظم رهبری به‌عنوان نائب امام عصر عجل‌الله فرجه الشریف بر عهده مجلس قرار داده است به نحو احسن انجام دهد.

■ فصل چهارم: ارتقاء کارآمدی شورای نگهبان

شورای نگهبان به‌عنوان یکی از ارکان اصلی نظام جمهوری اسلامی، وظیفه‌ی حراست از قانون اساسی را به طریق تطبیق مصوبات مجلس شورای اسلامی با قانون اساسی و ارائه‌ی نظرات تفسیری، و همچنین حراست از شرع به طریق تطبیق مصوبات نهادهای قانون و مقررہ‌گذار با موازین اسلام را بر عهده دارد؛ و از طرف دیگر در امر انتخابات به‌عنوان

۱. بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.

نهاد ناظر، صلاحیت قانونی لازم را در این امر دارد؛ در حقیقت این نهاد به عنوان حافظ اسلامیت نظام و پاسدار قانون اساسی تلقی می شود و از جمله نهادها و مراجعی است که می بایست بر این اساس اتخاذ مسیر کند و با سرلوحه قرار دادن اندیشه ها، بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری مدظله العالی در جهت اجرای هرچه بهتر وظایف خود اقدام کند. از این طریق است که می توان امیدوار بود حرکت با ثبات و منسجم نظام و به خصوص شورای نگهبان، برگرفته از یک اجتهاد و تفکر روزآمد و مستمر، با سرعت هرچه بیش تر و بهتر به سمت اهداف و برنامه های نظام اسلامی صورت بگیرد؛ و امید است که با نگاه همه جانبه و با دوری از برخورد گزینشی و مقطعی با آن، بتوان سعادت نظام و ملت را رقم زد.

■ گفتار اول: جایگاه نهاد شورای نگهبان

در رابطه با جایگاه شورای نگهبان باید گفت که این نهاد مطمئن ترین دستگاهی است که حفظ سلامت نظام اسلامی را بر عهده دارد و نبض نظام اسلامی به شمار می آید.

«شورای نگهبان، عماد ملت و دین و مایه اطمینان و سکینه قلب مؤمنین است و در حقیقت نبض نظام اسلامی به شمار می رود. وقتی شورای نگهبان مثل همه ی دوره های گذشته آن، قوی و قاطع و دقیق باشد، موجب آرامش کسانی می شود که دلشان برای اسلام می تپد و آرزویشان تحقق اهداف اسلامی و شریعت حقه نبویه است.»^۱

۱. بیانات در مراسم بیعت اعضای شورای نگهبان، ۱۳۶۸/۰۳/۲۱.

بند اول: شورای نگهبان حساس‌ترین دستگاه قانونی

این نهاد مقدس در مجموعه‌ی نهادهای قانونی کشور، حساس‌ترین دستگاه قانونی کشور به حساب می‌آید که در اوج اقتدار قانونی و معنوی قرار دارد: «این شورا [شورای نگهبان] در مجموعه‌ی سازمان قانونی کشور، حساس‌ترین دستگاه قانونی است و به لحاظ شخصیت اعضا، آن، جایگاه مهم، والا و برگزیده‌ای در جامعه دارد.»^۱

بند دوم: شورای نگهبان مانع انحراف حرکت نظام

حساسیت این دستگاه قانونی از این جهت است که مانع پدید آمدن انحراف می‌گردد و هدایت صحیح جامعه و حفظ مسیر کلی قانون‌گذاری مشروع و قانون‌مند را بر عهده دارد:

«هدایت صحیح جامعه و حفظ مسیر کلی اجرا و قانون‌گذاری از انحراف، در اینجا به وسیله‌ی جمعی انجام می‌گیرد و اساس هم در هر جامعه‌ای همین است، چون جهت‌گیری‌های ابتدایی در خیلی جاها خوب و صحیح است اما اشکال بر غالب جوامعی که منحرف شده‌اند. در استدامه و استمرار حرکت است که باید صحیح بماند»^۲ اگر ما در یک نظام، دستگاهی را فرض کنیم که به شکل قانونی مانع از پدید آمدن انحراف می‌شود، آن دستگاه را باید واقعاً دستگاه بسیار مهم و حساسی شمرد و شورای نگهبان این گونه است.»^۳

بند سوم: شورای نگهبان، گلوگاه و مرکز حیاتی اداره و جهت‌گیری کشور

دلیل دیگر اهمیت شورای نگهبان این است که مرکزی حیاتی برای اداره‌ی

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۷۱/۰۸/۰۳.

۲. همان.

۳. همان.

کشور محسوب می‌گردد که مانع انحراف نظام اسلامی از موازین دینی آن می‌گردد.

«شورای نگهبان گلوگاه ... و نیز مرکزی حیاتی برای اداره‌ی کشور و جهت‌گیری‌های اساسی محسوب می‌شود.»^۱

جلوگیری از انحراف نظام اسلامی توسط شورای نگهبان از این جهت است که وظیفه‌ی صیانت از هویت اسلامی نظام را از طرق انطباق قوانین با موازین اسلامی و قانون اساسی بر عهده این نهاد است:

«صیانت از هویت اسلامی نظام و جلوگیری از استحاله‌ی تدریجی آن افتخار و شرف شورای نگهبان است و حفظ پیکره‌ی و محتوای نظام اسلامی از طریق انطباق قوانین با اسلام و قانون اساسی وظیفه‌ی بزرگی است که شورای نگهبان، به‌عنوان یک نهاد بسیار مهم و حقیقتاً اساسی نظام، در ۲۰ سال گذشته انجام داده است.»^۲

بند چهارم: شورای نگهبان حافظ اسلام و قانون اساسی

در جای دیگری ایشان در باب اهمیت این وظیفه‌ی شورای نگهبان در خصوص بررسی و انطباق قوانین با موازین اسلامی و قانون اساسی می‌فرمایند:

«سهوها و نسیان‌ها و خطاها در همه امور، متصور است و از همه کس قابل صدور است، آن‌ها بحث دیگری است؛ اما پیکره‌ی نظام، انطباقش با اسلام، انطباقش با موازین اسلامی و با قانون اساسی، موهون حضور و دقت شورای نگهبان است و کار بسیار بزرگی است.»^۳

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۲۸/۰۴/۱۳۷۹.

۳. همان.

■ گفتار دوم: اصول حاکم بر عملکرد شورای نگهبان

وظایف و اصولی که شورای نگهبان باید در عملکرد خود بدان توجه داشته باشد عبارت است از:

- ۱- لزوم ارتقاء جایگاه شورای نگهبان.
- ۲- لزوم اطلاع‌رسانی به مردم و سایر مسئولین.
- ۳- ایجاد شوراهای مشورتی جهت ارتقاء کیفیت انجام وظایف
- ۴- التزام به قانون، و عدم ملاحظه‌ی اشخاص و گروه‌ها که در ادامه به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: لزوم ارتقاء جایگاه شورای نگهبان

شورای نگهبان باید در جهت ارتقاء جایگاه خود در خصوص انجام صحیح، به موقع و منظم وظایفش اهتمام داشته باشد و انجام وظایف و عملکردها دائر بر مدار اتحاد و انسجام قرار گیرد و در پایان از طریق شناساندن جایگاه و وظایف خطیر خود به افکار عمومی تلاش نماید.

«شورای نگهبان اکنون سرافراز، قوی و مجدانه مشغول فعالیت است که این روند باید با قوت هرچه بیشتر ادامه یابد.^۱ شورا [شورای نگهبان] در کار خود تأخیر نداشته باشد؛ به وقت و به موقع کارها را انجام دهد.^۲ باید کارها را مرتب و منظم کنند تا همه چیز قابل دفاع باشد.^۳ در خود شورا [شورای نگهبان] و در عملکرد شورا اتحاد و انسجام وجود داشته باشد.^۴ شورای نگهبان باید ... [از طریق] شناساندن جایگاه و وظایف خطیر شورا به افکار عمومی، در جهت ارتقاء جایگاه این نهاد مهم

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۸۰/۰۷/۱۱.

۲. همان.

۳. همان.

۴. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۸۶/۰۴/۲۰.

تلاش نماید.»^۱

بند دوم: لزوم اطلاع‌رسانی به مردم و سایر مسئولین

یکی دیگر از بایسته‌های ساختاری که شورای نگهبان باید بدان توجه داشته باشد تحول در نحوه‌ی اطلاع‌رسانی در خصوص فعالیت‌های صورت گرفته است که به صورت یک ایجاد روال اطلاع‌رسانی منظم و مرتب درصدد شناساندن شورای نگهبان به مردم برآید. ایشان در این رابطه می‌فرماید:

«خدمات و فعالیت‌های شورای نگهبان با ارائه آمار کمی، قابل درک نیست و باید در زمینه اطلاع‌رسانی به مردم، تحولی در کار شورا پدید آید.»^۲

بند سوم: ایجاد شوراهای مشورتی جهت ارتقای کیفیت انجام وظایف

یکی دیگر از بایسته‌های تحول در نهاد شورای نگهبان تحول در ساختار عملکرد این نهاد است بدین گونه که آنچه در اختیار فقها و حقوق‌دانان قرار می‌گیرد تا در رابطه با آن اظهارنظر نمایند مسبوق به بررسی و تحقیق و پژوهشی عمیق باشد.

«باید در ساختار عملکرد شورا تجدیدنظر کنیم، یعنی خودش - ساختار قانونی شورا - قابل تغییر نیست، اما عملکردها قابل نظم دادن است. فرض فرمایید مطالبی که در شورا می‌آید چه آن‌چه مربوط به فقها است، چه آن‌چه مربوط به حقوق‌دان‌هاست - این‌ها به‌طور کامل و دقیق بررسی بشود و در اختیار آقایان قرار گیرد؛ این کاری است که در همه جای دنیا معمول است؛ یعنی شما این را مثل جلسه استفتاء فرض نکنید که استفتایی از یک جا شده، فقیه آن را به جلسه استفتای خودش می‌آورد و با

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۷۹/۰۴/۲۸.

مشاورانش بحث می‌کند و به نتیجه‌ای می‌رسد و همان‌جا فتوا را می‌نویسند. این نیست؛ خیلی تفاوت دارد. اولاً ممکن است ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، حقوقی و غیره داشته باشد؛ ثانیاً این برای عمل یک فرد نیست، یک قانون و یک چیز کلی است، باید تمام جهات در آن رعایت شود. بنابراین به نظرم لازم است قبلاً یک بررسی و تحقیق و پژوهش عمیقی روی همه‌ی چیزهایی که وارد شورا می‌شود انجام بگیرد؛ این هم از طرقی ممکن است.^۱

در خصوص افزایش دقت و صحت اظهارنظرهایی که در شورای نگهبان ضمن بررسی ابعاد گوناگون مصوبات و قوانین صورت می‌گیرد لازم است مرکز پژوهشی قوی و کمیسیون‌های تخصصی تشکیل شود تا با استفاده از نظرات کارشناسانه و دیدگاه‌های تخصصی فقها، علما و اساتید فعالیت شوراها عمق و دقت بیش‌تری پیدا کند.

تشکیل یک مرکز پژوهشی قوی و استفاده از دیدگاه‌های تخصصی علما، فقها، استادان دانشگاه‌ها و دیگر کارشناسان، دقت نظر شورا را در بررسی ابعاد گوناگون قوانین، افزایش خواهد داد، ضمن آن‌که ایجاد کمیسیون‌های تخصصی نیز می‌تواند روند فعالیت‌های شورا را عمق بیش‌تری بخشد.^۲

بند چهارم: انتشار نظرات و استدلالات شورا

تدوین و انتشار نظرات و استدلالات شورای نگهبان به گونه‌ای که در اختیار حقوق‌دانان، فقها و سایر مراکز علمی قرار بگیرد یکی از رسالت‌های این نهاد است که سبب تحول‌آفرینی در این مجموعه می‌گردد:

«لازم است ... نظرات شورا [شورای نگهبان] مدون بشود و در اختیار اهل علم، حقوق‌دان‌ها، فقها و متخصصین بخش‌های

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۷۹/۰۴/۲۸.

۲. همان.

مختلف گذاشته بشود؛ دانشگاه‌ها و حوزه‌ها ببینند و در جریان مباحث قرار بگیرند؛ بیان شود در مورد این ماده‌ای که آنجا آمده، چه بحث‌هایی شده تا رد شده است و چه اشکالاتی بود و بعد آن اشکالات رفع شد، یا تصویب شد و از این قبیل، البته این‌ها بر می‌گردد به خود شورا؛ یعنی تقصیر کسی نیست که این‌ها منعکس نشده است؛ خود شورا بایستی این کارها را می‌کرد و از حالا به بعد هم به نظر من باید این کارها انجام بگیرد.^۱

■ گفتار سوم: نظارت شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورای اسلامی

یکی از وظایف اصلی شورای نگهبان مطابق با اصل ۴ قانون اساسی نظارت بر مصوبات مجلس شورای اسلامی است و صحت حرکت نظام اسلامی در جهت انطباق قوانین و مقررات با موازین اسلامی و قانون اساسی است، این اصل، شورای نگهبان را تأمین‌کننده‌ی این مهم تلقی می‌کند و تأکید دارد که شورای نگهبان باید در زمینه‌ی چگونگی انطباق کلیه قوانین و مقررات با شرع انور و قانون اساسی عالمانه و فنی عمل نماید.

بند اول: تأمین صحت نظام توسط شورای نگهبان

«صحت نظام ما به حفظ جهت اسلامی و رعایت قانون اساسی در آن است؛ و این با شورای نگهبان تأمین می‌شود.»^۲

یکی از راه‌های درک انطباق کلیه قوانین و مقررات با احکام شرع و قانون اساسی شناخت زبان خاص قانون و حدود و ثغور آن است چرا که قانون‌شناسی اعضای شورای نگهبان در درک واقعی و صحیح مصوبات مجلس شورای اسلامی بسیار مؤثر خواهد بود.

۱. همان.

۲. بیانات در دیدار اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس، ۱۳۷۰/۱۵/۰۴.

«مُرّ قانون خیلی مهم است. البته شما [اعضای شورای نگهبان] اهل قانون هستید و می‌دانید که قانون زبان دارد؛ زبان قانون را باید دانست و حدود قانون را باید کشف کرد. گاهی اوقات کلمات و الفاظ برای بیان آن مغزها و محتوای حقیقی قانون کافی نیستند؛ قانون‌شناسی مثل شماها می‌تواند درک کند که واقعاً قانون چه دارد می‌گوید.»^۱

بند سوم: نظارت بر مصوبات از نظر انطباق با شرع

الف: جزء احکام شرع بودن احکام ثانویه

انطباق مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام شرع بخش اصلی رسالت فقهای شورای نگهبان است که باید با دقت و مراقبت فراوانی انجام گیرد:

«حکم شرع با احکام اولی و احکام ثانوی شناخته می‌شود، یعنی احکام ثانوی هم جزء شرع هستند؛ این بخش اصلی کار آقایان [فقهای شورای نگهبان] است. عین همین دقت و مراقبت را آقایان [اعضای شورای نگهبان] باید در باب تطبیق با قانون اساسی داشته باشند.»^۲

ب: استثناء بودن نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام

مقام معظم رهبری ضمن اشاره بر محوریت شورای نگهبان و لزوم انطباق مصوبات با احکام شرع بر استثناء بودن نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام تأکید می‌کنند و بیان می‌کنند که با وجود مصلحت اهم و بالاتری می‌توان از مخالفت مصوبات با احکام شرع چشم‌پوشی نمود:

«ما مجمع تشخیص مصلحت داریم، اما آن مصلحتی که به خاطر آن در یک قانون باید از مخالفت با شرع در کشور بگذرد، باید

۱. همان.

۲. همان.

مصلحت خیلی بالایی باشد. هم‌چنین در درجه‌ی بعد، مخالفت با قانون اساسی است. این طور نیست که چیزی را مصلحت بدانیم، بعد مخالفت با شرع را قبول کنیم. به خصوص که در این‌جا مخالفت با شرع در یک عمل فردی نیست، در یک عمل جمعی و یک کار ماندگار است. بنابراین، محور شورای نگهبان است.^۱

بند چهارم: نظارت بر مصوبات از نظر انطباق با قانون اساسی

قانون اساسی تبلور و تجسد انقلاب اسلامی است که جزء متمدنی‌ترین قوانین اساسی کشور محسوب می‌گردد. بر این اساس قانون اساسی به مثابه‌ی ستون فقرات و مرکز سلسله اعصاب نظام است. در این میان نهاد شورای نگهبان به‌عنوان حافظ قانون اساسی در متن قوانین و مقررات محسوب می‌گردد که مانع تصویب قوانین و مقررات بر خلاف قانون اساسی می‌گردد.

«شورای نگهبان گلوگاه مهمی برای حفظ قانون اساسی در متن قوانین و مقررات ... محسوب می‌شود.»^۲

بند پنجم: ارائه‌ی نظرات تفسیری و مشورتی

یکی دیگر از رسالت‌های شورای نگهبان این است که این نهاد مرجع تبیین، تفسیر و حل اختلاف در تفسیر قانون اساسی است.

«به نظر من این خیلی مهم است که شورای نگهبان، مرجع تصمیم و تبیین قانون اساسی است.^۳ وظیفه‌ی تفسیر قانون اساسی، بسیار وظیفه‌ی سنگین و با اهمیتی است؛ که آنجایی که اصلی از اصول قانون اساسی به دلیلی مورد ابهام قرار می‌گیرد، نظر شورای نگهبان فصل‌الخطاب است؛ و اعتبار نظر شورای نگهبان، هم وزن

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۸۰/۰۷/۱۱.

۲. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۷۱/۰۸/۰۳.

۳. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۷۹/۰۴/۲۸.

اعتبار اصل قانون اساسی است. این، خیلی مطلب مهمی است.^۱

■ گفتار چهارم: نظارت شورای نگهبان بر انتخابات

یکی از وظایف سنگین شورای نگهبان نظارت بر انتخابات و تضمین صحت آن است. بر این اساس سلامت انتخابات، سبب سلامت مجلس قانون‌گذاری می‌گردد و سلامت مجلس نیز عاملی در جهت سلامت قوانین در نظم‌بخشی به امور خواهد بود:

«وظیفه‌ی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات و تضمین صحت انتخابات، از جمله‌ی کارهای بسیار بزرگ و مهمی است که در قانون اساسی بر عهده‌ی شورای نگهبان گذاشته شده است. اگر نظارت شورای نگهبان نباشد، و اگر تأیید صحت انتخابات به وسیله‌ی شورای نگهبان انجام نگیرد، اصل این انتخابات زیر سؤال خواهد رفت و اعتبار خود را از دست خواهد داد؛ چه انتخابات مجلس، چه انتخابات خبرگان، چه انتخابات ریاست جمهوری، و هر انتخاباتی که نظارت آن بر عهده‌ی شورای نگهبان است. این وظایف یکی از دیگری مهم‌تر، همه بر دوش شورای نگهبان گذاشته شده است.»^۲

استمرار در آمادگی شورای نگهبان در انجام وظیفه‌ی نظارت، امری مهم تلقی می‌شود و لازمه‌ی این آمادگی نیز در تشکیل بانک اطلاعاتی منسجم، قوی و بصیری متبلور می‌شود:

«تشکیل یک بانک اطلاعاتی و ایجاد یک تشکیلات کوچک، اما قوی و بصیر به‌منظور استمرار آمادگی شورا در ادای وظایف قانونی، ضروری است و همه‌ی دستگاه‌های ذی‌ربط، کاملاً موظف‌اند که تمامی اطلاعات مورد نیاز شورای نگهبان را در

۱. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹.

اختیار این نهاد قرار دهند.^۱

راه حل نهایی و اساسی برای حل مشکلات انتخاباتی التزام به قانون است چرا که ادای امانت الهی متوقف به آن است که بر اساس نص قانون عمل شود:

«راه اساسی برای این که مشکلات انتخاباتی پیش نیاید، التزام به قانون است؛ این را من عرض بکنم. آحاد مردم در هر جای کشور که هستند؛ در شهر، در روستا، در مرکز، در کلان‌شهرها و در همه جا، باید به دنبال این باشند که هرکسی حرفی می‌زند، براساس قانون باشد؛ هرکسی توقعی دارد، براساس قانون باشد. آن‌هایی که آن سال آن خسارت را به کشور و به ملت وارد کردند و برای کشور هزینه درست کردند، اگر تسلیم قانون بودند، این‌جوری نمی‌شد. قانون معین کرده است که اگر کسی اعتراضی دارد، بیاید. آن سال گفته شد؛ حتی ما از شورای محترم نگهبان خواهش کردیم، آن زمان را تمدید هم کردند که آراء بازشماری شود؛ گفتیم هر تعداد معقولی و هر صندوقی که بخواهند بازشماری شود، بازشماری شود؛ خب، زیر بار نرفتند! کارشان منطقی نبود، معقول نبود؛ برای کشور هزینه درست کردند. خب، کشور بر این مسائل فائق می‌آید. نظام جمهوری اسلامی قوی است. این خراب‌کاری‌ها و انگشت توی چشم کردن‌ها و این مزاحمت‌ها و آزارها، جمهوری اسلامی را که از پا نمی‌اندازد. ... راه هزینه درست نشدن، التزام به قانون است.»^۲

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۷۹/۰۴/۲۸.

۲. بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۰۲/۱۶.

بخش ششم: حقوق‌دانان و مسئولیت در حوزه بین‌الملل

حقوق‌دان مومن انقلابی علاوه بر آن‌که باید در بعد داخلی خود را نسبت به حرکت نظام اسلامی به سمت و سوی نظام مطلوب مسئول بداند، باید نسبت به وقایع عرصه‌ی بین‌المللی نیز احساس تکلیف داشته باشد و اقدامات لازم در این زمینه را به مثابه رسالت خود به شمار آورد. ریشه‌ی این امر در آن است که نظام جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد. بر این اساس نظام برآمده از آموزه‌های شریعت اسلام نسبت به تحولات نظام بین‌الملل بی‌تفاوت نبوده و همه‌ی بشریت را مخاطب حکم خود قرار داده است.

«شاخص سوم از شاخص‌های مکتب سیاسی امام، نگاه بین‌المللی و جهانی این مکتب است. مخاطب امام در سخن و ایده‌ی سیاسی خود، بشریت است؛ نه فقط ملت ایران. ملت ایران این پیام را به گوش جان شنید، پایش ایستاد، برایش مبارزه کرد و توانست عزت و استقلال خود را به‌دست آورد؛ اما مخاطب این پیام، همه‌ی بشریت است. مکتب سیاسی امام این خیر و استقلال و عزت و ایمان را برای همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بشریت

می‌خواهد؛ این رسالتی است بر دوش یک انسان مسلمان.^۱
مبتنی بر این رویکرد است که رویکرد امام خمینی و انقلاب او به مثابه یک نهضت جهانی معرفی می‌گردد:

«یک نقطه‌ی دیگر از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی می‌دانست و این انقلاب را متعلق به همه‌ی ملت‌های مسلمان، بلکه غیرمسلمان معرفی میکرد. امام از این ابائی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورهاست، که ما نمی‌کنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است، که ما این کار را نمی‌کنیم، اهلش نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این پدیده‌ی رحمانی باید در دنیا پراکنده شود، ملت‌ها بفهمند که وظیفه‌شان چیست، ملت‌های مسلمان بدانند که هویت‌شان چگونه است و کجاست.»^۲

■ فصل اول: رویکرد جمهوری اسلامی ایران به موضوعات بین‌المللی

جمهوری اسلامی ایران بر خلاف رویکردهای موجود در نظام معاصر، رویکرد ویژه‌ای به موضوعات حقوق بین‌الملل دارد رویکردی که برهم‌زننده‌ی معادلات سلطه‌گران در جهان کنونی به حساب می‌آید:

«دنیا بعد از قرن هفدهم و هجدهم میلادی که پدیده‌ی استعمار به وجود آمد، عادت کرده بود که چند تا دولت محدود و محدودی، سرنوشت کشورهای دنیا- دولت‌ها، ملت‌ها- را با اتکاء به قدرت نظامی خودشان، نه با اتکاء به قدرت اخلاقی، در دست داشته باشند. این عادت با انقلاب اسلامی از سر دنیا رفت. معلوم شد نخیر، قدرت‌های سلطه‌گر دنیا حرفشان حرف آخر نیست. حرف

۱. بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی «ره»، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴.

۲. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی «ره»، ۱۳۸۹/۳/۱۴.

آخر را ملت‌ها می‌زنند؛ عزم ملت‌ها و ایمان ملت‌هاست که حرف آخر را می‌زند. این را ملت ایران یاد داد.»^۱

این رویکرد دارای شاخصه‌ها و معیارهای دقیقی است که آن را از سایر نظریات موجود در عرصه‌ی بین‌الملل منفک می‌سازد. در ادامه مهم‌ترین شاخصه‌های رویکرد انقلاب اسلامی در عرصه‌ی بین‌الملل تبیین خواهد شد:

■ گفتار اول: تسلیم نشدن در مقابل تهدیدها، مبنا و قوام جوهری

جمهوری اسلامی ایران

«مبنا و قوام جوهری جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای شکل گرفته است که در مقابل تهدیدها و زورگویی‌ها تسلیم نخواهد شد و از این‌رو به دشمن میدان نخواهد داد تا درباره او تصمیم بگیرد. نظام جمهوری اسلامی ایران اگر به اقتضای مصلحت و سیاست خود با کشوری رابطه برقرار می‌کند بدان معنی نیست که حرف زوری را بپذیرد. لذا ما ارتباط با کشوری را که خود را قیم دیگران می‌داند نمی‌پذیریم و این‌گونه ارتباط‌ها را به نفع کشورهای ضعیف هم نمی‌دانیم.»^۲

■ گفتار دوم: اصل زیربنایی نه شرقی، نه غربی؛ مبنا و پایه

نظام اسلامی

«اصل سیاسی و زیربنای «نه شرقی، نه غربی» ما هم به هر حال محفوظ است. براساس این اصل، سیاست ما تابع هیچ رکنی - نه شرق و نه غرب - نخواهد شد و این جزء اصول و مبانی ماست و هیچ شکی هم در این نیست و تغییرپذیر هم نیست.»^۳

۱. بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹.

۲. دیدار مسئولان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب، ۱۳۷۲/۰۶/۰۴.

۳. بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸/۰۵/۳۱.

■ گفتار سوم: مخالفت با نظام سلطه به مثابه حرکت الگوساز انقلاب اسلامی

«امروز یک جریانی در دنیا به وجود آمده است که همه دانسته‌اند و شناخته‌اند که این جریان با نظام سلطه مخالف است. نظام سلطه یعنی چه؟ یعنی آن سازوکاری در دنیا که کشورها و ملت‌های دنیا تقسیم می‌شوند به دو قسم: سلطه‌گر و سلطه‌پذیر... مشکل دستگاه‌های قدرت‌مند سلطه‌گر دنیا این است که امروز یک جریانی در عالم به وجود آمده که با این سازوکار مخالف است. در مرکز این جریان، ایران اسلامی است.»^۱

■ گفتار چهارم: استکبارستیزی جزء کارهای اساسی و مبانی انقلاب

«مبارزه‌ی با استکبار، مبارزه‌ی با نظام سلطه تعطیل‌پذیر نیست. این هم جزء همین حرف‌هایی است که اتفاقاً امروز من یادداشت کرده‌ام که به شما بگویم. این جزء کارهای ما است، جزء کارهای اساسی است، جزء مبانی انقلاب است.»^۲

■ فصل دوم: وظایف حقوق‌دانان در قبال مسئولیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

پس از آن‌که اصول حاکم بر رفتار و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌ی بین‌الملل روشن گردید. نوبت آن است که وظایف حقوق‌دانان در

۱. بیانات در دیدار فرماندهان نیروی زمینی ارتش، ۱۳۹۱/۰۲/۰۳.

۲. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰.

خصوص موضوعات بین‌الملل ترسیم گردد:

■ گفتار اول: بازتولید معارف والای اسلامی در سطح بین‌المللی

«هدف این نیست که ما انقلاب را به شکل متعارف در عرف سیاسی و قاموس سیاسی به این کشور و آن کشور صادر کنیم؛ انقلاب چیزی نیست که با ابزارهای سیاسی بشود آن را صادر کرد یا با ابزارهای نظامی و امنیتی بشود آن را پیش برد؛ این غلط است؛ ما از اول، این راه را بستیم. مسئله‌ی جمهوری اسلامی، مسئله‌ی بازتولید معارف والای اسلامی است، تا مسلمان‌ها احساس هویت کنند، احساس شخصیت اسلامی کنند، با تعالیم اسلام که نجات‌بخش بشریت است، آشنا شوند.»^۱

■ گفتار دوم: برجسته‌سازی هویت اسلامی در دنیا

«یکی از وظایف مهم دیگری که بر عهده‌ی دولت و نظام جمهوری اسلامی است، این است که هویت اسلامی را در دنیای اسلام برجسته و شفاف کنیم، تا این یک معیاری باشد در جلوی چشم ملت‌های مسلمان؛ تدین دور از خرافه و کاوش در منابع دینی و نوآوری.»^۲

■ گفتار سوم: دعوت بشریت به اسلام

«ما بایستی به‌عنوان یک ملت، به‌عنوان یک جمعیت عظیم هفتاد و هشتاد میلیونی واقع در یک منطقه‌ی حسّاس عالم، با نگاه درست، با استفاده‌ی از اقتدار اسلامی، جای پای خودمان را محکم کنیم؛ اهداف انسانی و والای خودمان را که از اسلام گرفته‌ایم، در معرض نگاه و دید همه‌ی بشریت بگذاریم و بشریت را دعوت

۱. بیانات در دیدار طلاب غیرایرانی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۳.

۲. بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹.

کنیم به آن چیزی که اسلام به بشریت هدیه می‌دهد؛ این وظیفه‌ی ما است»^۱

■ گفتار چهارم: ترویج الگوی نوین مردم‌سالاری دینی

«الگوی نوین مردم‌سالاری دینی، راه جدیدی را به بشریت ارائه کرده است که زندگی انسان در آن، از آفات نظام‌های بنا شده بر استبداد فردی و حزبی یا برآمده از نفوذ زرسالاران و چپاولگران، و از غرقه شدن در وادی مادی‌گری و اباحی‌گری و دور افتادن از معنویت، مبرا گردد، و تقابل و تضاد خداپرستی با مردم‌گرایی را در عمل تخطئه کند.»^۲

■ گفتار پنجم: موضع‌گیری صریح و ایستادگی در مقابل جنایتکاران و ظالمان بین‌المللی

«امروز و در دوران عظمت اسلام، سربلندی نظام اسلامی و سربلندی ملت ایران به خاطر مواضع ضد استکباری‌اش است. مواضع صریح ملت ایران - و به‌خصوص جوان‌ها - در مقابل ظلم‌ها و ستم‌های بین‌المللی هرگز نایستی متوقف بشود.»^۳

■ گفتار ششم: لزوم ایستادگی فعال در مقابل سلطه طلبی و زیاده‌خواهی استکبار

«یک خصوصیت دیگر هم که باز جای ذکر دارد، این است که این دولت در برابر زیاده‌خواهی‌های استکبار، دچار انفعال نشد؛ این به‌نظر من خیلی مهم است که در تعامل با دنیا، انسان

۱. بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۲/۰۶/۲۰.

۲. پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره مجلس خبرگان، ۱۳۸۵/۱۲/۰۱.

۳. بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.

جای خودش را بداند، خواست خودش را بداند، نیرو و قدرت خودش را بداند و بداند که باید چه کار کند.^۱

«خب، بر این اساس، دیپلماسی را بنا کنیم؛ که خوشبختانه همین‌جور است. حرکت ما در جبهه‌ی ظریفِ «خطیرِ بسیار مؤثرِ دیپلماسی باید حرکتی باشد با این دید و با این نگاه و با توجه به این آرمان‌ها. این خطاست که ما خیال کنیم اگر به مبانی ارزشی خودمان پای‌بند بمانیم، در عالم دیپلماسی عقب می‌مانیم هرچه پای‌بندی ما بیش‌تر باشد، هیبت جمهوری اسلامی در چشم طرف مقابل بیش‌تر خواهد شد؛ احترام جمهوری اسلامی در نظر طرف مقابل بیش‌تر خواهد شد.»^۲

■ فصل سوم: حقوق‌دانان و مسئولیت در حوزه حقوق بشر

موضوع حقوق بشر به‌عنوان یکی از موضوعات مطرح در ادبیات حقوقی معاصر همواره مورد توجه حقوق‌دانان بوده است و هر یک از صاحب‌نظران متناسب با حوزه‌ی فکری و معرفتی خود تفسیری از مفهوم و مصادیق حقوق بشر ارائه داده است. در ادامه ابتدا رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به موضوعات حقوق بشری تبیین می‌شود و سپس وظایف حقوق‌دانان در عرصه‌ی حقوق بشر مطالعه خواهد شد.

■ گفتار اول: رویکرد اسلام و جمهوری اسلامی نسبت به حقوق

بشر

یکی از سؤالات بنیادین در حوزه‌ی حقوق بشر آن است که آیا اساساً در اسلام و آموزه‌های اسلامی مفاهیم حقوق بشری جایگاهی دارد یا خیر؟ نگاه اسلام به موضوعات حقوق بشری چگونه است و چه تفاوتی میان

۱. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.

۲. بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰/۱۰/۰۷.

حقوق بشر معاصر و حقوق بشر اسلامی در عرصه‌ی عملکرد دولت‌ها وجود دارد؟

بند اول: اسلام پرچمدار و پاسدار حقوق بشر

اولین نکته‌ای که در خصوص رویکرد اسلام به حقوق بشر باید مد نظر قرار گیرد آن است که اندیشه‌ی اسلامی نه تنها به موضوعات حقوق بشری پرداخته است، بلکه به‌عنوان پرچمدار و پاسدار حقوق بشر نیز محسوب می‌شود.

«هدف دشمنان جهانی - اعم از استکبار و در رأس آن آمریکا و دیگر خرده‌ریزهای دشمن - در هر نقطه‌ی عالم، در مخالفت با انقلاب ما این است که با «اسلام» مبارزه کنند. این‌ها با اسلام مخالفند؛ چون که اسلام را باعث کوتاه‌شدن دست غارت‌گران می‌دانند. با اسلام مخالفند. چون اسلام را موجب بریده شدن پای سگ‌های ولگردی می‌دانند که به جان خزائن این کشور افتاده بودند. با اسلام مخالفند و آن را ضد حقوق بشر معرفی می‌کنند. هدفشان این است که اسلام را از چشم‌ها بیندازند. این در حالی است که اسلام پرچمدار حقوق بشر است.»^۱

بند دوم: تحقق واقعی حقوق بشر فقط در سایه‌ی اسلام

نکته‌ی دوم در خصوص رویکرد اسلام به حقوق بشر آن است که امکان تحقق حقوق بشر واقعی صرفاً در سایه‌ی اسلام و آموزه‌های اسلامی وجود دارد و نمی‌توان با آموزه‌های غربی به حقوق بشر دست یافت.

«اگر احترام واقعی به انسان ملاک است، تحقق آن جز در سایه‌ی اسلام امکان‌پذیر نیست. شکل کامل و مظهر اعلای این احترام

۱. بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۱/۱۰/۱۹.

و ارزش، زندگی و برخورد همین بزرگ‌مردی بود که دست قدرت‌مند او، همه‌ی دنیا را متوجه اسلام و انقلاب و ایران کرده است.^۱

بند سوم: اصل تکریم انسان از اصول حاکم بر حقوق بشر اسلامی

بر اساس آموزه‌های اسلامی اصل تکریم انسان به عنوان یکی از اصول مبنایی حقوق بشر اسلامی قلمداد می‌شود و از همین رو اسلام در همه‌ی احکام فردی و اجتماعی خود در مقام پاسداری از حقوق بشر بوده است.

«حقوق بشر به شیوه‌ی فرهنگ غربی، ضدحقوق بشر، و حقوق ستم‌گران بر آحاد بشر است. این حقوق بشر، حقوق بشر نیست. ما طرفدار حقوق بشریم و اسلام طرفدار حقوق انسان است. هیچ مکتبی به‌قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی‌داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده است، اصل «تکریم انسان» است. اسلام است که با احکام خود - همه‌گونه احکام: چه احکام قضایی و جزایی، و چه احکام مدنی و حقوق عمومی و مسائل سیاسی - از حقوق انسان‌ها دفاع کرده است؛ نه آن‌چه که در اختیار آن‌هاست، نه آن‌چه که آن‌ها - به فریب - حقوق انسان به حساب آورده‌اند و اسم‌گذاری کرده‌اند.»^۲

بند چهارم: تحقق حقوق بشر وظیفه‌ی حکومت اسلامی

نکته‌ی دیگری که در ارتباط با حقوق بشر و آموزه‌های اسلامی باید مد نظر قرار بگیرد، آن است که براساس آموزه‌های قرآن کریم حکومت

۱. بیانات در مراسم بیعت نیروهای ژاندارمری و شهربانی و سازمان پلیس قضایی، ۱۳۶۸/۰۳/۲۸.

۲. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵.

اسلامی موظف به تحقق آموزه‌های حقوق بشری در چارچوب اسلام است.

«حقوق بشر در سایه‌ی اسلام و حکومت اسلامی تأمین می‌شود؛ اسلام است که می‌گوید: «ان الحكم الا لله امر الا تعبدوا الا اياه». این حکم، هر حاکمیت ظالمان‌های را نفی می‌کند. هیچ‌کس حق ندارد بر مردم حاکمیت داشته باشد؛ مگر آن‌که دارای معیارهای پذیرفته شده باشد و مردم او را پذیرفته باشند.»^۱

مبتنی بر همین وظیفه است که حقوق انسانی در نظام مبتنی بر آموزه‌های شریعت بیش‌تر از همه‌ی نظام‌های روز دنیا رعایت می‌شود.

«در نظام اسلامی، حقوق انسان از همه جا بیش‌تر رعایت می‌شود و نظام جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار این را نشان داده است.»^۲

بند پنجم: موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال حقوق بشر

از آن‌جا که رعایت آموزه‌های حقوق بشر به‌عنوان تکلیفی شرعی بر عهده‌ی حکومت‌های اسلامی قرار گرفته است؛ نظام جمهوری اسلامی ایران خود را ملزم به پاسداری از اصول و چارچوب‌های حقوق بشر اسلامی در همه‌ی دنیا می‌داند.

«ما طرف‌دار حقوق بشریم و حقوق بشر را هم دنبال خواهیم کرد. کاری هم به گفته‌ی فلان کمیسیون سازمان ملل و فلان کمیته‌ی بین‌المللی نداریم. ما خودمان، به‌خاطر دستور اسلام، طرف‌دار حقوق انسان هستیم؛ چون از اصول اسلام است.»^۳

۱. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳/۱۱/۱۳۷۰.

۲. بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۴/۰۳/۱۳۷۲.

۳. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۲۵/۰۹/۱۳۷۱.

■ گفتار دوم: وظایف حقوق‌دانان در عرصه‌ی حقوق بشر

یکی از ابعاد مهم موضوع حقوق بشر ایفاء تکالیفی است که بیش از هر قشری متوجه حقوق‌دانان است. به بیان دیگر در مقام تبیین موضوعات حقوق بشر اسلامی حقوق‌دانان به عنوان مرتبط‌ترین گروه با حوزه‌ی حقوق بشر تکالیف ویژه‌ای را بر عهده دارند. مهم‌ترین تکالیف یک حقوق‌دان مؤمن و انقلابی در عرصه‌ی حقوق بشر عبارتست از:

بند اول: بازگویی نگاه اسلام به حقوق بشر

«اکنون نخبگان سیاسی و فکری در دنیای اسلام، وظیفه‌ی سنگینی بر عهده دارند. اندیشمندان مسلمان، پیام آزادی‌بخش اسلام را هرچه رساتر و شیواتر به گوش و دل آحاد مردم خود برسانند. هویت اسلامی ملت‌های مسلمان را به‌درستی تبیین کنند. تعالیم روشن اسلام را در موضوعاتی چون: حقوق بشر، آزادی و مردم‌سالاری، حقوق زن، مبارزه با فساد، رفع تبعیض، مبارزه با فقر و عقب‌ماندگی علمی برای جوانان بازگو کنند.»^۱

بند دوم: عدم موضع‌گیری انفعالی در قبال جنجال‌های حقوق بشری

«تمام سعی امروز دنیای مادی مستکبر این است که هر جا مقاومتی هست، آن را از طریق منفعل کردن خُرد کنند. انفعال در مقابل دشمن، غلط‌ترین کار و بزرگ‌ترین اشتباه است. دشمن را از لحاظ دشمنی، باید به حساب آورد؛ یعنی در مقابل او، او را حقیر نشمرد و در برابرش آماده بود و دفاع کرد؛ اما از دشمن نباید حساب برد، امروز از لحاظ فرهنگی و سیاسی، بیش‌ترین تکیه‌ی آن‌ها این است. راجع به قضیه‌ی زن جنجال درست می‌کنند؛ راجع به حقوق بشر جنجال درست می‌کنند؛ راجع به مسئله‌ی

۱. پیام به کنگره‌ی عظیم حج، ۱۳۸۲/۱۱/۰۸.

دمکراسی جنجال درست می‌کند؛ راجع مسئله‌ی نهضت‌های آزادی‌بخش جنجال درست می‌کند، برای این‌که طرف مقابل را دچار انفعال کنند. بزرگ‌ترین اشتباه این است که ما در این قضایایی که آن‌ها جنجال درست می‌کنند، طوری حرف بزنیم که بخواهیم آن‌ها را راضی کنیم. این، همان انفعال است.^۱

بند سوم: عطف توجه عمیق به حقوق بشر با معیارهای اسلامی

«حقوق بشر در سایه‌ی عدل اسلامی و احکام اسلامی تحقق پیدا می‌کند؛ و در دستگاه قضایی، حقوق بشر باید هوشیارانه - نه با معیارها و ضابطه‌های دروغینی که امروز غرب ارائه می‌کند؛ بلکه با معیارهای اسلام - مورد دقت تمام قرار گیرد.»^۲

«امروز علت این‌که دانش پیشرفته‌ی فوق‌مدرن تمدن و دنیای غرب قادر نیست بشریت را نجات دهد، همین است که با انسانیت همراه نیست. هر جایی که دانش باشد، اما وجدان و معنویت و اخلاق و عاطفه و احساسات بشری در آن‌جا غایب باشد، بشر از آن دانش سودی نخواهد برد. ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. این‌که می‌بینید دنیای غرب نسبت به پای‌بندی ما به معنویت، حساس است؛ بر دین‌داری ما اسم تعصب و تحجر می‌گذارد و علاقه‌مندی ما به مبانی اخلاقی و انسانیت را مخالفت با حقوق بشر قلمداد می‌کند، به خاطر آن است که این روش، ضد روش آن‌هاست.»^۳

۱. بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۷۶/۰۲/۱۷.

۲. بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳.

۳. بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۶/۰۶/۱۹.

بند چهارم: تحلیل رفتارهای حقوق بشری غرب در چارچوب رویارویی مبنایی غرب با اسلام

«دولت، مسئولان، سیاسیون، دیپلمات‌ها و مردم باید تحرکات و رفتارهای پیچیده و ظاهرسازی‌های حقوق بشری غرب و آمریکا را با نگاه واقع‌بینانه و در چارچوب رویارویی عمیق و مبنایی غرب با اسلام تحلیل کنند، زیرا در غیر این صورت در تمایز میان تاکتیک‌ها و راهبردهای طرف مقابل و حتی شناخت دشمن دچار اشتباه خواهیم شد.»^۱

بند پنجم: وجود روحیه‌ی تهاجم در مقابله‌ی با زورگویان بین‌المللی

«روحیه‌ی تهاجم در مقابله‌ی با زورگویان بین‌المللی. یک وقت هست که زورگویان بین‌المللی می‌آیند و می‌گویند که آقا شما فلان کار را کرده‌اید و ما رفع و رجوع می‌کنیم و نه والله، نه بالله... ولی یک وقت هست که تهاجمش، تهاجم زورگویانه است؛ بهترین دفاع در چنین مواقعی هجوم است.»^۲

بند ششم: تقویت جمهوری اسلامی به مثابه‌ی الگوی جهان اسلام

«فشارهایی که در طول این سی و سه سال بر ایران اسلامی، بر جمهوری اسلامی وارد شد، شاید بشود گفت علت اصلی همین بود که نگذارند یک الگو در مقابل چشم مردم مسلمان منطقه به وجود بیاید؛ چون بدون الگو، حرکت‌ها دشوار است؛ با وجود الگو، حرکت‌ها آسان است. وقتی یک ملتی الگو شود، یک حرکتی الگو شد، تشویق می‌کند، استعدادها را به حرکت درمی‌آورد. می‌خواستند این نشود.»^۳

۱. دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۰۶/۱۸.

۲. بیانات در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲.

۳. بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷.

در نتیجه می‌توان گفت تحقق حقوق بشر اسلامی به‌عنوان یکی از وظایف حکومت اسلامی نیازمند تحقق پیش‌شرط‌هایی است که بیش از هر قشر دیگری حقوق‌دانان را مد نظر قرار می‌دهد و تحقق آن‌ها به‌عنوان تکلیف و وظیفه‌ی حقوق‌دانان محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

مبتنی بر آنچه تا کنون بیان گردید می‌توان دریافت که در منظومه‌ی فکری رهبر معظم انقلاب تحقق تمدن نوین اسلامی به‌عنوان هدف نظام اسلامی مطرح است و هر قشر و گروهی باید براساس جایگاه اجتماعی خود در راستای دستیابی به این هدف اقدام نماید. حقوق‌دانان نیز به‌عنوان قشری از مردم جامعه که وظیفه‌ی اصلی آن‌ها تعیین بایدها و نبایدهای زندگی اجتماعی و حراست از آن بایدها و نبایدهاست؛ نقش تأثیرگذاری در تحقق این هدف خواهند داشت.

بر این اساس پس از تعیین حد و مرزهای هدف نهایی، نقطه‌ی فعلی و مسیر باقیمانده سه وظیفه‌ی اصلی برای حقوق‌دانان بیان گردید. اول کسب شرایط و مقدمات لازم همانند خودسازی، دشمن‌شناسی، حضور در صحنه، ایجاد روحیه‌ی کار تشکیلاتی، کادرسازی انقلابی و مسئولیت‌پذیری به‌عنوان شرط لازم حرکت در مسیر تحقق اهداف، دوم طراحی ساختارهای مطلوب، برگرفته از آموزه‌های شرعی و سوم ارتقاء نظام موجود به سمت نظام مطلوب از طریق ارتقاء بهره‌وری حقوقی نهادها با بهره‌گیری از روحیه‌ی کار و مسئولیت‌پذیری و توسعه‌ی فرهنگ قانون‌گرایی و هم‌چنین ارتقاء عملکرد نهادهای حقوقی از جمله قوه‌ی قضائیه، مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان. علاوه بر این حقوق‌دانان در عرصه‌ی بین‌المللی نیز تکالیف خاصی بر عهده دارند که به اهم این موارد و اصول حاکم بر

آنها اشاره شد.

بر این اساس همت همگانی جامعه حقوق دان و نهادهای حقوقی کشور در جهت تحقق اهداف والای نظام جمهوری اسلامی ایران امری ضروری و لازم است که ناکارآمدی یا کندی این قشر مهم و تأثیر گذار می تواند تأثیرات مخربی بر عملکرد و نحوه حرکت سایر اقشار و بخش های کشور داشته باشد و در سوی مقابل، عمل بر اساس تکالیف واگذار شده و رسالت ذاتی حقوق دانان، می تواند به عنوان یکی از مهم ترین کمک ها به سایر بخش های کشور در حرکت به سمت وضعیت مطلوب قلمداد گردد.

فهرست منابع

- بیانات در دیدار کارگران، ۱۳۹۵/۰۲/۰۸.
- بیانات در دیدار فرماندهان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی، ۱۳۹۴/۰۲/۰۶.
- بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام، ۱۳۹۴/۰۲/۳۰.
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰.
- بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۴/۶/۴.
- بیانات در دیدار اساتید دانشگاه، ۱۳۹۳/۰۴/۱۱.
- بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین، ۱۳۹۳/۰۹/۰۶.
- بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹.
- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۲/۱۵.
- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
- بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری انتخابات، ۱۳۹۲/۰۲/۱۶.
- بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور، ۱۳۹۲/۰۲/۰۷.
- بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۰۲/۲۹.
- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲/۰۳/۰۸.
- بیانات در دیدار مسئولان و کارکنان قوه قضائیه، ۱۳۹۲/۰۴/۰۵.

- بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۲/۰۵/۱۲.
- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶.
- دیدار ائمه‌ی جمعه‌ی سراسر کشور با رهبر انقلاب، ۱۳۹۲/۰۶/۱۸.
- بیانات در دیدار فرماندهان نیروی زمینی ارتش، ۱۳۹۱/۰۲/۰۳.
- پیام به مناسبت آغاز به کار نهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱/۰۳/۰۷.
- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس نهم، ۱۳۹۱/۰۳/۲۴.
- بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۹۱/۰۴/۰۷.
- بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳.
- برگزاری چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع آزادی، ۱۳۹۱/۰۸/۲۳.
- دیدار جمعی از مسئولان و دست‌اندرکاران جشنواره‌ی مردمی فیلم عمار با رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۱۲/۰۱.
- بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷.
- بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۹۰/۰۳/۰۸.
- بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی(ره)، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴.
- بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۹۰/۴/۰۶.
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۹.
- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۰/۰۶/۱۷.
- بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۲/۰۶/۲۰.
- بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶.
- بیانات در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳.
- بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴.

- بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۱۳۹۰/۱۰/۰۷.
- بیانات در دیدار فرماندهان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۹۰/۱۱/۱۹.
- خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.
- خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران در حرم امام خمینی «ره»، ۱۳۸۹/۳/۱۴.
- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹/۰۳/۱۸.
- بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۸۹/۰۴/۰۷.
- بیانات در دیدار با جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکت‌های دانش بنیان، ۱۳۸۹/۰۵/۰۸.
- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۹/۰۶/۲۵.
- بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۹/۰۶/۱۴.
- بیانات در دیدار طلاب و فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹.
- بیانات در دیدار طلاب غیرایرانی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۸۹/۰۸/۰۳.
- بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۹/۱۱/۲۷.
- بیانات در دیدار استادان و دانشجویان کردستان، ۱۳۸۸/۰۲/۲۷.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹.
- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸/۰۴/۰۳.
- بیانات در دیدار اعضای دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۰۵/۰۵.
- بیانات در دیدار اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۸/۶/۱۶.
- بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن‌پژوه کشور، ۱۳۸۸/۰۷/۲۸.
- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۸۸/۱۲/۰۶.
- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴.
- بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس هشتم، ۱۳۸۷/۰۳/۲۱.
- بیانات در دیدار مسئولان قضایی کشور، ۱۳۸۷/۰۴/۰۵.

- بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۷/۰۶/۰۲.
- بیانات در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.
- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۷/۰۹/۰۲.
- بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش، ۱۳۸۷/۱۱/۱۹.
- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت و مدیران اجرایی کشور، ۱۳۸۶/۰۴/۰۹.
- بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۸۶/۰۴/۲۰.
- بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۶/۶/۴.
- بیانات در دیدار رؤسای قضایی کشورهای اسلامی، ۱۳۸۶/۹/۱۴.
- بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۲۹/۰۳/۱۳۸۵.
- بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶.
- بیانات در دیدار مردم شاهرود، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰.
- پیام به مناسبت آغاز به کار چهارمین دوره مجلس خبرگان، ۱۳۸۵/۱۲/۰۱.
- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۴/۰۳/۰۸.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸.
- بیانات در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸.
- بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷.
- بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.
- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۳/۰۱/۲۶.
- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴.
- بیانات در دیدار نمایندگان مجلس، ۱۳۸۳/۰۳/۲۷.
- بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه و خانواده شهدای هفتم تیر، ۱۳۸۳/۰۴/۰۷.
- انتصاب آیت‌الله هاشمی شاهرودی به ریاست قوه قضائیه، ۱۳۸۳/۵/۲۲.

- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶.
- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۳/۰۸/۲۰.
- دیدار با رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱.
- بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱.
- بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۸۲/۰۳/۰۷.
- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۸۲/۰۳/۱۴.
- بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۲/۰۴/۰۷.
- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۲/۰۶/۰۵.
- بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲/۰۸/۰۸.
- بیانات در دیدار استانداران سراسر کشور، ۱۳۸۲/۱۰/۲۲.
- پیام به کنگره‌ی عظیم حج، ۱۳۸۲/۱۱/۰۸.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۲/۱۱/۲۴.
- بیانات دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۸۱/۰۳/۰۷.
- بیانات در دیدار جوانان و دانشجویان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶.
- بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۸۱/۰۴/۰۵.
- بیانات در مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری، ۱۳۸۰/۰۵/۱۱.
- بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۸۰/۰۷/۱۱.
- بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱.
- بیانات در خطبه‌های نماز عید سعید فطر، ۱۳۸۰/۰۹/۲۵.
- بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۰/۱۰/۱۹.
- پیام به کنگره‌ی عظیم حج، ۱۳۸۰/۱۱/۳۰.

- بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۷۹/۰۳/۲۹.
- بیانات در دیدار با مسئولان قوه قضائیه و خانواده‌های شهدای هفتم تیر، ۱۳۷۹/۰۴/۰۷.
- بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمی قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲.
- بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۷۹/۰۴/۲۸.
- بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹.
- نامه به سران قوای سه گانه و ابلاغ سیاست‌های کلی نظام، ۱۳۷۹/۱۲/۲۰.
- بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۷۸/۰۳/۱۰.
- بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۸/۰۴/۰۷.
- انتصاب آیت‌الله حاج سید محمود هاشمی شاهرودی به ریاست قوه قضائیه، ۱۳۷۸/۰۵/۲۳.
- بیانات در دیدار مسئولان اجرایی و نظارتی انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸/۰۹/۲۲.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۸/۰۹/۲۶.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۷/۰۲/۱۸.
- بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۷/۰۴/۰۷.
- بیانات در مراسم فارغ التحصیلی گروهی از دانشجویان، ۱۳۷۷/۶/۱۲.
- بیانات در دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲.
- پیام به مناسبت اولین اجلاس دوره سوم مجلس خبرگان، ۱۳۷۷/۱۲/۰۳.
- پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال، ۱۳۷۶/۰۱/۰۱.
- بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدا، ۱۳۷۶/۰۲/۱۷.
- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۷۶/۰۳/۱۶.

- بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۶/۰۶/۱۹.
- در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۰۲/۱۸.
- بیانات دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۵/۳/۲۹.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۰۹/۱۹.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۷۵/۱۰/۲۸.
- دیدار مسئولان سازمان بازرسی با رهبر انقلاب، ۱۳۷۵/۱۲/۰۶.
- بیانات در دیدار اعضای شوراهای فرهنگ عمومی استان‌ها، ۱۳۷۴/۰۴/۱۹.
- بیانات در دیدار اعضای هیأت‌های نظارت شورای نگهبان، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴.
- بیانات در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره)، ۱۳۷۳/۰۳/۱۴.
- بیانات در دیدار هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور، ۱۳۷۳/۰۴/۲۲.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۳/۰۶/۰۴.
- دیدار مسئولان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب، ۱۳۷۲/۰۶/۰۴.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۲/۰۳/۱۴.
- بیانات در دیدار جمعی از معلمان و کارگران، ۱۳۷۱/۰۲/۰۹.
- بیانات در دیدار با نمایندگان مجلس، ۱۳۷۱/۰۳/۲۰.
- بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۱۳۷۱/۰۸/۰۳.
- پیام به جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۷۱/۰۸/۲۴.
- بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵.
- بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۱/۱۰/۱۹.
- بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۱/۱۰/۲۳.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱.
- بیانات در اوّلین روز ماه مبارک رمضان، ۱۳۷۱/۱۲/۰۴.
- بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۷۰/۰۱/۲۶.

- بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان ۱۳۷۰/۰۲/۱۱.
- بیانات در دیدار مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۷۰/۰۴/۰۵.
- بیانات در دیدار اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس، ۱۳۷۰/۰۴/۱۵.
- بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱.
- بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۰/۱۱/۱۳.
- بیانات در دیدار جمعی از فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰.
- بیانات در دیدار اعضای هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس، ۱۳۷۰/۱۲/۰۴.
- بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۶۹/۰۴/۰۴.
- بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت وزیران، ۱۳۶۹/۰۶/۰۱.
- بیانات در دیدار مسئولان دفاتر نهضت سوادآموزی و مسئولان شهربانی، ۱۳۶۹/۰۷/۰۴.
- بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۶۹/۰۹/۱۹.
- بیانات در مراسم بیعت اعضای شورای نگهبان، ۱۳۶۸/۰۳/۲۱.
- بیانات در مراسم بیعت نیروهای ژاندارمری و شهربانی و سازمان پلیس قضایی، ۱۳۶۸/۰۳/۲۸.
- بیانات در مراسم بیعت کارگران سراسر کشور، ۱۳۶۸/۰۴/۰۵.
- بیانات در مراسم بیعت مسئولان دستگاه قضایی، ۱۳۶۸/۰۴/۰۷.
- بیانات در دیدار وزیر و کارکنان وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸/۰۵/۳۱.
- بیانات در دیدار مسئولان قوه‌ی قضائیه، ۱۳۶۸/۰۶/۲۰.
- بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان و طلاب، ۱۳۶۸/۰۹/۲۹.
- بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۹/۱۴.
- خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۵/۱۱/۱۳.